

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۳۶، چهارشنبه اول شهریور ۱۳۹۱ (۲۲ اوت ۲۰۱۲)

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

زلزله در آذربایجان

- * زلزله آذربایجان و قدرت نیروی اجتماعی - جعفر پویه...ص ۳
- * به یاری هموطنان آذری، قربانیان دو جانبه بشتابیم! - لیلا جدیدی...ص ۹
- * دستور کار زلزله آذربایجان: جنگ زرگری، تلکه گیری - منصور امان...ص ۱۰

تحولات سوریه

- * بررسی دو دیدگاه در چپ جهانی، حمایت نظامی غرب به انقلاب سوریه آری یا نه؟ - لیلا جدیدی...ص ۱۰
- * اقرار مشاور خامنه ای به دخالت در عراق و سوریه - زینت میرهاشمی...ص ۱۴
- * زائر یا پاسدار، رسوایی دیگر جمهوری اسلامی در سوریه - لیلا جدیدی...ص ۱۵
- * دیپلماسی منطقه ای رژیم به گل نشسته است - جعفر پویه...ص ۱۶
- * سرنوشت راه حل مرضی الطرفین شکست است - زینت میرهاشمی...ص ۱۷
- * روز بشار اسد، نتانیاها و "قدس" - منصور امان...ص ۱۸
- * گزارشی از پشت پرده دستگیری ۴۸ مزدوران سپاه قدس در دمشق...ص ۱۸
- * افزایش اعزام پاسداران نیروی قدس از طریق نجف و بیروت به سوریه...ص ۱۹

اقتصادی

- * سیاست گسترش فقر - زینت میرهاشمی...ص ۲۱
- * قطعی برق در ایران و افزایش ۵ میلیارد دلاری صادرات آن؟ - لیلا جدیدی...ص ۲۴
- * نشانه های بده بستان در پرونده زمین خواری جواد لاریجانی - منصور امان...ص ۲۵
- * پرونده مرتضوی، کشاکش مجلس و دولت در محدوده بیت خامنه ای - جعفر پویه...ص ۲۶
- * شکست سیاست ارزی "نظام" و مفهوم عملی آن - منصور امان...ص ۲۷

مسایل جهانی و منطقه ای

- * تحولات مصر بعد از پیروزی محمد مُرسی - آناهیتا اردوان...ص ۲۷
- * شکست و تحقیر رژیم ولایت فقیه در اجلاس مکه - جعفر پویه...ص ۳۱

- *سرکوبی از اقتدار نظام نیست - زینت میرهاشمی...ص ۳۲
- *انفجار کنترل شده کنار بُشکه باروت! - منصور امان...ص ۳۲

چالشها و حرکت‌های نیروهای کار

- *سیاست افزایش جمعیت و برده کردن زنان - شهره صابری...ص ۳۳
- *چالشهای معلمان در مرداد ماه ۱۳۹۱ - فرنگیس بایقره...ص ۳۵
- *برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۱ - زینت میرهاشمی...ص ۳۸
- *زنان در مسیر رهائی - آناهیتا اردوان...ص ۴۲
- *رویدادهای هنری مرداد ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۶
- *کلاه شرعی دولت بر سر دیوان عدالت اداری - جعفر پویه...ص ۵۱
- *گسترش تبعیض جنسیتی در رشته های آموزشی - زینت میرهاشمی...ص ۵۲

سیاسی

- *جنگ نقد و واقعی، هیاهوی جنگ نسیه - مهدی سامع...ص ۵۲
- *علیه اعدام مبارزان گرد - زینت میرهاشمی...ص ۵۳
- *تصفیه حساب ناطق نوری با خامنه ای - منصور امان...ص ۵۴
- *پاره شدن عنان حزب الله در برابر ناطق نوری - زینت میرهاشمی...ص ۵۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»
 «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»



MEHR

Photo: Yunes Khani

MEHR NEWS AGENCY

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده های قربانیان زلزله تسلیت می گوید و از مردم ایران دعوت می کند تا در حد توان به یاری هم میهنان زلزله زده خود بشتابند. شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۱

زلزله آذربایجان و قدرت نیروی اجتماعی

جعفر پویه

زلزله ای که با شدت ۶.۳ درمقیاس ریشتر شهرهای اهر، ورزقان، هریس و دهات اطراف آن را لرزاند، به دلیل مرکزیت آن در بافت روستایی تلفات زیانبار جانی و مالی فراوانی بار آورد. هرچند آمار اولیه دولت حکایت از ۱۸۰ نفر کشته و ۱۳۰۰ نفر زخمی داشت، اما افکار عمومی این آمار را به هیچ وجه نپذیرفت. آگاهان منطقه و کارشناسان، آمار واقعی را بسیار بالاتر از ارقامی دانستند که دولت سراسیمه و با عجله اعلام کرده بود.

به جز این، مسوولان حکومتی سه روز پس از زلزله اعلام کردند که کمک به زلزله زدگان و آوار برداری پایان یافته و با ادعای این که مسلط بر اوضاع هستند، کمکهای خارجی برای مردم این مناطق را رد کردند. رادیو و تلویزیون رژیم از پوشش خبری این فاجعه سرباز زد و مقامات بلند پایه آن انگار نه انگار زلزله‌ای در کشور روی داده و جان و مال هزاران شهروند در خطر افتاده، به کارهای روز مره خود پرداختند.

اما در این میان نیروهای اجتماعی با سازماندهی سریع خود از همان ابتدای کار، به طور گسترده به کمک زلزله زدگان شتافتند. این نیروهای امدادی با بکارگیری تجربه گذشته و وارد شدن عناصر سازمانده، به این کمک رسانی سرو سامان بهتری دادند.

حکومت غیر مردمی

آنچه بیش از همه در این میان چشمگیر بود، عملکرد رژیم و پایوران آن است که به خوبی ثابت کردند، مشکل مردم و در خطر افتادن جان و مال آنان برایشان کمترین اهمیت را دارد. عمده کردن مشکل رژیم در سوریه و عدم توجه به هزاران شهروندی که به علت تخریب خانه هایشان بی جا شده بودند و رها کردن مردم بی پناهی که سرپناه هایشان تخریب شده بود، به امان خدا، چهره زشت و ضد انسانی رژیم ولایت فقیه را بیش از گذشته عیان کرد. منهای بی توجهی صدا و سیمای رژیم به این موضوع و بایکوت خبری آن، احمدی نژاد، رییس جمهور برکشیده خامنه ای نه تنها به مردم زلزله زده آذربایجان تسلیت نگفت، بلکه انتشار پیام تسلیت او به رییس جمهور سیرالئون به دلیل مرگ مادرش در ۴۰ روز قبل، موجی از خشم و نفرت را بر انگیخت. همین طور علی خامنه ای ولی فقیه و رهبر رژیم نیز همان روز وقوع فاجعه، در دیدار رسمی با عده ای که منابع حکومتی آنان را "جمع دانشگاهیان" می نامند، سخنرانی کرد، هیچ حرفی از زلزله به زبان نیاورد. او نیز همچون مجموعه حکومتیها پس از انتشار پیام تسلیت بسیاری از مقامات بین المللی در مورد این فاجعه، پیام تسلیت فرستاد. اما مردم فاجعه دیده از این پیام نه تنها استقبال نکردند بلکه خود را شهروندان درجه دومی دانستند که ولی فقیه رژیم پس از رتق و فتق امور جاریش به آنان پرداخته است.

احمدی نژاد نیز در گرماگرم کمک رسانی مردمی و بایکوت حکومتی زلزله زدگان به سفر مکه رفت تا از رژیم بشار اسد در نشست همکاریهای اسلامی دفاع کند.

دو روز پس از زلزله درحالی که بسیاری از روستاهای دور دست به دلیل مشکلات ارتباطی هیچگونه کمکی دریافت نکرده بودند، مسوولان دولتی هلال احمر از پایان عملیات و نجات آسیب دیدگان خبر دادند. اعلام پایان آوار برداری و امداد رسانی به صدها روستای دور افتاده که چشمان مردم در انتظار حداقل کمک دولتی بودند، آخرین تیر بی اعتمادی آنان را

به شقیقه رژیم شلیک کرد. و این گونه قطع امید مردم از حکومت و فشردن دستان مردمی که با جان و دل به کمک آمده بودند، قطعی شد. به علت همین عملکردها مردم مناطق زلزله زده به طور کلی رژیم را بیگانه با خود یافتند. اگر تا همین



چند روز قبل بسیاری از آنان در مورد تبعیض چیزی شنیده بودند، حال دیگری می توانستند تبعیض حکومتی و درجه بندی شهروندان و بی اهمیت دانستن آنان نزد مدعیان حکومت نماینده خدا بر روی زمین را به خوبی مشاهده کنند.

اقدام دیر رس

عباس فلاحی باباجان، نماینده اهر و هریس در مجلس آخوندها که به منطقه زلزله زده سفر کرده و مورد اعتراض بسیاری از شهروندان قرار گرفت، وقتی خبرنگاری که از او در مورد علت رد کردن کمکهای خارجی، که مسوولین می گویند به آنها احتیاج ندارند، پرسید، جواب داد: "ما به کمک انسانی و به امکانات به لباس گرم به پتو و ... احتیاج ضروری داریم. هرکس که می گوید که ما احتیاج نداریم دروغ می گوید." وقتی خبرنگار اصرار می کند که پس چرا کمکهای خارجی پس زده شده اند؟ او می گوید: "مسائل سیاسی پشت پرده و امور خارجی به نوعی است که احتمالا من هم خبر نداشته باشم. من نمی توانم در این مورد دخالت کنم. حتما چیزی بوده که این کمکها رو قبول نکردند."

با این حساب ملاحظیات سیاسی و ادعای رژیم در مورد توانمندی خودش و مدیریت عالی بحران، سرعت عمل و تسلط براوضاع، باعث می شود تا کمکهای انسان دوستانه بین المللی پس زده شوند و مردم محرومی که هست و نیست شان در زلزله از بین رفته از همین حداقلها هم بی بهره باشند.

این گونه رژیم نه تنها خبر رسانی در مورد زلزله و خانه خرابی مردم را امنیتی می داند، بلکه کمک به آنان و انتشار اخبارش را نیز حذف کرده و برای امداد رسانهای مردمی نیز مانع تراشی می کند.

فشار مردم زلزله زده از یک طرف و خبر رسانی و کمک گسترده مردمی از سوی دیگر باعث عقب نشینی رژیم می شود. اکیپهای مردمی که خود به سازماندهی پرداخته اند، یکی بعد از دیگری از راه می رسند. جوانانی از چهار گوشه کشور در حالی که هیچ آشنایی با زبان و گویش آذربایجانی ندارند، وارد می شوند و با تمام نیرو تلاش می کنند تا اندکی از آلام مردم را کاهش دهند.

عکسها و اخبار این اکیپها به سرتاسر گیتی مخابره می شود. شبکه های اجتماعی بار دیگر کار کرد خود را به رخ می کشند. اکیپهای مختلف از مناطق متفاوت با هم در ارتباط اند تا بتوانند کمکها را هرچه گسترده تر به دست مردم نیازمند برسانند.

پس از این درخشش جوانان و نهادهای آنان که خلا وجود ارگانهای حکومتی در این گونه مواقع را پر کرده اند، علی خامنه ای پس از پنج روز از وقوع زلزله روانه یکی از این مناطق می شود تا از قافله بیش از این عقب نماند. اما فاصله نجومی ولی

امر خود خوانده مسلمین جهان، با مردم زلزله زده، ترس و وحشت او از آنان و وجود یک دیوار حایل بین او و مردم که توسط اطلاعاتیها بوجود آمده، نه تنها چاره کار او نمی شود، بلکه نشان می دهد که آخوند به مکتب رسیده حتی از نزدیک شدن به مردم آسیب دیده کشور نیز هراسان است. مردم به فاصله خود با خامنه ای بیشتر پی می برند و علت برج عاج نشینی و عدم صدور پیام تسلیت و سرکشی دیر هنگام را به خوبی با چشم خود می بینند.

مدیریت ولایت فقیه‌ی

شیوه برخورد مقامات محلی و کشوری رژیم با این مشکل و اظهار نظرهای مختلف درباره آن، اعلام پایان عملیات و شروع دوباره آن، پس زدن کمکهای بین المللی و قبول مجدد آن و ... نشان از یک بهم ریختگی تمام عیار دارد. یعنی رژیم مدعی مدیریت جهان، نه تنها قادر نشد تا این بحران را به گونه ای آبرومند جمع کند، بلکه برخوردهای متفاوت مدیران آن نشان داد که سیستم ولایت فقیه فشل تر از آن است که فکرش را می کردند.

در یک نگاه ساده به آمارهای منتشر شده در مورد کشته شده ها می شود این بهم ریختگی را به خوبی مشاهده کرد. در حالی که پزشکی قانونی از ثبت مرگ ۲۲۷ تن خبر داده، استانداری تعداد کشته ها را ۲۵۲ تن اعلام می کند و وزارت بهداشت هم عدد کشته ها را ۳۱۰ تن ذکر کرده است. در برخی منابع رسمی دیگر تا ۳۱۸ تن هم گفته شده است. یعنی یک سیستم، یک رژیم، منابع آن در مورد یک اتفاق، چندین آمار متفاوت منتشر می کنند. چه چیزی جز عدم مدیریت صحیح و بهم ریختگی می شود به این موضوع اطلاق کرد؟

مسعود پزشکیان، نماینده تبریز در مجلس آخوندی در سخنرانی خود در صحن علنی مجلس گفت: "تا آنجایی که من در جریانم ۸ هزار چادر را برای اسکان خانواده های آسیب دیده در اختیار قرار دادند، اما عده ای سود جو تعدادی از این چادرها را به تبریز بازگرداندند و چادر در مناطق زلزله زده کم آمده است. این نشان می دهد که برنامه ریزیها به خوبی دنبال نمی شود و همانطور که اذعان داشتیم ما با ضعف مدیریت روبرو هستیم."

هرچند پزشکیان تلاش کرده تا دزدی مقامات حکومتی را در لفافه بیان کند. اما کیست که نداند منظور او از "عده ای سود جو" که تعداد زیادی از چادرها را به غارت بردند چه کسانی است.

هرچند فلاحی نیز ستاد مدیریت بحران رژیم که ادعا کرده بود به کمکهای خارجی نیاز ندارد را "دروغگو" خوانده بود، اما این همه ماجرا نیست. اینجاست که مشخص می شود به چه دلیل مردم حاضر نیستند کمکهای نقدی و جنسی خود به زلزله زده ها را به ارگانهای دولتی تحویل دهند. بسیاری به دلایل مشابه استناد کردند که سیل ماشینها به سوی منطقه زلزله زده روانه می شود و هرکس تلاش دارد تا همان اندک کمک خود و دوستانش را با همه زحمات و مشکلاتی که دارد به دست مردم برساند. مردم به خوبی به ماهیت رژیم دزد و غارتگری ولایت فقیه آگاهند و به همین دلیل کوچکترین اعتمادی به آن ندارند.

پاوش دوزی

مردم و جوانانی که از طریق شبکه های متفاوت به سازماندهی خود پرداخته اند، مدیریت منطقه را بدست می گیرند و با شور و شوق تلاش می کنند تا از امکانات سازمانهای دولتی بهترین بهره را ببرند. آنها کمکهای ارسالی دوستان خود از مناطق مختلف را در مراکزی انبار کرده و تلاش می کنند به شیوه شایسته ای امداد رسانی را به پیش ببرند. دولت و ارگانهایی که عربه های حمایت از مستضعفین جهان گوش فلک را گر کرده، قبلن پایان امداد رسانی را اعلام کرده اند، اما پشت سرهم خبر می رسد که تعدادی جسد از زیر آوار بیرون کشیده شده و حتی در مناطقی افرادی زنده از زیر آوار نجات پیدا کرده اند.

شبکه ارسال خبر مردمی و تعدادی از خبرنگاران متعهد به شغل خود این اقدامات را پوشش می دهند. خبر رها کردن مردم زلزله زده به حال خود توسط دولت و از راه رسیدن نیروهای امداد رسان مردمی برای کمک به هم نوعان خود، حتی

تیترا یک بعضی از روزنامه داخل شد. دولت و دستگاه مدیریت بحران ولایت فقیه که حال دیگر قافیه را باخته اند. توسط روزنامه رسالت امداد رسانها و شهروند خبرنگاران را به "سیاه نمایی"، "همسو با ضد انقلاب" و "اقدام علیه امنیت ملی" متهم می کند. در کجای دنیا کمک به هم نوع و رسیدن به داد مردمی که در اثر زلزله خانه های خود را از دست داده و بدون آب و غذا و سرپناه مانده اند را "اتهامات امنیتی" می نامند و به باد فحش و ناسزا می گیرند. روزنامه رسالت با بی شرافتی و بی وجدانی، اقدامات شهروند خبرنگاران و مردمی که برای زلزله زدگان دلسوزی می کنند و به کمک آنان شتافته اند را "چوب حراج به امنیت ملی در بازار مکاره دشمن" توصیف می کند و می نویسد: "در زلزله آذربایجان عده ای ضد انقلاب نیز تحت عنوان شهروند خبرنگار که فاقد هر گونه اهلیت سیاسی و اجتماعی و صلاحیت آکادمیک و تجربی بودند در برخی شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک فعال شدند تا با سیاه نمایی وضع موجود دولت را نسبت به زلزله زدگان بی توجه نشان دهند."

و این گونه دولت از زبان مقاله نویس رسالت با هتاکی به مردم و کسانی که با خبر رسانی از وضعیت زلزله زده ها، دروغگویی او را افشا و دیگران را به کمک رسانی تشویق کردند، آنها را متهم می کند و پند و اندرز می دهد که: "خبرنگاران در حین بلایا و فجایع طبیعی نمی بایست رو به روی دولت و اتاق مدیریت بحران قرار بگیرند." به زبان دیگر کسانی که اطلاع رسانی درست کرده اند، برخلاف تصمیم دولت عمل کرده اند و روبروی آن قرار گرفته اند. چون دولت مردم روستایی و زحمت کشانی که عزیزانشان را به همراه هست و نیست خود و سرپناه شان از دست داده اند را شایسته کمک نمی داند. زیرا این مناطق در دیدرس دستگاههای تبلیغاتی نیست و نمی شود آنها را روزی صد بار به رخ مجامع بین المللی کشید و در رثای دستگاه ولایت فقیه مدح گفت و به به و چه جَه کرد. مرگ صدها روستایی و مردم بی چیز برای دستگاه ولایت فقیه و دولت امام زمانی ارزش چندانی ندارد که صدا و سیمایش بخشی از برنامه خود را به اخبار مصیبت آنان اختصاص دهد. به دلیل این گونه تفکرات است که بعد از پاپوش دوزی روزنامه رسالت برای نهادهای مردمی و جوانان امداد رسان، سیل نیروهای اطلاعاتی و سپاه به منطقه روانه می شوند تا کنترل را بدست گیرند و قدرت خود را به رخ بکشند.

اما این ورود دیرس دردی از رژیم دوا نمی کند. نیروهای اطلاعاتی و سپاه با مصادره اموال نهادهای مردمی که به منطقه رسیده و انبار شده، سعی می کنند تا توزیع کمکها را بدست گیرند. اما برخورد زشت و زننده نیروهای ولایت فقیه که مردم را برده دستگاه خود می پندارند، کار را بجایی رساند که به سرعت به ضد خودش تبدیل شد. مردم بادرگیر شدن با این نیروها و برخورد با کسانی که با مردم با زبان زور سخن می گویند، جلو مصادره اموال از راه رسیده توسط سپاه را گرفته و با آنها وارد زد و خورد می شوند.

در این مورد حسن قدمی، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، روز چهارشنبه ۲۵ مرداد در گفت و گو با خبرگزاری مهر علت جمع آوری آذوقه و مصادره اموال نهادهای مردمی توسط نیروهای سپاه در این مناطق را "تلاش برای توزیع درست این کمکها" عنوان کرد و گفت: "سپاه پاسداران و هلال احمر و کمیته امداد تمامی کمکها را جمع کرده تا به صورت واحد به درستی توزیع شود."

اما این کمیته امدادیهایی که با زور سپاه و نیروهای اطلاعاتی اموال نهادهای مردمی را تصرف کرده اند نمی توانند از عهده توزیع درست آنها برآیند. کتک کاری و درگیری مردم با این زورگوها به دلیل نوع رفتار ناشایست آنهاست. مردم که رفتار غیر انسانی نیروهای حکومتی را می بینند، سعی می کنند قبل از اینکه کمکهای مردمی توسط سپاه و اطلاعاتی مصادره شود، خود به آنها دسترسی پیدا کنند و این گونه جلو تصرف سپاه در این اموال را بگیرند. یکی از خبرنگاران حاضر در محل در این مورد می نویسد: "چون آقایان می آیند چند بسته پرت می کنند بین مردم و می روند، به خاطر همین مردم مجبورند بروند با زور قبل از رسیدن کمکها به انبارها و ذخیره شدن آن از سوی سپاه، آنها را بگیرند."

حسن قدمی، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، نیز روز چهارشنبه در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر وجود خشم و عصبانیت در مردم این مناطق را تأیید کرد و در پاسخ به این که؛ مشاهده شده برخی با زور کمکهای مردمی را غارت می‌کنند، گفت: "نمی‌توان نام اینها را زورگیری گذاشت زیرا برخی عصبانی هستند، ولی نیروی انتظامی صحیح نیست در حادثه مداخله کند زیرا موجب تشنج می‌شود و باید در این خصوص کار فرهنگی کرد."

به زبان دیگر زور گویی نیروهای دولتی و کتک زدن مردمی که برای یک لقمه غذا در انتظار کمک حداقل هستند، آنها را ناتوان از کار درست نشان می‌دهد. مردم با کتک کاری متقابل و مصادره کمکهای مردمی رسیده و اعمال مدیریت خود درسی از چگونگی رفتار و کردار به آنان دادند. به همین دلیل سپاه و نیروهای اطلاعاتی موقتاً مجبور به عقب نشینی می‌شوند. اما این عقب نشینی مصلحتی است، زیرا آنان به زودی و بعد از تجدید قوا و بکارگیری عناصر تازه باز می‌گردند و با دستگیری نیروهای کمکی و جوانانی که به سازماندهی پرداخته و کمکهای مستمری را که ارسال می‌شود را به خوبی توزیع می‌کنند، منطقه را امنیتی کرده و تسلط به شیوه ولایت فقیه با زور و سرکوب را اعمال می‌نمایند.

بازدید بدتر از بایکوت

بازدید علی لاریجانی و تیم مجلسیهای همراه او از منطقه نه تنها باعث کاهش آلام نشد، بلکه نهادهای حکومتی که مشغول امداد رسانی بودند را نیز از کار انداخت و به آنان نشان داد که رییس مجلس و آیت الله زاده مدعی، چگونه به اوضاع مردم مصیبت دیده سرکشی می‌کند. ورود علی لاریجانی به منطقه در دسر بزرگی برای هلال احمر شد. بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه از قول یکی از منابع خود می‌گوید: "پنج فروند بالگرد اختصاصی جمعیت هلال احمر که به جابجایی مصدومان و انتقال کمکهای فوری اختصاص داشت از زمان ورود علی لاریجانی در اختیار او و تیم همراهش قرار گرفت. علی لاریجانی و تیمش برای پرواز با این ۵ فروند بالگرد، خلبانهای اختصاصی خود را به همراه داشتند و به همین دلیل حتی خلبانان هلال احمر را نیز مرخص کردند. نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر نیز ناگزیر شدند برای انجام مأموریتهای فوری خود در جا بجایی مصدومان و یا انتقال کمکها و اقلام فوری از آمبولانسها استفاده کنند که این موضوع علاوه بر کند شدن عملیات امدادی هلال احمر، آنها را با مشکلاتی دیگر نیز روبه رو کرد."

یعنی علی لاریجانی حتا به نیروهای هلال احمر نیز اعتماد ندارد و برای سرکشی از منطقه و استفاده از هلی کوپتر آنها، پنج خلبان اختصاصی و نیروهای تکنیکی پرواز اختصاصی به همراه برده است. حال چه تعداد نیروی امنیتی به قرق منطقه پرداخته تا احتمال کسی برای گفتگو و یا تماس با او و هیات همراهش نزدیک نشود، خود آن را حدس بزنید!

آیا به نظر شما چنین بازدید و پرواز بر فراز منطقه تخریب شده، می‌تواند دردی از این مردم دوا کند؟ وقتی لاریجانی حتا جرات نزدیک شدن به مردم را ندارد و از سایه آنان نیز می‌ترسد، چگونه می‌تواند بفهمد وضعیت آنان چگونه است و مشکل و درد دل آنان چیست؟

با همه اینها به محض بازگشت از منطقه، لاریجانی گزارش محرمانه ای در جلسه غیر علنی به مجلس می‌دهد و دو کمیسیون عمران و بهداشت را مسوول پیگیری و نظارت به کمک رسانی و بازسازی منطقه می‌کند.

این که لاریجانی در گزارش خود چه گفته، چیزی از آن به بیرون درز نکرده است. اما می‌شود فهمید که با بازدید از فراز منطقه به عمق فاجعه پی برده و رها سازی این مردم توسط دولت و عدم توجه ارگانها و نهادهای مسوول به آنها را بازگو کرده است.

به همین دلیل است که او چهار روز پس از وقوع زلزله همزمان با بازدید خود از منطقه بر خلاف هلال احمر رژیم که اعلام کرده بود "با توجه به توانایی جمعیت هلال احمر در پوشش امدادی مناطق زلزله‌زده، نیازی به کمکهای بین‌المللی نیست" او گفت: "از کمک هر کشوری که بخواهد به زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی کمک کند، استقبال می‌کنیم."

روز قبل از لاریجانی، محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد نیر گفته بود: "اکنون در این شرایط آماده دریافت کمکهای کشورهای مختلف به زلزله زدگان شهرستانهای اهر، ورزقان و هریس هستیم". معلوم نیست منظور رحیمی از "اکنون در شرایطی هستیم" چه چیزی است. چه شرایطی تغییر کرده که اکنون رژیم آماده پذیرش کمکهای بین المللی شده است؟ و تا از قبل از این، وضعیت چگونه بود که مردم در زیر آوار مانده و زنده های خانه خراب و گرسنه و تشنه و مصیبت دیده را رها کرده و ادعا کردند که نیازی به کمک خارجی ندارند.

نمایش قدرت نیروی اجتماعی

هرچند هنوز آمار دقیقی از کشته و مجروح شدگان این زلزله در دست نیست. اما به گواه کسانی که از منطقه بازدید کرده اند، بعضی از روستاها صد در صد تخریب شده اند و همان سرپناه اندک خشت و گلی مردمی که کشاورز و دامدار هستند از بین رفته است. ادعای دولت در مورد ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض برای خانواده های آسیب دیده، نمی تواند دردی از این مردم دوا کند. واقعاً با چنین مبلغی می توان چند پاکت سیمان برای ساختن یک سرپناه کوچک که مناسب یک خانواده روستایی باشد خرید؟

پرداخت ۱۲ میلیون تومان وام با بهره ۴ درصد به مردمی که همه هست و نیست خود را از دست داده اند، چگونه باید جبران شود؟ آیا آنها توان باز پرداخت این وامها را به دلیل درآمد ناچیز خود خواهند داشت؟ از قبل مشخص است که این مصوبه دولت و ادعاهای پوچ آن نمی تواند کاری برای مردم منطقه بکند. همانطور که در وانفسای مصیبت، دولت و رژیم آنها را رها کردند، اکنون نیز این تبلیغات و توسل به اعدادی که هیچ ارزشی ندارند نیز نمی تواند کارگشای مردم باشد.

اما بیش از همه آن چیزی که در این میانه خود نمایی کرد، قدرت مردم، بسیج سریع و ارسال مستمر کمکها توسط خودشان به منطقه بود. وقوع این زلزله اثبات کرد که نیروی اجتماعی مردم ایران از قدرت بالایی برخوردار است. این نیروی توانمند می تواند به سرعت دست دولت و رژیم دروغگو را رو کند و با اطلاع رسانی دقیق و سازماندهی گسترده، خود بجای دولت و دستگاههای عریض و طویل آن، به انجام وظیفه بپردازد. این همان نیرویی است که می تواند در مواقع حساس وارد میدان شود و با سازماندهی خود، از عهده مشکلترین کارها بر آید. دشمنی وزارت اطلاعات و سپاه با آنها، تنها به دلیل کمک رسانی و دستگیری از مردم مصیبت دیده نیست. دستگاه داغ و درفش و سرکوبگر رژیم ولایت فقیه از این نیروهای جوان و قدرت سازماندهی آنان وحشت دارد. وزارت اطلاعات می هراسد که این نیرو در این میدانها خود را آبدیده تر کرده و برای روز مبادا آماده باشد. به این دلیل است که با یورش به مرکز تجمع و مصادره مخازن کمکهایشان، اقدام به دستگیری آنان می کند.

فحاشی روزنامه رسالت به شهروند خبرنگاران به این دلیل است که دست دستگاه دروغ پراکنی رژیم را رو کرده و آنان را پیش چشم جهانیان رسوا نمود. اینان می دانند که از این به بعد دیگر هرگز نخواهند توانست دست به جنایات ضد انسانی بزنند و با بایکوت خبری آن، اجازه نشت خبر اعمال خود را ندهند.

قدرت نیروی اجتماعی مردم در زلزله اهر، هریس و ورزقان به نمایش درآمد. از این به بعد این سرکوبگران هستند که از وحشت این نیروی بالفعل و بالقوه دیگر خواب راحت ندارند. این نیرو با تجربه اندوزی و بالا بردن توان سازماندهی و جابجایی سریع، خود را برای روز مبادا آماده می کند. تمام قدرت قهاره نیروهای سرکوبگر رژیم ولایت فقیه در مقابل یک کرشمه این نیروهای جوان، از حرکت باز خواهند ماند و مقهور توان، شهامت و شجاعت آنان خواهد شد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.co

به یاری هموطنان آذری، قربانیان دو جانبه بشتابیم!

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۳ مرداد

صدها نفر از هموطنان در روستاهای محروم اطراف اهر در استان آذربایجان شرقی در اثر حادثه زلزله جان باخته و یا زخمی شده اند. خبر زلزله که تلفات بسیاری بر جای گذاشت، به سرعت در سایتهای خبری و شبکه های مجازی انتشار یافت و در کمتر از یکساعت به مهمترین اخبار شبکه های خبری جهان تبدیل شد. اما تا ۱۸ ساعت پس از وقوع این فاجعه، در حالی که مردم زیر آوار مانده بودند، صدا و سیما جمهوری اسلامی از پوشش اخبار آن خودداری کرد.

براساس لرزه های ثبت شده، از ساعت ۱۶:۵۳ دقیقه تا ساعت ۲۱:۴۰ دقیقه شب ۲۲ مرداد ۲۳، زمین لرزه در اطراف اهر در استان آذربایجان شرقی رخ داده است که قویترین این لرزه ها به بزرگی ۶.۲ ریشتر و کمترین آن ۳ ریشتر بوده است. در این حادثه تا کنون بیش از ۳۰۰ نفر جان باخته و ۲۶۰۰ نفر زخمی گشته اند. تا کنون فرماندار شهرستان ورزقان از تخریب کامل ۱۲ روستای این شهرستان که حتی یک بیمارستان ندارد، خبر داده است. این درحالیست که در کمتر نقاط جهان زلزله ۶ ریشتری چنین تلفات سنگینی بر جای می گذارد.

عدم اقدامات پیشگیرانه، خبر رسانی فوری و امداد رسانی سریع از مهمترین دلایل خسارات جانی و مالی به قربانیان این حادثه است. در واقع، واکنش رژیم به این حادثه بسیار مشکوک و شرم آور است. برای نمونه علاوه بر عدم پوشش خبری

توسط صدا و سیما، روزنامه های حکومتی "کیهان" و "رسالت" از پوشش اخبار مربوط به زلزله خودداری کردند. روزنامه "کیهان" تیر اصلی خبرهای خود را به اخبار مربوط به سوریه اختصاص داد.

از یکسو روشن است که رژیم جمهوری اسلامی همواره از همبستگی مردم با یکدیگر هراس داشته است. از سوی دیگر، سکوت مشترک و سازماندهی شده، وضعیت

نابسامان و بحرانی رژیم را به نمایش می گذارد. تراوشات فکری امام جمعه قم، آیت الله سعیدی اگر چه مانند جوکی است که خنده دار نیست، اما می تواند انعکاس آنچه در پیچ چندین ساعته در اعلام این حادثه گذشت نیز باشد. وی خواستار تحقیق از سوی دانشمندان شده است تا ببینند "در این موقعیت حساس واقعا این حادثه آذربایجان، زمین لرزه بوده که سرمنشا آن فساد و بی حجابی است، یا از طرف استکبار و صهیونیسم یک نوع حمله نظامی یا یک زلزله سیاسی".

در حالی که جمهوری اسلامی مشغله فکری دیگری جز حفظ قدرت به هر قیمت ندارد، مردم به کمک رسانی، همکاری، یاری و دلگرمی هموطنان آذری شتافته اند. خانواده های قربانیان این حادثه به ناکارآمدی، بی توجهی و تاخیر در ارسال کمکهای اولیه و رفتار خشونت آمیز اعتراض کرده اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده های قربانیان زلزله تسلیت می گوید و از مردم ایران دعوت می کند تا حد توان به یاری هم میهنان زلزله زده خود بشتابند.



دستور کار زلزله آذربایجان: جنگ زرگری، تلکه گیری

منصور امان

فراسوی خبر..سه شنبه. ۲۴ مرداد

نزاع باندها و فراکسیونهای قدرت در زمین زلزله زدگان آذربایجان با شور و نشاط آغاز شده است. از این زاویه، زلزله روز یکشنبه که با خسارات جانی و مالی هنگفتی برای ده ها هزار نفر همراه شده، به شتاب به نمونه کلاسیک دیگری از جنگ زرگری برای مصالح "نظام" از یکسو و تلکه گیری بین جناحی از سوی دیگر تبدیل گردیده است. زمان کوتاهی پس از آشکار گردیدن ابعاد گسترده این فاجعه طبیعی، پایوران، آرگانها و دستگاه های حکومتی روی خط مُتهم کردن یکدیگر به کوتاهی و ریختن اشک تمساح برای زلزله زدگان کوک شدند. این یک مُدل شناخته شده نزد حاکمان جمهوری اسلامی برای به حاشیه بردن اصل موضوع در جنجال و گردو خاک نزاع لفظی بین خود و همچنین استفاده از فرصت پیش آمده برای تیغ زدن سیاسی یا اقتصادی طرف مُقابل است. پروسه گشایش و بایگانی شدن پرونده کُلیه رُسواییهای مالی، بی کفایتیهای اقتصادی، جنایتهای سیاسی، اقدامات علیه منافع ملی و جُز آن، در قالب همین سناریو به گردش افتاده است.

در این راستا، اینک نیز مجلس مُلاها به انتقاد از تلویزیون دولتی به دلیل چگونگی بازتاب خبر زلزله پرداخته، یک نماینده دُزیده شدن هشت هزار چادر امدادی را افشا کرده است، اُصولگرایان سفر آقای احمدی نژاد، گُماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری به عربستان در این ایام را زیر سووال برده اند، عده ای دیگر مایلند عمل نکردن دولت به وعده مُقاوم سازی روستاها را یادآور شوند و برخی دیگر از "ضعف مُدیریت بُحران" سُخن می گویند. نگاهی به تاریخچه و سرنوشت پرونده های دیگری که باندها و فراکسیونهای قدرت به سمت یکدیگر پرتاب کرده اند، نشان می دهد ارزش عملی این انتقادات و یقه گیریها برای موضوع اصلی چندان زیاد نیست، اما گرد و خاک ناشی از آن تا اندازه ای برای خاک پاشیدن به چشم جامعه و پوشش موضوع روی میز می تواند کفایت کند. آنچه که هم اکنون رهبران و پایوران حکومت عرق ریزان در حال پوشش سازی برای آن هستند، وضعیت فاجعه بار ده ها هزار نفر در مناطق زلزله زده و ناکارایی و ورشکستگی تمام عیار "نظام" در مُدیریت آثار و نتایجی است که این حادثه طبیعی برای آنها در پی داشته است.

تحولات انقلاب ضد دیکتاتوری مردم سوریه

بررسی دو دیدگاه در چپ جهانی، حمایت نظامی غرب به انقلاب سوریه آری یا نه؟

لیلا جدیدی

دخالت نظامی غرب در لیبی مباحث جنجال برانگیزی را در بین چپ جهانی به میان کشید. احتمال و تهدید چنین دخالتی در سوریه یک بار دیگر سبب اختلاف نظر و روی میز قرار گرفتن این مبحث شده است. با فرار ریاض حجاب، نخست وزیر سوریه و پیوستن وی به مخالفان بشار اسد فصل تازه ای در این میدان گشوده شده است. جنگ بین ارتش سوریه و "ارتش آزاد" سوریه همچنان ادامه دارد. رژیم اسد نیز از همان آغاز به صراحت روشن کرد که تا آخرین قطره خون مقاومت خواهد کرد. از همین رو، دیکتاتور سوریه به کشتار و جنایت همچنان ادامه می دهد. این شرایط مخالفان را برآن داشت که سلاح بدست گیرند تا بتوانند در برابر حملات مرگزای نیروهای نظامی بشار اسد به مقاومت ادامه دهند. با این حال عدم تعادل قوا مخالفان را نیازمند به پشتیبانی غرب کرده است. فعالان چپ در چنین شرایطی مباحثی را مطرح

می کنند تا راهنمای عمل برای فعالیتهای آتی باشد. پرسشهای گوناگونی پیش روی چپ جهانی در این رابطه قرار گرفته است. آیا نیروهای چپ باید از دخالت ناتو و غرب در پشتیبانیهای هوایی و غیره به مخالفان سوریه حمایت کنند؟ آیا فعالان ضد جنگ می توانند چنین دخالتی را همچون جنگ در افغانستان و عراق بشمار بیآورند؟ آیا مخالفت با همه اعمال امپریالیستها همیشه خوب است یا شامل استثنا نیز می شود؟ آیا عمو سام بدون گرفتن امتیازی به یک انقلاب یاری می رساند؟ چگونه تضادها را اصلی و فرعی کنیم؟

نوشته زیر گزیده ای است از برخی از نظرات و دیدگاههای مطرح که نمونه ای از بحثهای کلی در این زمینه است.

فام بین، یک فعال سرشناس سوسیالیست است که پیرامون مخالفت با اعدام، جنگ در افغانستان و عراق مقالاتی در نشریات گوناگون از جمله مانتی ریویو آنلاین از وی منتشر شده است. فام که نخست موضع مخالفت با دخالت نظامی غرب در لیبی داشت، بعد ها تغییر موضع داد و اعلام کرد که در شرایط موجود چپ باید از جنگ ناتو در لیبی حمایت می کرد. فام بین طی مقاله ای در ماه ژوئیه سال جاری در نشریه "نورت استار" با عنوان "زمانی که ضد امپریالیسمها راه را اشتباه می روند" از دخالت ناتو برای پیشرفت انقلاب لیبی علیه قذافی حمایت می کند و آنرا پر اهمیت و ضروری توصیف می کند. وی اکنون نیز بر این باور است که امروز نیز چپ باید همین موضع را برای پیشبرد انقلاب و پیروزی مردم علیه رژیم بشار اسد در سوریه داشته باشد. او معتقد است که به طور کلی "داشتن مکانیزم برخورد متغیر نسبت به عمو سام در خارج از مرزها مثبت است" و در این باره می نویسد: "مخالفت با مکانیزم عمو سام در حالت معمول کار درستی است. یک واکنش مترقی است که در دهه ۹۰ رو به کاهش داشت. بوش پدر و کلینتون نیروهای نظامی را به بهانه "کمکهای انسانی" به سومالی، هایتی و کشورهای بالکان می فرستادند و بدین منوال تا سال ۲۰۰۰ پیش رفتند. آن گاه، بوش پسر نیز با اهداف امپراطوری سازی به افغانستان و عراق حمله کرد. مخالفت با جنگ واکنشی مترقی بود.

اما هر چه معمولاً خوب است دلیل ندارد همیشه خوب باشد. واکنش مترقی به هر حرکتی که آمریکا خارج از مرزها می کند وقتی صحبت از بهار عربی می شود همه چیز هست جز "مترقی". زمانی که امپریالیسم آمریکا در خصومت با بهار عربی و مخالفت با قذافی و اسد در صندلی عقب نشسته بود، چپ در غرب گله ای از امپریالیسم نداشت، اما به محض آن که انقلابیون سوریه و لیبی از امپریالیست خواستند با حملات هوایی از مبارزه آنها حمایت کنند، دست به شکایت برداشتند. در این شرایط، علیه دخالت نظامی بودن، عملی ضد انقلابی است یا بهتر بگوییم شعار "انقلاب بله، دخالت نظامی نه" تبدیل می شود به شعاری تخیلی، انتزاعی و بی مصرف.

اگر بگوئیم لیبی شانس آورد که مخالفان دخالت نظامی در کشورهاشان آن قدر ضعیف بودند که نتوانستند تاثیری در تصمیم ناتو و غرب بگذارند، نادرست نگفته ایم. زیرا در غیر این صورت لیبی امروز به سرنوشت سوریه دچار شده بود.

فام بین می گوید، انقلابیون عرب می توانند به هر حال از دخالت نظامی امپریالیستی برای پیشبرد مبارزه خود سود جویند و متذکر می شود که اپوزیسیون لیبی دخالت خارجی را به نفع خود خاتمه داده است. وی برای اثبات نظر خود اشاره می کند که ناتو در خاتمه پایگاه نظامی در لیبی ایجاد نکرد و نمونه دیگر آن که دولت لیبی با اراده مستقل خود از استرداد پسر قذافی به دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت خود داری کرد. فام از آن هم فرا تر می رود و می گوید؛ ما در واقع باید از کسب آزادی سیاسی تازه در لیبی و این که جبهه متحد ناتو با حملات هوایی به مبارزه مسلحانه مبارزان لیبی در زمین یاری رساند، ابراز خشنودی کنیم.

پال دوماتو، سردبیر نشریه سوسیالیست بین الملل و نویسنده کتاب "معنای مارکسیسم" نظرات فام را به چالش گرفته و آن را نقد می کند. وی می گوید: فام در ادعای خود همه چپهای ضد امپریالیسم را به یک چشم نگریسته، از جمله گروههای ضد امپریالیست استالینیستی که از قذافی حمایت کردند و امروز نیز از رژیم وحشی اسد در سوریه

حمایت می کنند. اما ضد امپریالیستهای اصولی زیادی هستند که می توانند "راه بروند و در عین حال آدامس هم بچوند"، هم از انقلابها ی لیبی و سوریه علیه رژیمهای دیکتاتوری حمایت و هم با دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدین آن مخالفت کنند. هنوز برخی از ما عقلمان را از دست نداده ایم و امپریالیست را بزرگترین دشمن انقلابهای بهار عربی و حاکمیت ملی در خاورمیانه می شناسیم.

پال نظر فام در دفاع از بمباران ناتو در لیبی که مدعی شده است "ناتو افراد غیر نظامی را هدف قرار نداده" این گونه نقد می کند: البته ناتو هم همین ادعا را دارد، آندره فوق راسموسن، دبیر کل ناتو هم می گوید "ما عملیات را بسیار دقیق انجام می دادیم به طوری که تلفات ثبت شده ای وجود ندارد". این درحالیست که طارق علی (فعال سیاسی و نویسنده) از قول یک مقام رسمی انگلیسی گزارش از ۲۰ هزار نفر که در بمباران ناتو در لیبی کشته شده اند، می دهد. طبق تحقیقاتی از جانب دیدگاه حقوق بشر تنها در ۸ سایت، ۷۲ نفر کشته شده اند که نیمی از آنان زیر سن ۱۸ سال بوده اند. پال دوماتو می گوید: به طور تاریخی بمباران هوایی ابزاری برای جنگ بین قدرتهای بزرگ با یکدیگر یا علیه کشور های ضعیف تر و یا علیه جنبشهای انقلابی مانند ساموسا در نیکاراگوئه یا اسد در سوریه است و نه از سوی یک جنبش انقلابی که برای تغییرات اجتماعی بنیادی مبارزه می کند.

پال در جای دیگری می گوید: بحث در مورد این که امپریالیست چقدر نفوذ بر حاصل یک انقلاب داشته باشد تا این که از امپریالیست خواسته شود که دست به دخالت نظامی بزند امری جداگانه است. وی با یاد آوری نقل قولی از فام بین، در زمانی که مخالف دخالت نظامی غرب بود و گفته بود "عمو سام هیچ وقت بدون آن که چیزی بگیرد به کسی چیزی نمی دهد"، سوال می کند؛ چطور است که امروز با تغییر موضع خود می گوید: "ما باید هر چه در توان داریم بکار بریم" برای تشویق "دولتمردان کشور خودمان" تا در "انقلابات دیگران" دخالت کنند؟

وی در ادامه می گوید؛ جالب است که یک نفر ادعای مارکسیست بودن داشته باشد، آن وقت از امپریالیسم که مسئول بسیاری از نابسامانیها در خاورمیانه است، ذخایر نفتی آنان را غارت می کند، مرزهای آنان را بهم ریخته و طرح ریزی می کند و از دیکتاتورهای خشن، کسانی که مردم عرب علیه آنان شوریده اند، حمایت می کند و آنان را متحدان و یاری دهندگان مردم عرب بداند.

فام بین اما با یک پرسش موضع خود را روشن می سازد. وی چپ را سرزنش می کند و معترض است که چگونه وقتی اف ۱۶ ها در آسمان لیبی پرواز کردند غرب بد شد و گفته شد و ادعا شد انقلاب توسط ناتو دزدیده شد، به جای این که به شواهد نگاه کنیم و این که ناتو به طور موفقیت آمیزی کنترل را بدست گرفته؟ این در حالی بود که چپ در غرب به بیراهه کشاندن افکار پرداخت، شعارهایی همچون "زمستان لیبی"، "جنگ داخلی"، و "نه به قذافی و نه به انقلاب" سر داد. حالا دیگر انقلاب لیبی را تضادهای بین المللی، ارتش، قومی، و غیره خطاب می کردند. این گونه بود که راه برای ادعاهای اسد نیز باز شد.

وی در انتقاد به پیروان این نظریه می گوید: این عده مانند صفحه خط دار به طور مدام حرفهای خود را تکرار می کنند بدون آن که به شرایط مشخص هر واقعه ای توجه داشته باشند. فام این بخش از چپ را به سگ پاولو تشبیه می کند که هر وقت زنگ زده می شود فکر می کنند غذا آماده است. "آنها لیبی را با افغانستان و عراق یکی فرض کردند". اما خلاف ادعاهای "ضد دخالت نظامیها" لیبی در دست انقلابیون باقی ماند.

سوسیالیست بریتانیایی ریچارد سیمور، نویسنده کتاب "شورشیان آمریکائی: تاریخ مختصری از ضد امپریالیسم آمریکائی"، طی مقاله ای به طور مشروح به مبحث بالا پرداخته است.

یک توضیح پیش از طرح نظریه وی ضروری است. تنها دو ماه پیش ریچارد سیمور در یک گردهمایی در واشنگتن برای معرفی کتاب خود به سازمان عفو بین الملل به خاطر حمایت از ناتو در افغانستان شدیداً انتقاد کرد. (سازمان عفو بین الملل در یکی از بنرهای تبلیغاتی خود از ناتو به خاطر نجات زنان افغان حمایت کرده بود).

ریچارد سیمور در مقاله ای با عنوان "سوریه و ضد امپریالیسم"، می گوید: من کسانی که مبارزات در سوریه را پیچیده توصیف می کنند درک می کنم. زیرا آنجا تنها یک جریان مشخص وجود ندارد. بلکه مجموعه ای از موضوعات در آن دخیل هستند. دقیقاً، "مبارزه ای است توده ای، متنوع، ناهمگون، رنگین کمان و به ظاهر پراکنده". این فرایندی است که نه تنها یک مبارزه مترقی علیه دیکتاتوری (به زبان طبقاتی، مبارزه کارگران علیه سرمایه داری دولتی و طبقه حاکمه) است، بلکه "تعصبات، توهامات ارتجاعی، ضعفها و اشتباهات کارگران و همه عناصر ستمدیده و ناراضی" که مشتاق انقلاب هستند نیز بخشی از آن هستند. در عین حال، این مبارزه ای است که علاوه بر بُعد ملی، ابعاد دیگری همچون تضادهای منطقه ای و جهانی نیز دارد. تضاد های داخلی مانند انشعاب در میان طبقه حاکمه پیرامون اصلاحات نئو لیبرالی، اختلاف بین سنیهای ثروتمند و فقیر، شکسته شدن همبستگیهای اجتماعی و غیره همراه با دینامیسمهای منطقه ای، مانند مبارزات کردها یا وهابیهای علیه شیعه که در واقع درگیریهای امپریالیستی برای آن تعیین تکلیف می کنند، مانند دشمنیهای آمریکا و روسیه و یا رقابت های منطقه ای، همین طور اعمال ضد انقلابی عربستان سعودی و مسائل مربوط به شورای همکاری خلیج و طرح رهبریت منطقه ای ترکیه زیر پوشش نو اوتومانیزم، در آن دخیل هستند.

این البته یک موقعیت انقلابی است که مانند همه انقلابها دارای یک بعد نیست. همه آنچه که در رابطه با آن قرار می گیرد، لزوماً مترقی نیستند. جنبه جنایتکارانه، درهم شکستگی اجتماعی و تمایل به بی عملی و یا ابهامات ارتجاعی از جانب برخی وجود دارد. به همین دلیل است که داشتن استراتژی و نمایندگی سیاسی بسیار اهمیت پیدا می کند. جدائیها و اختلافات نظری موجود در بین ما به عنوان چپ غربی نیز از همین موضوع سرچشمه می گیرد. روشن است که این اختلافات در مبارزات مردم سوریه نیز تا حدی انعکاس پیدا می کند. در عین حال، آنها به سازمانهای فلسطینی نیز نظر می افکنند. بیش از نیم میلیون فلسطینی آواره در سوریه و تحت ستم اسد زندگی می کنند و به همین دلیل است که حماس نیز موضع ضد اسد می گیرد و برخی از فلسطینیها به انقلابیون سوریه می پیوندند.

وی می گوید: اکنون بحران جهانی تنها بحران سرمایه داری و یا طبقات حاکمه و یا رژیمهای عهد عتیق نیست. بلکه همچنین بحران طبقه کارگر، چپ، جنبشهای مسلحانه، و احزاب پا بر جای و سازمانیافته نیز هست. این همانی است که ماتریالیسم تاریخی به ما توضیح داده است. اکنون مهم این است که ما چگونه با این موقعیت تازه برخورد می کنیم.

وی مشکل اصلی چپ را کوتاهی در بررسی تضاد مشخص در شرایط مشخص توصیف می کند و می افزاید؛ از همه مهمتر چپ تلاش نمی کند که تضادها را دسته بندی کرده و به اصلی ترین آنان بپردازد. در اصلی و فرعی کردن تضادها، به چند نکته باید توجه داشت:

نخست آن که باید بحث جنبش ضد جنگ را با انقلاب سوریه و حمایت کنندگان آن از یکدیگر جدا کرد. هر کس حتی کمی توجه کند می بیند چپهای ضد جنگ اکنون از انقلاب سوریه حمایت می کنند.

دوم این که این درست است که امپریالیسم نقش مرکزی در خاورمیانه دارد، اما در شرایط موجود نباید در این مورد زیاده روی کرد. اگر چه درست است که آمریکا مقداری منافع در لیبی بدست آورد. ولی باید بدان از این زاویه نگریست که آن را در جریان یک پروسه انقلابی در لیبی بدست آورد. امپریالیسم با دخالت نظامی برای انقلاب لیبی از خود مایه گذاشت. این هم بدین دلیل بود که آمریکا دو هدف دارد. اول این که از رادیکال شدن انقلابها در خاورمیانه جلوگیری کند و دوم این که از میدان تحریر یاد گرفت بهتر است تا دیر نشده در سمت تحولات قرار گیرد، از رفورمهای تدریجی حمایت کرده و برای افراد مورد اعتماد خود در مدیریت جا باز کند.

سیمور می گوید، اگر بگوئیم تضاد اصلی با امپریالیسم است، مبارزات مردم علیه حکومت به حاشیه رانده می شود. اگر چه تضاد با امپریالیسم و تضاد بین امپریالیستها وجود دارد اما دیکتاتوریهائی نیز وجود دارند که برای حفظ قدرت از اشکال و ابزار نا عادلانه علیه جامعه استفاده می کنند. از این روست که زنجیره ای از مبارزات رهائی بخش از غزه تا آتن شکل گرفته است.

برخی می گویند ما باید از انقلاب دفاع کنیم اما با دخالت نظامی امپریالیستها نه، و چپ باید با انقلابیون سوریه که از امپریالیستها سلاح دریافت می کند مخالفت کند. به این عده باید گفت که تاریخ انقلاباتی که سلاح از امپریالیستها گرفتند طولانی است. اگر می خواهی بجنگی مسلم است که باید سلاح ات را از جایی بگیری. با این حال این انقلاب تا کنون سلاحی از امپریالیست نگرفته، همین مقدار کم را هم از بازار سیاه بدست آورده است.

جمع بندی:

فام بین می گوید: در مورد هر دو کشور، لیبی و سوریه، چپ در غرب اشتباه می کند که پرنسیپهای ضد امپریالیستی خود را به وظایف انترناسونالیسم خود ارجحیت می دهد. کمک رسانی به انقلابها و تحولات انقلابی با همه اشکال آن باید برجسته باشد. ما که همه اشکال مبارزه را قبول داریم یا باید این را بپذیریم و یا این جمله را از ادبیاتمان خارج کنیم.

پال دوماتو اما بر این باور است: حتی اگر آمریکا به انقلاب کمک کنند، ما چپها در مواضعمان نباید تغییری ایجاد شود. به گفته جان رید که فام نیز بدان اشاره کرد "عمو سام هرگز بدون بدست آوردن چیزی به کسی چیزی نمی دهد. او با کیسه ای پر از گاه در یک دست و در دست دیگر شلاق بما نزدیک می شود".

دخالت نظامی آمریکا در لیبی و سوریه به هر شکل و صورت با هدف مدیون کردن دولت جدید به ناتو و امپریالیستهاست. این پیروزی برای برپائی حکومتی خواهد بود که در صحنه داخلی و خارجی با منافع آمریکا، اسرائیل و قدرتهای اصلی اروپائی در امور اقتصادی، سیاسی و نظامی همخوانی داشته باشد. در نتیجه عناصر انقلابی و مردمی در برابر استثمار شدگان، مستمدان، و ستمدیدگان زیر سوال خواهند رفت.

ریچارد سیمور گوشزد می کند: در حال حاضر نزاع اصلی در سوریه بین رژیم سرمایه داری دولتی و توده های مردم که زحمتکشان جامعه هستند، است. این همانی است که باید با درک آن مواضع و فعالیت خودمان را تنظیم کنیم.

اقرار مشاور خامنه ای به دخالت در عراق و سوریه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۸ مرداد

علی اکبر ولایتی مشاور خامنه ای، آدینه ۶ مرداد، در سخن پراکنی خود بر حمایت از بشار اسد تاکید کرد. وی در رابطه با قیام مردمی سوریه علیه دیکتاتور بشار اسد گفت: «هدف سوریه نیست، هدف جمهوری اسلامی است و بعد از سوریه سراغ عراق می روند.» وی قیام مردم سوریه را عملی از طرف آمریکا و اروپا برای شکستن «حامیان جمهوری اسلامی» اعلام کرد.

ولایتی در دی ماه سال گذشته تظاهرات مردمی ضد بشار اسد در سوریه را «توطئه ای بین المللی» دانست و گفت: «سوریه خط قرمز ماست و ما به کسی از طرفهای منطقه ای و بین المللی اجازه نمی دهیم که با هدف براندازی نظام آن، در آن دخالت کنند.»

حرفهای مشاور ولی فقیه تأکیدی بر دخالت‌های رژیم در عراق و سوریه است. دخالت‌های رژیم در عراق همراه با سیاست‌های مداخله‌گرانه آمریکا، تا کنون مانع شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک در عراق شده است. کیهان شزيعتمداری روز شنبه ۸ مرداد اخبار مقاومت مردم در برابر بشار اسد را به نفع ولایت فقیه منعکس کرده است. گزارش نویسنده روزی نامه کیهان از قول منبعی ناشناس، از پیروزی نیروهای اسد علیه مردم در شهر حلب خبر می‌دهد و مدعی می‌شود که «پس از سرکوب تروریست‌های این شهر، سوریه از بحران کنونی خارج خواهد شد.» وی که قیام‌های مردمی را پروژه‌ای توطئه‌گرانه از طرف کشورهای دیگر دانسته، این خیزش‌ها را شکست خورده اعلام کرد. علیرغم همه کمک‌های مادی، تسلیحاتی و حضور پاسداران و نیروی قدس، مردم سوریه با پرداخت هزینه‌های کلان به مبارزه‌شان ادامه می‌دهند. در شرایط کنونی در حالی که رژیم بشار اسد در وضعیت بسیار ناپایدار و در سراشیب سقوط است، طبیعی است که سرمایه‌گذارهای رژیم ولایت فقیه بر باد خواهد رفت.

زائر یا پاسدار، رسوایی دیگر جمهوری اسلامی در سوریه لیلا جدیدی



فراسوی خبر دوشنبه ۱۶ مرداد

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، یک گروه مسلح در سوریه مسوولیت دستگیری ۴۸ نفر ایرانی را که به گفته این گروه، اعضای ارشد سپاه پاسداران هستند، به عهده گرفته است. جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که این عده زائر هستند، اما گروه سوریه‌ای آنان را "اراذل و اوباش لباس شخصی" و "جاسوس" توصیف کرده است. این

گروه هشدار داده: "ایرانیانی که از دولت اسد حمایت می‌کنند، همین سرنوشت را خواهند داشت: مرگ یا اسارت." جمهوری اسلامی در حالی این گروه ۴۸ نفره را زائر توصیف می‌کند که تنها چند روز پیش (۱۰ مرداد)، امیر عبادی، مدیر حج و زیارت استان قزوین از توقف اعزام زائران به سوریه به علت "ناآرامی‌های موجود" سخن گفته و تأکید کرده بود: "۶ ماه است اعزام زائرین به سوریه متوقف شده است."

یک روز پیش تر از این سخنان، حجت‌الاسلام شهبواری، رییس "ستاد عتبات عالیات سازمان حج و زیارت" نیز اعلام داشته بود که شرایط برای اعزام زائران به سوریه مناسب نیست و این تصمیم را "تابعی از سیاست‌گذاری کلی نظام" عنوان کرده بود. جالب تر آن که وی در رابطه با دستگیری ۴۸ نفر نیز گفته است: "با توجه به شرایط سوریه، ایران زائری در این کشور ندارد."

در همین رابطه، "العربیة" اقدام به پخش یک ویدیو از دستگیر شدگانی که رژیم آنان را زائر معرفی می‌کند، کرده است. در تصاویر پخش شده، افراد مزبور در میان نیروهای "ارتش آزاد سوریه" دیده می‌شوند و یکی از اعضای "ارتش آزاد"، کارت شناسایی یک عضو سپاه پاسداران را در برابر دوربین می‌گیرد.

جمهوری اسلامی در حالی که همواره پیرامون حمایت‌های نظامی، لجستیکی، مالی و نیرویی به حکومت جنایتکار سوریه افشا شده، از خواست عدم دخالت در امور سوریه دم می‌زند. به طور قطع هنگامی که صالحی، وزیر امور خارجه رژیم از کوفی عنان، نماینده ویژه سازمان ملل خواسته بود از دخالت خارجی در سوریه جلوگیری کند، زیرا "شرایط را قطعاً بحرانی تر و بغرنج تر می‌کند"، دخالت‌های "برادرانه" جمهوری اسلامی را مداخله خارجی به حساب نیاورده بود. وی این بار نیز

تلاش می کند با فریب و نیرنگ و با دست به دامن قطر و ترکیه شدن، رسوایی تازه جمهوری اسلامی در سوریه را رفع و رجوع کند.

دیپلماسی منطقه ای رژیم به گل نشسته است

جعفر پویه

فراسوی خبر پنجشنبه ۱۹ مرداد

به نظر می رسد اوضاع درونی رژیم جمهوری اسلامی آنچنان درهم و برهم و آشفته است که هیچ کس نمی داند برای مدیریت بحران منطقه ای جاری باید چگونه عمل کند.

درحالی که علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه و سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم با سفر به کشورهای منطقه تلاش می کنند تا برای آزادی کسانی که در سوریه به گروگان گرفته شده اند میانجی جستجو کنند، در تهران پایوران دیگر رژیم با حمله به ترکیه، قطر و عربستان سعودی بی تابی خود از انزوای منطقه ای رژیم را به نمایش می گذارند.

قبل از سفر علی اکبر صالحی برای دیدار با همتایان ترک خود به ترکیه، سرلشکر بسیجی حسن فیروز آبادی، رییس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم گفت: "آل سعود، قطر و ترکیه مسوول خونهایی هستند که در خاک سوریه ریخته می شود." از سوی دیگر، سعید جلیلی با عصبانیت آمریکا را مسوول جان گروگانها اعلام می کند و می گوید: "همه طرفهایی که حامی گروه های ننگین تروریست در سوریه هستند، شریک مستقیم در اینگونه اقدامات تروریستی محسوب می شوند." بدیهی ست که در این جمع بستن، ترکیه نیز منظور شده است. همچنین، علی لاریجانی در گفتگو با خبرگزاری حکومتی "فارس"، آمریکا و برخی کشورهای منطقه ای را مسوول جان "زائران ایرانی ربوده شده در سوریه" دانست و تهدید کرد: "به موقع جواب این جنایات را دریافت خواهند کرد."

به این دلیل است که وزارت امور خارجه ترکیه با انتشار بیانیه ای تند، اظهارات پایوران رژیم را محکوم کرده و می نویسد: "ما اتهامات بی اساس و تهدیدهای بی نهایت خصمانه ای مقامات ایرانی از قبیل حسن فیروزآبادی علیه کشورمان را به شدت محکوم می کنیم."

و ادامه می دهد: "ادامه سخنان مسوولان مختلف ایرانی علیه کشور ما غیرقابل قبول است." پر واضح است که منظور از "مسوولان مختلف ایرانی" حرفهای لاریجانی، جلیلی و... کسانی است که در این موقعیت فکر می کنند با تهدید می توانند کاری از پیش ببرند.

درحالی که قبل از سفر صالحی به ترکیه، رژیم هرگونه وابستگی نظامی افراد گروگان گرفته شده را رد کرده و حتا مهدی شهسواری، یکی از مقامات سازمان حج و زیارت گفت: "با توجه به شرایط خاص سوریه در حال حاضر، این سازمان گروه های زائر به آن کشور اعزام نمی کند و ربوده شدگان زائرانی هستند که به صورت شخصی به سوریه سفر کرده بودند"، اما صالحی در ترکیه مجبور به اقرار شده و گفت: "بعضی از این افراد، از بازنشستگان سپاه و ارتش هستند که در چارچوب اعزام بازنشستگان ادارات مختلف جمهوری اسلامی، برای زیارت به سوریه اعزام شده بودند."

همچنین صالحی تلاش کرد از مقامات ترک دلجویی کرده و در این راستا با کوچک شمردن اعتراضات آنان علیه رژیم و پس گرفتن مواضع همایشان خود گفت: "برادران ترک ما دخالتی در جنگ نداشته اند، ما اشتراکات زیادی با دولت ترکیه داریم و خواسته هر دوی ما بحث آزادی احزاب و انتخابات و رفع فساد حکومتی است."

این مواضع متناقض ثابت می کند که دستگاه دیپلماسی رژیم به کلی بهم ریخته است و تلاش پایوران آن برای لاپوشانی ماهیت افرادشان در سوریه نه تنها ناکام مانده، بلکه مجبور به اعتراف به هویت آنان شده و با دلجویی از کشورهای همسایه سعی کنند شاید اندکی از انزوای رو به تزاید خود بکاهند. این ناکامی موقعی بیشتر به چشم می آید که ولید جنبلاط،

رهبان حزب سوسیالیست لبنان در واکنش به گفته های جلیلی در سفر به لبنان و سوریه گفت: "آقای جلیلی بهتر است به جای پخش انبار تسلیحات ایران در نقاط مختلف، به مسایل داخلی کشور خود مانند قیام مرعی و فشار بر مردم فقیر بپردازد."

همچنین سعد حریری، نخست وزیر سابق لبنان در مخالفت با سفر جلیلی به لبنان گفت: "در زمانی که مردم سوریه با شنیع ترین کشتار و ویرانی به دست رژیم بشار اسد و حامیان خارجی او دست به گریبان هستند، نمی توان به این مقام ایرانی خوشامد گفت."

به نظر می رسد سیاستهای منطقه ای رژیم به کلی با شکست مواجه شده و حمایت از رژیم سوریه، ارسال اسلحه و اعزام نیروهای اطلاعاتی برای آن نه تنها کمکی به خارج شدن از این انزوا نکرده، بلکه کار را بر رژیم بیش از گذشته سخت کرده است.

گره زدن سرنوشت رژیم به سرنوشت رژیم سوریه باعث شده تا یک جبهه بندی کلی در منطقه علیه آن شکل بگیرد؛ جبهه بندی ای که بعضی از پایوران رژیم فکر می کنند با تهدید می توانند در آن خللی ایجاد کنند و بعضی هم با التماس و در آمدن از در مسالمت سعی به مدیریت بحران دارند. زشت و زیبایی که این روزها رژیم در منطقه بازی می کند، نخواهد توانست دردی از انزوای او را درمان کند.

سرنوشت راه حل مرضی الطرفین شکست است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۲۰ مرداد

فرستادگان ولایت فقیه به دربار بشار اسد جهت تاکید بر حمایت بی دریغ از وی، ننگ، نفرت و شراکت در قتل عام مردم سوریه را به پای نظامشان ثبت کردند.

از تکاپوی جمهوری اسلامی جهت پیدا کردن راه حلی برای نجات بشار اسد، می توان فهمید که تداوم مقاومت مردم سوریه علیه دیکتاتوری، سرنوشت بشار اسد را به گونه ای رقم خواهد زد که مورد دلخواه حامیان وی نخواهد بود. در حالی که رسانه های دولتی سوریه به شمول رسانه های دولتی رژیم ایران، از سرکوبی به اصطلاح تروریستهای سوریه و نابودی آنها صحبت می کنند، پایوران رژیم در تهران برای پیدا کرده راه حل «مرضی الطرفین» نشست می گذارند. دیدار علنی جلیلی با اسد در سوریه و با نوری المالکی در عراق، برگزاری نشست مشورتی روز پنجشنبه ۱۹ مرداد در تهران و تدارک برای برگزاری نشست کشورهای جنبش غیر متعهد در تهران در هفته دوم شهریور ماه، ارسال بیشتر نیروهای سپاه پاسداران به سوریه و ادعای این که اعضای سازمان مجاهدین خلق به سوریه وارد شده و در کنار مخالفان سوری قرار دارند، همه بیانگر وضعیت بحرانی رژیم در منطقه است. کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها به تهران دعوت می شوند. در حالی که بعد از پایان جنگ سرد، موجودیت این بلوک سیاسی معنایی ندارد. در حالی که تاریخ مصرف جنبش غیر متعهدها تمام شده و این بلوک سیاسی جایگاهی در بازیهای سیاسی جهان کنونی ندارد، رژیم ولایت فقیه تلاش می کند با هزینه کردن به این نهاد بی جان، منطقه را به سود خود قطبی کند. دبیر شورای امنیت خامنه ای در بغداد در ملاقات با نوری المالکی از پدید آمدن «فرصتهای نوین» صحبت کرد. وی در سخن پراکنی اش گفت: «بیداری اسلامی در منطقه فرصت نوینی پدید آورده است که کشورهای منطقه با هم افزایشی قدرت، نقش جدیدی در عرصه منطقه ای و بین المللی ایفا کنند.»

کنفرانس روز پنجشنبه ۱۹ مرداد در تهران، برای پیدا کردن راه حل برون رفت از بحران سوریه در همین راستا و با همین هدف انجام شده است.

معاون وزیر خارجه رژیم در این کنفرانس بهترین گزینه برای بازگشت آرامش به سوریه را «دستیابی به یک راه حل مرضی الطرفین» اعلام کرد.

دعوت رژیم از جانب اپوزیسیون سوریه بی پاسخ ماند. حمایت رژیم از خشونت‌های دیکتاتوری اسد، حضور پاسداران در کنار نیروهای نظامی سوریه علیه مردم، شکست تکاپوی رژیم برای پیدا کردن راه حل مرضی الطرفین را در چشم انداز قرار می‌دهد.

روز بشار اسد، نتانياهو و "قدس"

منصور امان

فراسوی خبر... ۲۸ مرداد

سیرک حکومتی "روز قدس" در سال جاری صحنه نمایشی بود که کمتر از هر زمان دیگر می‌توانست بی‌ربطی خود به مساله فلسطین را پنهان سازد. فرآیند توقف ناپذیر تحولات در منطقه، تنها منطق و هدفی که در پس این نمایش سالانه وجود دارد را به گونه‌ی عریان و بدون آرایش در برابر دید همگان قرار داده است.

حاکمان ایران در حالی به افتخار خود جشن "روز قدس" می‌گیرند که آشکارا به صف بندی علیه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مردم عرب پرداخته‌اند. در این میان، طشت رسوایی این سیاست چندان پُر سرو صدا از بام به زمین افتاده که حتی گروه شبه نظامی "حماس" را نیز ناچار به فاصله گرفتن از پشتیبانان دست و دلبازش کرده است.

حتی اگر خرابکاری و مخالفت شرم آور حاکمان ایران با به رسمیت شناسی کشور مستقل فلسطین از سوی سازمان ملل نیز کافی نمی‌بود، مشارکت همه جانبه آنها در جنگ رژیم خونریز سوریه علیه مردم خود، به گویاترین بیان، اهداف واقعی سیاست مداخله‌گرانه جمهوری اسلامی در کانونهای منطقه‌ای بحران را توضیح داده است.

در همین حال، به توپ و خمپاره بستن اردوگاه آوارگان فلسطینی در دمشق نیز رویه خارجی سیاستی را نمایان گردانده که آقای اسد در داخل پیش می‌برد و آیت الله خامنه‌ای و شرکا، خود را در پهنه منطقه و جهان به مثابه یکی مهمترین پشتیبانان آن انگشت نما و منزوی کرده‌اند.

به این ترتیب، مخارج گزافی که "نظام" صرف راه اندازی کارناوال "روز قدس" کرده، از یک سو هزینه‌ی گرم کردن بساط یک مشاجره لفظی سرگرم کننده با ادبیات جنگی چرب و روان بین آقایان نتانياهو و خامنه‌ای و از سوی دیگر، صرف روحیه دادن به حاکم نگون بخت سوریه می‌شود.

گزارشی از پشت پرده دستگیری ۴۸ مزدوران سپاه قدس در دمشق

منبع: سایت همبستگی ملی - سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۱ (۷ اوت ۲۰۱۲)

به دنبال انفجار ساختمان امنیت ملی سوریه در ۲۸ تیرماه ۱۳۹۱ و کشته شدن سران نظامی و امنیتی بشار اسد، شورای عالی امنیت رژیم آخوندی تشکیل جلسه داد. ارزیابی این جلسه این انفجار را ضربه‌ای تأثیرگذار ارزیابی کرد و به ستاد بحران سوریه در نیروی قدس سپاه پاسداران دستور داد که اقدامات لازم در این شرایط را برای حمایت از بشار اسد، انجام دهد.

ستاد بحران سوریه در نیروی قدس به ریاست سرلشگر پاسدار قاسم سلیمانی و با حضور سرتیپ پاسدار حاج حیدری فرمانده نیروهای قدس سپاه در دمشق تصمیم گرفته که نیروهای اعزامی سپاه قدس به دمشق گسترش دهد و سرعت ببخشد تا در این شرایط فرماندهان بالای بیشتری از نیروی قدس در صحنه باشند.

به دنبال این تصمیم بود که تعدادی از فرماندهان و نیروهای سپاه قدس با پرواز شرکت هواپیمایی سپاه ماهان در ۱۴ مرداد وارد دمشق شدند. این فرماندهان و نیروهای سپاه قدس با ۳ اتوبوس از فرورگه حرکت کردند. رانند اتوبوس سوم (که به گزارشات درونی رژیم آخوندی از نفرات نفوذی مخالفان اسد بود) اتوبوس را به مسیر فرعی می اندازد و آن را به نقطه ای که ارتش آزادی سوریه منتظر آن بود می برند و پاسداران نیروی قدس در این اتوبوس توسط ارتش آزادی سوریه دستگیری می شوند.

رژیم آخوندی مدعی است که فرماندهان بالای نیروی قدس در دو اتوبوس دیگر بودند و در این اتوبوس از فرماندهان بالای نیروی قدس کسی نبوده است.

پوش اعزام مزدوران نیروی قدس به دمشق

در زیر مجموعه سازمان تعاون سپاه پاسداران (که ظاهراً کار اقتصادی برای سپاه می کند) موسسه ای بنام "موسسه فرهنگی خدماتی ثامن الائمه" تشکیل شده است که ظاهراً کار آن تورهایی مسافرتی است که این موسسه در اصفهان، تهران، دمشق و ... دفتر دارد.

سپاه قدس نیروهایش در پوش زائر توسط این موسسه به دمشق اعزام می کند. مدیر مسئول این موسسه سرتیپ پاسدار حسن آشتیانی است که کار اصلی آن مدتی است اعزام نیروی سپاه قدس به دمشق است. اکیپی که در ۱۴ مرداد وارد فرودگاه دمشق شد، (که یک اتوبوس آن بدست ارتش آزادی سوریه افتاد) توسط این موسسه فرستاده شده بود.

در حال حاضر به خاطر حساسیت شرایط سوریه برای رژیم آخوندی، علیرغم ضربه دستگیری ۴۸ مزدورانش اعزام نیروی قدس به دمشق همچنان ادامه دارد و سربیب دوم پاسدار ملکی اعزام این مزدوران از پروازهای شرکت ماهان ادامه می دهد که امروز (سه شنبه ۱۷ مرداد) قرار بود که ماهان یک پرواز به دمشق داشته باشد ولی این پرواز امروز انجام نشد و قرار است فردا چهارشنبه ۱۸ مرداد ۹۱ یک پرواز از نیروهای قدس و سپاه را به دمشق منتقل کند.

صالحی: تعدادی از زائران ربوده شده در سوریه از بازنشستگان سپاه و ارتش هستند

منبع: ایسنا، ۱۸ مرداد ۱۳۹۱

علی اکبر صالحی که پس از دیدارش با احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه و در مسیر بازگشت به تهران با خبرنگاران سخن می گفت، اعلام کرد: از زمانی که دمشق آرام شد مجدداً آغاز به اعزام زائران کردیم و بازنشستگان ادارات مختلف از سپاه و وزارتخانه های دیگر به نوبت در لیست زائران قرار گرفتند و عشق و شور ایرانیها به اهل بیت (ع) آن قدر زیاد است که ما نمی توانیم مانع اقبال مردم به زیارت عتبات شویم. به هر حال تعدادی از این عزیزان از بازنشستگان سپاه و ارتش بوده اند، البته افرادی نیز از ادارات مختلف دیگر بوده اند و حتی قرار بود در مرحله بعد بازنشستگان ادارات دیگر نیز اعزام شوند که آرام آرام راه برای زیارت سایر مردم و شهروندان نیز باز شود.

افزایش اعزام پاسداران نیروی قدس از تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز و از طریق نجف و بیروت به سوریه برای نجات دیکتاتور سوریه

منبع: دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۷ مرداد ۱۳۹۱ (۷ اوت ۲۰۱۲)

دستگیری ۴۸ تن از تروریستهای رژیم در سوریه، سران رژیم را به شدت سراسیمه کرده است. بنا بر گزارشهای دریافتی از درون رژیم، در یک جلسه شورای امنیت رژیم در حضور خامنه ای، وی بر ضرورت ادامه حمایت از دیکتاتور سوریه تأکید کرده و گفته است: «الان وارد مرحله یی شده ایم که دیگر عقب نشینی معنا ندارد و با تمام قوا باید از فشار حمایت مالی،

تسلیماتی و نیرویی کنیم تا او را نگه داریم. چون سرنوشت همه ما به سوره گره خورده و با آن تعیین تکلیف خواهد شد. سرنوشت حزب الله و حماس و همه ... خط مقدم ما الان سوره است و ما جز اختصاص همه توانمان به این جنگ راه دیگری نداریم». بر همین اساس، به فرمان خامنه ای، در تلاشی مذبحخانه برای جلوگیری از سقوط محتوم دیکتاتور سوره، در هفته های اخیر شمار پاسدارانی که در کشتار مردم سوره شرکت دارند به نحو بیسابقه یی افزایش یافته است.

۴۸ پاسداری که در روز ۱۴ مرداد (۴ اوت) توسط ارتش آزاد سوره دستگیر شدند، جزیی از یک گروه ۱۵۰ نفره از پاسداران هستند که به تازگی با شرکت هواپیمایی ماهان وابسته به سپاه پاسداران از تهران وارد دمشق شده بودند. آنها با سه اتوبوس از فرودگاه به محلهای استقرار خود منتقل می شدند. نقل و انتقالات پاسداران به سوره و لبنان، از جمله در جنگ لبنان در تابستان ۲۰۰۶، توسط شرکت هواپیمایی ماهان صورت می گیرد. علاوه بر تهران مراکز سپاه در بسیاری از شهرها به خصوص در اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز در اعزام پاسدار به سوره مشارکت فعال دارند.

سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس بسیاری مواقع در نقل و انتقال پاسداران به سوره از یک مؤسسه پوششی به نام «مؤسسه فرهنگی خدماتی ثامن الائمه» استفاده می کند که توسط پاسدار حسن آشتیانی از سرکردگان نیروی تروریستی قدس دایر شده است. چندین شرکت تابعه از جمله «طلایه نور هجرت» در نقاط مختلف کشور در سازماندهی و اعزام پاسداران به سوره نقش دارند. دفتر مرکزی این مؤسسه در تهران توسط پاسداران حسن آشتیانی، پاسدار ملکی (معاون) و علیدوست و یینلویی اداره می شود. عوامل نیروی تروریستی قدس در شاخه اصفهان این مؤسسه از جمله آخوند محسن روناسی و پاسداران احمد زینلی، افخمی، امیرحسین پیوندی، خاکی هستند. مؤسسه ثامن الائمه در دمشق نیز دفتر دارد که پاسدار حمید رضا گلاب چیان و آخوند غزالی از گردانندگان آن، اکنون به تهران بازگشته اند. پاسداران دست کم از سه طریق به سوره اعزام می شوند. پرواز مستقیم از تهران و اصفهان به دمشق، انتقال به نجف و از نجف پرواز به دمشق، پرواز به بیروت و از بیروت به صورت زمینی به سوره.

به دنبال دستگیری ۴۸ پاسدار در دمشق، رژیم آخوندی تصمیم گرفته است که از این پس شمار بیشتری از پاسداران را به نجف در عراق اعزام نموده و از آنجا با هواپیما به سوره منتقل کند. سازمان حج و زیارت رژیم با صدور اسناد قلابی، پوش مناسب برای اعزام این تروریستها تحت عنوان زائر را تأمین می کند.

خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس) در روز ۱۵ مرداد در این باره نوشت: «ایران که در جریان جنگ ۳۳ روزه در کنار حزب الله حضور داشته و موجبات شکست صهیونیستها را فراهم کرده است، قطعاً خواهد توانست در کنار سوره موجب شکست تروریستهای دست پرورده صهیونیسم جهانی شود». خبرگزاری پاسداران با اشاره به گردهمایی همبستگی مقاومت ایران با جنبش مردم سوره افزود: «همه دشمنان ایران اکنون در صدد به زانو درآوردن حکومت اسد می باشند تا بدین طریق متحد قدیمی جمهوری اسلامی را به شکست کشانده، ایران را در عرصه بین الملل با تنگنا مواجه سازند. به همین دلیل است که به نظر می رسد ایران باید حضور جدیتری در حل بحران سوره داشته باشد».

۱۴ تن از ۴۸ پاسدار دستگیر شده رژیم در سوره، درجه سرتیپی و سرهنگی دارند

منبع: دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ۱۹ مرداد ۱۳۹۱ (۹ اوت ۲۰۱۲)

به گزارش دریافتی مقاومت از درون رژیم، ۴۸ نفر دستگیر شده جزء چهارمین سری اعزامی فرماندهان سپاه بودند که از تهران به سوره اعزام شده اند. شماری از دستگیرشدگان توسط ارتش آزادی سوره عبارتند از: سرتیپ پاسدار عابدین خرم، سرکرده سپاه موسوم به شهدای آذربایجان غربی (ارومیه) آخوند کریم حسین خانی، سرکرده بسیج طلاب آذربایجان و سرکرده سابق دفتر ولی فقیه ارتجاع در این سپاه، جز مزدوران دستگیر شده هستند.

همچنین سرهنگ پاسدار یوسف اکبری جانشین حفاظت سپاه موسوم به شهدای آذربایجان غربی، سرهنگ پاسدار حسین نوری، سرکرده توپخانه، سرهنگ پاسدار طالب رحیم، سرکرده سپاه ناحیه میاندوآب، سرهنگ پاسدار غلامرضا کبرایی از سرکردگان سپاه موسوم به شهدای آذربایجان غربی، سرهنگ پاسدار محسن رنجی از سرکردگان قرارگاه موسوم به حمزه سپاه از آذربایجان غربی، سرهنگ پاسدار جعفر پروال از سرکردگان قرارگاه موسوم به حمزه سپاه از آذربایجان غربی، پاسدار کریم بیرامی سرکرده گردان از سپاه شهرستان سلماس.

این سرکردگان سپاه ضد خلقی در زمره ۴۸ تنی هستند که هفته گذشته در سوریه توسط ارتش آزادی سوریه دستگیر شدند.

گزارشهای موثق هم چنین حاکی است، به دستور سرکرده کل سپاه پاسداران، شمار زیادی از پاسداران از سراسر ایران به سوریه اعزام شده اند که ۴۸ مزدور دستگیر شده، جزء چهارمین سری اعزامی پاسداران بودند.

مزدوران سپاه، قبل از اعزام، توجیه می شوند و بدون سلاح به سوریه اعزام می شوند و پس از رسیدن در سوریه مسلح می شوند. این مزدوران قبل از اعزام به تهران می روند و پس از توجیه و گرفتن دستورات عملی لازم به صورت متمرکز از تهران به سوریه اعزام می شوند تا در سرکوب مردم به پاخاسته این کشور علیه دیکتاتوری بشار اسد، شرکت کنند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

اقتصادی اجتماعی

سیاست گسترش فقر

زینت میرهاشمی

در ماهی که گذشت دو حادثه مرگبار و غیر منتظره جان بسیاری از مردم زحمتکش و فقیر، کارگران و مزدبگیران را در ابعاد بزرگ گرفت.

وقوع زلزله در شهرستانهای اهر، هریس و ورزقان جان بسیاری از مردم محروم و فقیر این مناطق را گرفت. میزان گسترده تلفات جانی در این زلزله بر اثر مقاوم نبودن و عدم کاربرد اصول ایمنی در بناهای این شهرستانها است. وضعیت فاجعه بار زلزله زدگان عمق بی رحمی رژیم را نشان می دهد که ثروت مردمی را هزینه نظامیگری و برنامه های اتمی می کند. تصاویر ویران شده خانه های مردم محروم آذربایجان بار دیگر بی عدالتی رژیم ولایت فقیه را نشان داد. شعارهای پوچ و عوام فریبانه ولی فقیه و گماشته اش در زیر آوار دفن شد. غم و درد مردم زلزله زده متعلق به همه مردم ایران است. بر همین منظر شاهد رویش نهادهای خودجوش و کمکهای مردمی در این ماجرا هستیم که رژیم را نگران کرده است. ضمن

تسلیم و همدردی با زلزله زدگان، برخورد حکومت بر بی ارزش دانستن جان انسانها را طرد و بر سازماندهی، همبستگی و پیوند مردمی در کاهش غم و آلام این حادثه دلخراش تاکید می‌کنم.

پلیس آفریقای جنوبی با تیراندازی به روی کارگران اعتصابی در معدن پلاتین، ۳۶ کارگر را کشت و بیش از ۲۰۰ تن از آنان را زخمی کرد. کشتار معدنچیان مرگبارترین رویداد کارگری در آفریقای جنوبی پس از پایان نظام آپارتاید در این کشور به شمار می‌رود. به خون کشیده شدن معدنچیان بار دیگر چهره کریه ستم طبقاتی را در ورای هر رنگی که حکومت می‌کند نشان داد. در حالی که محاکمه کارگران اعتصاب کننده شروع شده، رئیس جمهور این کشور یک هفته عزای عمومی اعلام کرده است.

احمدی نژاد چه چیزی را می‌خواهد افشا کند؟

بار دیگر عصر روز پنجشنبه ۱۲ مرداد، احمدی نژاد با تهدید جناح مقابل به افشاگری، ادعا کرد حرفهای ناگفته‌ای دارد که طرح آنها در شرایط فعلی «به صلاح انقلاب و نظام نیست». وی در مورد گرانیها گفت: «حرفهایی هست که نمی‌توانم بزنم». دعوت رقیب به رینگ بوکس همراه با مشت در هوا، از جمله شگردهای ۷ ساله احمدی نژاد است. وی در این سخن پراکنی خود گفت: «یک موقع می‌شود حرفهایی را گفت و گاهی اوقات نیز نمی‌شود چون مصلحت نیست.» تهدیدهای احمدی نژاد برای افشای باندهای رقیب در در حالی است که خود به طور مرتب مورد بی‌مهری جناح مقابل قرار می‌گیرد. احمدی نژاد مدعی شده که اختلاسهای صورت گرفته را پیش بینی کرده بود. از آن جایی که اختلاسهای صورت گرفته در بالاترین بخش نزدیکان و وابستگان به قدرت صورت گرفته، می‌توان نتیجه گرفت همه باندهای حکومتی دستشان به آن آلوده است. بر همین منظر بُرش بالای هرَم قدرت در این اختلاسها مشارکت دارند. تا میزانی که باند احمدی نژاد در اختلاسها منافع دارد به مُشت بازی در فضا ادامه خواهد داد.

اختلاس در بنیاد شهید که به جای کمک به قربانیان جنگ، در پروژه‌های اقتصادی بزرگ شرکت دارد، از جمله اختلاسهایی است که در جدال باندهای حکومتی علنی شده است.

خبرگزاری حکومتی مهر روز شنبه ۱۴ مرداد، از کشف یک اختلاس ۱۵ میلیارد تومانی در «بنیاد شهید» خبر داد. بر اساس گزارش روزنامه خراسان، «یکی از مدیران با سابقه این بنیاد متهم است با سند سازی و تقلب ۱۵ میلیارد تومان به جیب زده است.»

بر اساس این گزارشها این اختلاس از بخش «پرداخت حق بیمه افراد تحت پوشش بنیاد»، یعنی قربانیان جنگ، صورت گرفته است.

بنیاد شهید بنا به گفته قائم مقام آن، تحقق شعار ولی فقیه در سال ۱۳۹۱ در خصوص تولید ملی را وظیفه خود دانسته است. این که اختلاسگران بنیاد شهید به کدام یک از باندهای حکومتی وابسته اند موضوع جدالهای داغ در روزهای آینده خواهد بود.

رشد تورم و گرانی

وضعیت گرانی و افزایش نرخ تورم آنچنان بحرانی است که نهادهای حکومتی آمار متفاوت ارائه می‌دهند. هرج و مرج در داده‌های آماری نشانگر وضعیت انفجاری و عدم توان کنترل و مدیریت بر بحران اقتصادی است. از آن جایی که ریشه فساد اقتصادی به هرم قدرت بر می‌گردد و از بالاترین لایه حکومت تغذیه می‌شود، هیچ راهبردی برای کنترل و مدیریت بحران گرانی از طرف حکومت رهگشا نخواهد بود.

بر اساس گزارش ۳۱ مرداد خبرگزاری ایسنا، «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در تیر ماه امسال توسط بانک مرکزی ۳۳۶.۶ اعلام شده است.» بر اساس همین گزارش در تیرماه سال گذشته این شاخص ۲۶۴.۹ بوده است. یعنی میزان شاخص تورم نسبت به سال قبل ۲۷.۶ درصد افزایش داشته است.

بر اساس داده های اماری مزکر آمار، کالاهای خدماتی در تیر ماه سال جاری نسبت به ماه قبل ۲.۵ درصد رشد داشته است. مسکن، آب و برق و گاز و مواد سوختی، ۴۷.۷ درصد، بهداشت و درمان ۱۴.۵ درصد و کالاها و خدمات متفرقه ۱۴.۳ درصد نسبت به ماه قبل رشد داشته است.

این افزایش قیمتها در یک ماه در حالی است که حقوق کارگران و مزدبگیران هیچ تغییری نکرده است. میزان اندک افزایش حقوق در آغاز سال جاری به بهبود وضعیت معاشی کمک نکرده است بلکه با افزایش نرخ تورم و رشد ناهنجار و نامتعارف کالاهای خوراکی، خدماتی و بهداشت، فقر توسعه یافته است.

تظاهرات مردم نیشابور، «مُصِیْبَت» برای رژیم

روز دوشنبه ۲ مرداد، مردم نیشابور در اعتراض به گرانی، کمبود مواد غذایی و هزینه های سرسام آور زندگی دست به تجمع و راهپیمایی زدند. انبوه مردم بپاخاسته این شهر در تظاهرات خود علیه سران رژیم شعار داده و بدین وسیله عامل اصلی گرانیها و فاجعه ای که گریبانگیر مردم شده را تعیین کردند. یکی از شعارهای مردم «دولت حیا کن، این مردمو رها کن» بود.

در واکنش به اعتراض بر حق مردم نیشابور دادستان جنایتکار نیشابور با تهدید به این که اعتراض مردم «ثبت شده»، تظاهرات مردم را «غائله» نامید و گفت؛ «شان نیشابوریان بیشتر از این است که برای یک یا دو عدد تخم مرغ در خیابانها شعار دهند». به گزارش پایگاه خبری سحام نیوز مردم در اعتراض به این شرایط شعار «هیهات من الذَّله» سر می دادند. دادستان نیشابور که لابد چشم و گوشش از چپاول و غارتگری پایوران حکومت پُر شده، انتظار دارد که مردم هر ستمی را تحمل کنند. او جنبش مردم برای خواسته های برحقشان را به «دو تخم مرغ» محدود می کند و البته به خوبی می داند که بسیاری از مردم به همین دو عدد تخم مرغ دسترسی ندارند. دادستان جنایتکار نیشابور البته یک حرف درست هم زده است. او جنبش مردم را «مُصِیْبَت» نامید. این مُصِیْبَت البته نصیب پایوران رژیم و مقام اول آن یعنی علی خامنه ای خواهد شد.

افزایش جمعیت برای توسعه فقر

افزایش جمعیت در اقتصادی که تنها ۳۳ درصد از بخشهای تولیدی آن فعال هستند و جوانان اکثریت مطلق لشکر بیکاران را تشکیل می دهند به معنای توسعه بیکاری و فقر است. حذف یارانه ها و دادن مقدار ناچیزی از آن به بخشهایی از جامعه، طرح آتیه فرزندان و سیاست افزایش جمعیت، حلقه ای از سیاستهای خامنه ای و احمدی نژاد جهت حفظ نظام است. این گونه سیاستها در جهت پیشرفت و توسعه اقتصاد نیست. این طرحها از جمله راهبردهای رژیم در شرایط بحرانی است. رژیم با این شیوه ها در جهت تولید لشکر نان خورهای گوش به فرمان که در بسیج و سپاه سازمان می یابند، اگر افزایش جمعیت روزی توسط خمینی برای تقویت ارتش بینادگرایان اسلامی طرح شد، به کارگیری دوباره آن در شرایط امروز با توجه به رشد نامتعارف جمعیت طی سه دهه اخیر، بیانگر شرایط بحرانی حکومت است. حرفهای ولی فقیه و دست نشانده او احمدی نژاد پیرامون افزایش جمعیت دلیلی بر درستی این امر است.

احمدی نژاد در آغاز سال ۱۳۸۹ اعلام کرد؛ نوزادانی که در سال ۱۳۸۹ متولد شوند سالانه به آنها ۱۰۰ هزار تومان پرداخت خواهد شد و از خانواده ها خواست تا به این پول دست نزنند. بر همین اساس صندوقی هم به نام «صندوق آتیه فرزندان» تشکیل شد. این وعده هم به دلیل نداشتن بودجه مثل بقیه شعارهای احمدی نژاد دفن شد.

وزیر بهداشت رژیم روز چهارشنبه ۱۱ مرداد از حذف کامل «بودجه برنامه کنترل جمعیت» در وزارت بهداشت خبر داد. در نتیجه خدمات رایگان برای آموزش زنان جهت جلوگیری از بارداری حذف شده است. افزایش جمعیت که در شرایط اقتصاد بحرانی فقر را به همراه دارد، در گام اول زنان را مورد آسیبهای اجتماعی قرار داده و آنها را بیش از پیش خانه نشین می کند.

قطعی برق در ایران و افزایش ۵ میلیارد دلاری صادرات آن؟

لیلا جدیدی

فراسوی خبر دوشنبه ۹ مرداد

محمد بهزاد، معاون وزیر نیرو، اعلام کرد که امسال ارزش صادرات برق و خدمات فنی و مهندسی صنعت برق ایران به ۵ میلیارد دلار افزایش می یابد. وی از کشورهای عربی همچون عراق، سوریه، قطر، عمان، لبنان و امارات به عنوان مشتریان جدید برق ایران یاد کرد. این در حالیست که در روزهای اخیر قطع برق و خاموشی در بسیاری از شهرهای ایران مردم را با مشکلات گوناگونی اضافه بر مشکلات روزانه ی اقتصادی و اجتماعی روبرو کرده است.

ماه گذشته همین وزیر نیرو اطمینان داده بود که مشکلی در تامین نیاز برق تابستان وجود ندارد. این درحالیست که محمد پارسا، رئیس سندیکای برق، دو ماه پیش تر گوشزد کرده بود که چنانچه بودجه مناسبی برای بخش نیرو مقرر نشود، در آینده نزدیک دچار خاموشی و قطع برق خواهیم شد.

صنعت برق نه تنها در مورد نیروی انسانی و اشتغال مشکلات زیادی دارد، بلکه با توجه به این امر که نیمی از برق ایران از سدها تامین می شود، به دلیل عدم بکار گیری صحیح از آب و استفاده حداکثر از سدهای آبی، ذخیره آبی سدهای ایران خالی شده و بر مشکل تامین آب نیزافزوده است. در این رابطه، مهدی موسوی نژاد، عضو کمیسیون انرژی مجلس ارتجاع وضعیت تامین انرژی صنایع را "اسفناک" توصیف کرده است.

همانطور که پیش بینی شده بود، مشکل خاموشی عمیق تر شده است. بنا به گزارش خبرگزاریها، بیشتر مناطق در اصفهان، روزی دو تا سه ساعت از روز را با خاموشی سپری می کنند و خاموشیهای مکرر در کارگاهها و مغازهها، مشکلات زیادی را برای مردم دومین استان صنعتی کشور ایجاد کرده است. همچنین برخی از مناطق شهرهای ماهشهر، کرمان، اهواز، تهران، گناباد، جزیره کیش، مناطقی در خراسان رضوی، لرستان، فارس و یزد با قطعی برق و در برخی موارد، قطع مکرر برق مواجه بوده اند. قطع برق در گرمای ۶۰ درجه مردم را بستوه آورده است اما در برابر اعتراضات، رژیم از دادن پاسخ طرفه رفته است.

یکی از مهمترین دلایل ادعای رژیم به انتقال برق به کشورهای "دوست" گرفتن حمایتهای سیاسی است. برای نمونه یک نماینده فراکسیون پارلمانی حزب الله لبنان ضمن گله مندی از آمریکا به خاطر مخالفت با خرید برق لبنان از ایران به دلیل تحریمها می گوید: "به مانند پیشنهاد کمک ایران برای حل مشکل برق لبنان، از سوی هیچ یک از دیگر کشورها ارائه نشده است."

با فزونی یافتن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، حکومت زیر فرمان خامنه ای از کانال نهادهای "امنیتی" و انتظامی جمهوری اسلامی انگشت اتهام را به زیاده خواهی مردم و زیاده گوئی رسانه ها گرفته، درحالی که با گیج سری، درمانده ترین دوران حکومت انگلی اش را می گذراند.

نشانه های بده بستان در پرونده زمین خواری جواد لاریجانی

منصور امان

فراسوی خبر... سه شنبه ۱۰ مرداد

پیرامون پرونده زمین خواری آقای جواد لاریجانی، رییس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، جنب و جوش تازه ای به چشم می خورد. این امر را از فرستاده شدن رییس کل دادگستری استان تهران برای اطلاع رسانی در باره موضوع محرمانه مزبور می توان برگرفت.

آقای علیرضا آوایی با اشاره به اصرار آیت الله صادق لاریجانی به پیگیری مساله، از تشکیل پرونده برای آقای جواد لاریجانی به اتهامی که ذکر نکرد، خبر داده و تاکید کرده است: "پرونده مراحل قانونی خود را طی کرده، ارجاع شده و دارد کارهایش انجام می شود."

توضیحات بیشتر این مقام ارشد قضایی، هدفی که تحرک جدید گرد رؤسای آقای جواد لاریجانی پی گرفته و چیزی نه بیشتر و نه کمتر از ماستمالی آن و خاک پاشیدن به چشم جامعه نیست را آشکار می کند. آقای آوایی که به نظر می رسد، داستان گسسته و نه چندان سر و ته داری در اختیارش گذاشته شده، به گونه شگفت آوری در بیان کلیدی ترین ادعاهای خود دچار لکننت زبان و ابهام گویی می گردد. برای مثال او زمان دقیق ورود دادگستری استان تهران به پرونده را به یاد ندارد و به گفتن "چند ماه پیش" اکتفا می کند. بیلانی که وی از اقدامات خود در این باره ارایه می کند نیز به همین اندازه مبهم و خلع الساعه به گوش می رسد. او می گوید، "یکی دو روز" بعد از دستور آیت الله لاریجانی با رییس دادگاه "جواد آباد" (منطقه ای که آقای جواد لاریجانی به چپاول زمینهای آن متهم است) گفت و گو کرده و نیز "پنج یا شش بار" هم با وی "تماس" داشته است. توضیحات آقای آوایی وقتی جالب تر می شود که

قصد می کند، نتیجه مشخص اقداماتی که در باره آنها سخن سرایی می کند را توضیح دهد. وی ابتدا مژده می دهد که رییس دادگاه "جواد آباد"، "امروز بنا بود بیاید تا گزارشی از اقداماتی که تاکنون در مورد این پرونده انجام شده، خدمت رییس قوه قضاییه ارایه داده شود" و سپس بی درنگ عذر می خواهد: "به علت بیماری آیت الله املی لاریجانی این جلسه کنسل شد و احتمالاً به هفته آینده موکول می شود."

کمی بعدتر او دلیل تازه ای برای اعلام نشدن اقدامات ادعایی تحویل می دهد و این بار فیلسوف منشانه شنوندگانش را آرام می کند: "این پرونده نیاز به کارشناسی و زمان دارد و همان طور که می دانید، من علاقمندم که در یک فضای کاملاً حرفه ای و نه جنجالی مانند بقیه پرونده ها به آن رسیدگی شود."

تنها نتیجه ای که این سخنان به دست می دهد، تلاش سازمان یافته برای جارو کردن رؤسای آقای جواد لاریجانی زیر فرش با کمترین هزینه برای این پایور ارشد جمهوری اسلامی و همینطور "خیمه ای" که "نظام" بر سر او افراشته، است. بدیهی است این اقدام بدون دستیابی به توافق و بده و بستان با طرفهای ذی نفع در این ماجرا نمی توانسته صورت بگیرد؛ رؤسای دیگری که صدای آن کمی بعد تر به صدا درخواهد آمد.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

پرونده مرتضوی، کشاکش مجلس و دولت در محدوده بیت خامنه ای

جعفر پویه

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۱۲ مرداد

برخلاف رای دیوان عدالت اداری رژیم، روز گذشته (چهارشنبه) سعید مرتضوی در جلسه هیات دولت شرکت کرد. به گفته محمد جعفر منتظری، رییس دیوان عدالت اداری، روز دوشنبه (۹ مرداد) رسیدگی به شکایت شش نماینده مجلس آخوندها از سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران انجام گرفته و "هیات عمومی این دیوان، انتصاب سعید مرتضوی به ریاست سازمان تامین اجتماعی را خلاف قانون تشخیص داده است".

این شکایت هنگامی به دیوان عدالت فرستاده شد که طرح استیضاح عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی که مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی را منصوب می‌کند، با پا در میانی حداد عادل و قول شرف مرتضوی به استعفا، پس گرفته شد. اما مرتضوی باز در محل کار خود حاضر شد و با زیر پا گذاشتن قول شرف خود، در عمل در مقابل مجلس جبهه بندی کرد. پس از این اتفاق بود که نمایندگان مجلس به سردستگی توکلی شکایتی را به دیوان عدالت اداری فرستاده و نوشتند: "وی در سمت قبلی خویش یعنی دادستان تهران متهم است، از حالت قضایی معلق شده و پرونده‌اش هنوز مفتوح است و در گزارش تحقیق و تفحص مجلس از فاجعه کهریزک، مقصر شناخته شده است." با این همه اما روز گذشته محمد رضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد گفت: "رای دیوان عدالت اداری به ابطال ریاست سعید مرتضوی بر ریاست سازمان تامین اجتماعی اجرا نخواهد شد." او با تاکید گفت: "آقای مرتضوی سر جایش است."

در واکنش به گفته رحیمی، علی اکبر بختیاری، مدیرکل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری به خبرگزاری حکومتی مهر گفت: "رای هیات عمومی (امروز یا فردا) در روزنامه رسمی کشور منتشر می‌شود و پس از آن، طبق قانون اگر آقای مرتضوی از اجرای رای خودداری کند، ممکن است احکامی مانند انفصال از خدمت برای او صادر شود." احمد توکلی نیز در این باره می‌گوید: "اگر سعید مرتضوی از تاریخ ابلاغ رای هیات عمومی دیوان سر کار برود و وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی وی را عزل نکند، خود وزیر طبق قانون دیوان عدالت اداری در معرض عزل قرار می‌گیرد، چرا که هر مسوولی که حکم دیوان عدالت را اجرا نکند، طبق قانون حذف می‌شود." همچنین محمد دهقان، عضو هیات ریسه مجلس آخوندی به خبرگزاری حکومتی فارس می‌گوید: "رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی بودن صدور حکم مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی برای آقای مرتضوی قطعی است و قابلیت برگشت ندارد."

با این حساب به نظر می‌رسد بار دیگر پرونده مرتضوی تبدیل به موضوع کشاکش بین مجلس و دولت شده است. هرچند مرتضوی در مسند قضا یکی از گماشتگان خامنه ای برای سرکوب و به بند کشیدن روزنامه‌ها و فعالان سیاسی و اجتماعی بود، اما آبروریزی او در پرونده کهریزک و اشک تمساح خامنه ای برای جوانانی که به دستور مستقیم او توسط مرتضوی قلع و قمع شده بودند، این توهم را برای برخی پیش آورده که هر پادوی بیت خامنه ای که به هر دلیلی برکنار می‌شود را می‌توان به پای میز محاکمه کشاند. حمایت بی چون و چرای احمدی نژاد از مرتضوی نه خواسته او بلکه به دستور بیت خامنه ای انجام می‌گیرد و نمایندگان مجلس و دیگر رقبای قدرت با دانستن این موضوع تلاش دارند تا خط و خط کشیهای فی مابین را این گونه مشخص تر کنند.

شکست سیاست ارزی "نظام" و مفهوم عملی آن

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۷ مرداد

یک روز پس از آنکه رییس بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد، نرخ دلار دولتی تا ده روز آینده افزایش خواهد یافت، قیمت دلار آمریکا در بازار ارز با یک جهش افقی به ۲۲۰۰ تومان رسید. با این حال، تاثیرات راهکار اقتصادی حکومت برای روبرویی با تنگنای فروش نفت و تامین ارز خارجی، فقط به تابلوی صرافیها و دست نوشته های دلان محدود نخواهد شد. نخستین نتیجه گیری از سخنان روز یکشنبه آقای بهمنی برای اقتصاد کشور، اعتراف به یک راز سرگشاده است که رهبران و پایوران رژیم ولایت فقیه تاکنون با تبلیغات دروغ و رجز خوانی آن را انکار می کردند.

آنچه رییس بانک مرکزی اعلام کرده، اعتراف به ناتوانی حکومت در حفظ سطح نرخ ارز دولتی با توسل به اهرمهای مالی است که در اختیار دارد. وی به این ترتیب آشکار کرده که ذخایر ارزی کشور محدود و منابع تامین ارز محدود تر است و فراتر از آن، گران کردن نرخ مرجع ارز، آخرین گریزگاهی نخواهد بود که قافله پریشان "اقتصاد مقاومتی" به آن روی می آورد.

فوری ترین و مشاهده پذیرترین آثار این وضعیت، سقوط گام به گام ارزش پول ملی و افزایش بهای ارزهای خارجی در برابر آن است؛ عاملی که بی درنگ به صورت تورم و افزایش جهشی قیمت کالاها یا نایابی آن در بازار خود را به نمایش خواهد گذاشت.

در بُعد دیگر، تولید داخلی که پس از سیاستهای ریاضتی حذف یارانه ها و گرانی خدمات دولتی با رکود مواجه گردیده، با وجود گران شدن دوباره مواد اولیه و مخارج تولید، به گونه عملی امکان بازسازی خود را از دست داده و زیر آوار واردات به تدریج دفن خواهد شد.

مفهوم شکست سیاست ارزی "نظام" برای مردم، روبرو شدن با موج جدید گرانی و بیکاری و خالی شدن هر چه بیشتر سفره آنان است. رژیم ولایت فقیه هزینه کوتاه بینی و بی لیاقتی خود را همچنان از کارورزان و تهی دست ترین اقشار جامعه می ستاند.

مسائل جهانی و منطقه ای

تحولات مصر بعد از پیروزی محمد مُرسی

آناهیتا اردوان

هنوز اندک زمانی از انتخابات ریاست جمهوری مصر نمی گذرد که ساختار سیاسی این کشور طی فرمان ۱۲ اوت محمد مُرسی رئیس جمهور منتخب مردم مصر، دستخوش تحول قابل ملاحظه ای شد. بر پایه این فرمان، «طنطاوی» وزیر دفاع و «سامی عنان» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح بازنشسته و از سیمت خود برکنار شده و به عنوان مشاوران ریاست جمهوری انتخاب گردیدند. قابل توجه است که این دو نفر اندکی قبل به عنوان اعضای هیأت دولت موقت مصر، در تیم نخست وزیری هشام قنديل، منصوب شده بودند. همچنین مُرسی «مهتاب محمد حسین ممش» فرمانده نیروی دریائی، «عبدالعزیز محمد سیف» فرمانده پدافند هوائی و «رضا محمود حافظ محمد عبدالمجید» فرمانده نیروی هوائی را نیز بازنشسته کرد. در این راستا، «عبدالفتاح حسین خلیل السیسی» با ارتقاء درجه سپهبدی به عنوان وزیر دفاع و «صدقی صبحی سید احمد» با ارتقاء درجه سپهبدی به عنوان رئیس ستاد مشترک منصوب شدند. فرمان مُرسی تنها به برکناری

وزیر دفاع و چند افسر دیگر محدود نگردید، بلکه وی قدرت سیاسی و قانون گذاری را از شورای نظامی پس گرفته و این شورا را به جایگاه خود بازگرداند. شورای نظامی، قبل از انتخابات ریاست جمهوری اختیارات وسیعی در اداره کشور برای خود قائل بود و مطابق این اختیارات، به رئیس جمهوری اجازه نمی داد که اعضای شورا را تغییر داده و حتی در تعیین بودجه شورا، دولت مرسی حق دخالت نداشت. به استناد متمم قانونی اساسی که پس از دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری مصر، توسط شورای نظامی حاکم تصویب و اکنون توسط مرسی لغو گردیده، اکثر اختیارات ریاست جمهوری اختیار قانون گذاری به نظامیان محول شده بود. بر اساس بند یک ماده ۵۳ متمم قانون اساسی لغو شده، رئیس جمهوری مصر اختیار اعلام جنگ با کشور دیگر را پس از موافقت شورای عالی نظامی خواهد داشت و بند دو ماده ۵۳ نیز مقرر می داشت که رئیس جمهور در صورت بروز ناآرامی و هرج و مرج در کشور اختیار استفاده از نیروهای مسلح برای برقراری ثبات و امنیت را تنها پس از موافقت شورای عالی نظامی خواهد داشت. اینک، محمد مرسی با توجه به نبود پارلمان، که پیشاپیش توسط حکم دادگاه و تأیید شورای عالی نظامی منحل شده است، ریاست قوه مجریه و نیز اختیارات قوه مقننه را تا انتخابات پارلمانی در دست دارد. وی در دفاع از این تغییرات گفته است؛ این عمل برای دمیدن جان تازه ای در کالبد نیروهای مسلح مصر انجام شده تا ارتش و نیروهای مسلح مصر هر چه بهتر بتوانند به دفاع از مرزها بپردازند. شایان توجه است که این تغییرات دقیقاً همزمان با حادثه کشته شدن شانزده تن از مرزبانان مصری در درگیری با گروههای افراط گرای سلفی در صحرای سینا (جبل موسی) و وقوع بیش از ۱۰ انفجار در خطوط ارسال گاز به اسرائیل که از این منطقه عبور می کنند، بوده است. البته محمد مرسی که پایبند بودن دولت جدید مصر به پیمان کمپ دیوید را تضمین کرده، برای برخورد با افراط گرایان مستقیماً، مسؤلیت عملیات علیه آنها را به عهده گرفت و دولت اسرائیل نیز بعد از دهه های متمادی اجازه داد که نیروهای نظامی مصر خلاف پیمان کمپ دیوید وارد بخشهایی از صحرای سینا شوند. صدور اجازه از سوی اسرائیل برای ورود نیروهای مسلح به صحرای سینا که بر اساس پیمان کمپ دیوید حق ندارند وارد دو سوم شمالی این منطقه شوند، نشان از نوعی همزیستی جدید بین دولتهای اسرائیل و مصر در مبارزه با جریان افراط گرا موسوم به جهادیه متشکل از سلفیها و القاعده دارد که در صحرای سینا آغاز به فعالیت کرده اند. اگرچه مسائل پیرامون این واقعه هنوز کاملاً مشخص و شفاف نیست، اما از بحرانی شدن شرایط صحرای سینا که در دوران سی و سه سال حکومت حسنی مبارک در آرامش مطلق قرار داشت و منطقه ای حساس در روابط بین مصر و اسرائیل است، خبر می دهد.

میزان گستردگی و عمق بحران به آنچه در آینده رخ می دهد بستگی دارد. برخی علت برکناری سران مقتدر ارتش، توسط ریاست جمهوری را در چارچوب این رخداد، تحلیل می کنند. زیرا، اخبار و گزارشات حاکی از آن است که دولت اسرائیل، پیشاپیش اطلاعات حمله را در اختیار مسئولان وابسته به ارتش مصر می گذارد. اما، آنها از مطلع کردن محمد مرسی جهت بحران سازی برای رئیس جمهور تازه به قدرت رسیده، ممانعت می ورزند. بنابراین، تحولات اخیر در ساختار سیاسی مصر به عنوان واکنشی از سوی ریاست جمهوری، به ویژه علیه طنطاوی قلمداد می شود. برخی دیگر بر این نظرند که، محمد مرسی با این گنش به کودتای نرمی علیه ارتش مصر اقدام ورزیده تا بتواند آنها را تحت کنترل خود در آورد.

در حالی که طرفداران رئیس جمهوری و جمعی از سیاستمداران از اقدام محمد مرسی دفاع کرده و آن را اولین گام جهت غیرنظامی کردن و دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی به حساب می آورند، بسیاری دیگر، این اقدام را تهدیدی برای لائیسیته دانسته و از آغاز تئوکراتیزه کردن ساختار سیاسی حاکم و تشکیل یک حکومت اسلامی در مصر توسط اخوان المسلمین درهراسند. تحلیل سوم، تحولات اخیر را نوعی تعامل جهت ایجاد توازن قوا در ساختار قدرت بین اخوان المسلمین و نیروی نظامی دانسته و آن را طراحی و برنامه ریزی حمایت شده از سوی واشنگتن ارزیابی می کنند. جورج لیتل، سخنگوی پنتاگون در مصاحبه با بی بی سی پرده از انتظار دولت آمریکا از محمد مرسی برداشت و عنوان کرد که: "ژنرال خلیل السیسی، وزیر دفاع جدید فردی شناخته شده برای ماست. او یکی از مقامات شورای عالی نیروهای مسلح مصر است و ما معتقدیم که می توانیم به همکاریهای نزدیک با مصر ادامه دهیم."



جامعه مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه هنوز متلاطم و در التهاب است. مردمی که با شعار «نان، آزادی و عدالت» به میدانها و خیابانها پای نهادند، کماکان با حضور یکپارچه شان در میدان التحریر بر مطالبات بنیادین شان پافشاری می ورزند. در این راستا، آنان از هر پدیده ای که نشانی از اقتدار نظم کهنه دارد، از جمله ارتش مصر که بیش از شصت سال بعنوان بزرگترین ارتش دنیای عرب از قدرت سیاسی و اقتصادی گسترده ای برخوردار بوده، منزجر و این تنفر در شعار «مرگ بر حکومت نظامیان» نمایان شد. بار

مسئولیت حل بحران داخلی و به بیان دیگر فرستادن گردانها و اقشار مختلف اجتماعی مردم به خانه هاشان بر دوش رئیس جمهور تازه به قدرت رسیده که خود را رئیس جمهور همه ملت مصر خوانده و قول برپایی جامعه ای مدنی را داده است، سنگینی می کند. یکی از راه حلها خلع ید هر چند ظاهری، از عناصر نظامی مشهور وابسته به نظام حسنی مبارک است. از این طریق مرسی بین توده های منزجر از دهه های متمادی اُتوریتته نظامی، محبوبیت پیدا می کند تا بتواند نقش تاریخی اش در روند خاورمیانه بزرگ مورد نظر سرمایه داری انحصاری را عملی ساخته، امنیت و ثبات قدرت و منافع طبقاتی حاکمیت در عرصه داخلی و بین المللی را تأمین نماید.

تحولاتی که تحت تأثیر انقلاب موسوم به بهار عربی جهت ازهم پاشیدن نظامهای کهنه و خودکامه و دستیابی به نان، دموکراسی و عدالت صورت پذیرفت و هنوز نیز ادامه دارد به دلیل فعال شدن نیروهای امپریالیستی قادر نیست بی تأثیر از نظم سرمایه داری نوین جهانی باشد. تحولات مصر نیز از این قاعده متثنی نیست. جهان سرمایه داری در کشورهای خاورمیانه به دنبال کپی برداری از مدل ترکیه بوده و خواستار ایجاد توازن بین نیروهای دخیل در قدرت سیاسی است تا پروژه انتقال دموکراتیک قدرت در راستای ایجاد خاورمیانه بزرگ در افکار عمومی جهان طبیعی جلوه کند. جهانی سازی سرمایه، فعل و انفعالات همه جهان را تحت تأثیر یک فرمان واحد قرار می دهد تا خود را با نظم نئولیبرال، از نظر روبنای سیاسی و زیر بنای اقتصادی تطبیق دهند. بنابراین حاکمیتها با روبنای سیاسی توتالیتیر و استبدادی هر چند از روی اجبار از نظر زیربنای اقتصادی راهی به جز وابستگی به نظم اقتصاد جهانی ندارند، در چارچوب حاکمیتهای دلخواه و مطابق با نظم نوین جهانی نمی گنجند. زیرا حاکمیتهای دیکتاتوری سد بزرگی فراروی روند تسهیل سرمایه گذاری انحصاری و امنیت آن، ایجاد می کند. در فاز سرمایه داری انحصاری، روند جهانی سازی سرمایه سیطره ازلای و ابدی ساختارهای سیاسی خودکامه و استبدادی را در معرض خطر قرار داده است. امنیت و ادامه حیات نیروی ارتش و اخوان المسلمین نیز در گرو تعامل و ایجاد توازن قوا در تقسیم قدرت است. بدین ترتیب، نظریه کودتای نرم محمد مرسی تنها زمانی می تواند صحیح باشد که بپذیریم اصولاً گرایشات با ساختارهای ایدئولوژیک ارتجاعی مذهبی در چارچوب نظم نوین جهانی، رام شدنی نیستند. گمان پیشروی رئیس جمهور مصر در حذف نیروهای ارتش و برعکس، به زور آزمائی دو نیروئی که اهرمهای اعمال قدرت را صاحبند در بستر تحولات آینده مصر قابل بررسی و ارزیابی است. نکته ای که در همین رابطه قابل توجه

است، دعوت مردم مصر به راهپیمائی توده ای توسط گرایشی برخاسته از درون ارتش، در تاریخ ۲۴ آگوست علیه آنچه آنان، «فرمانروائی اخوان المسلمین» نامیده اند، است. سازماندهندگان راهپیمائی فوق «توفیق آکاشا» و «مصطفی باکری» از ژنرالهای مشهور ارتش هستند که از هر فرصتی در دوران بعد از سرنگونی رژیم حسنی مبارک جهت تشکیل، حمایت و ارتقاء موقعیت شورای نظامی، سوء استفاده کردند. دعوت به این راهپیمائی که در شبکه اینترنتی فیس بوک نیز انتشار یافته، مکرراً به آتش زدن دفاتر اخوان المسلمین در سراسر مصر، تهدید و تأکید کرده است. «محمد ابو حامد» یکی از حمایت کنندگان، ابراز می دارد که شاید نتوانیم میلیونها مصری را به خیابانها بکشانیم و انقلابی فراتر از انقلاب ۲۵ ژانویه به راه خواهیم انداخت. علاوه بر این، رسانه های خبری و روزنامه های مصر از جمله «الدستور» با درج مطالبی از خطر اسلامی شدن دولت مصر، خبر می دهند.

گرچه حرکت رئیس جمهور مصر در کاهش قدرت سیاسی نظامیان بعد از شش دهه مورد استقبال نه تنها طرفداران وی، بلکه مدافعان و فعالان مدنی که حتی به او گرایشی نداشته اند، قرار گرفت و این حرکت را گامی به سوی دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی بحساب آورده و ستایش کردند، اما اقدام مرسی با در نظر گرفتن سلطه اقتصادی ارتش بر اقتصاد کشور، برخوردی ریشه ای بحساب نمی آید. ارتش مصر، بیش از چهل درصد از پروژه های اقتصادی را قبضه کرده و مهمترین نهاد مصر در حوزه اداری، دولتی، مدیریت کانال سوئز، کشتیرانی، تجارت، بزرگراهها و پمپ بنزینها است. بر اساس گفتگوی فعالان مدنی با رادیو بی بی سی مورخ ۲۰ آگوست ۲۰۱۲، هیچ نهاد مدنی بر فعالیتهای اقتصادی ارتش مصر نظارت ندارد و آنها از ارائه گزارشات مالی و نیز پرداخت مالیات معافند. میزان واقعی درآمد و سود خالص ارتش مصر کاملاً مشخص نیست. دولت آمریکا نیز سالانه بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون دلار به ارتش مصر کمک می کند. امپراطوری اقتصادی ارتش مصر نشان از نفوذ و قدرت سیاسی آن دارد، به طوری که حتی دولتی دموکرات و مردمی که اکثریت ملت مصر را نمایندگی کند قادر نیست بسادگی خللی بر چنین نفوذ اقتصادی و سیاسی وارد سازد و مبارزه با آن چالشی جدی به حساب می آید. غیرنظامی کردن ساختار سیاسی با پایان دادن به اتوریته ارتش بر فعالیتهای اقتصادی که در دوران حسنی مبارک به اوج خود رسید، رابطه ای تنگاتنگ دارد که با برکناری محترمانه چند ژنرال ارتش مورد خدشه قرار نخواهد گرفت. «عمر دراج» یکی از اعضای اخوان المسلمین در گفتگوی تلویزیونی با خبرگزاری بی بی سی می گوید: «ما مخالف پروژه های اقتصادی ارتش مصر نیستیم. اگر این پروژه ها به سود ملت مصر باشد از آن حمایت می کنیم.» این عبارت به عنوان چراغ سبزی به ارتش مصر جهت تأیید چپاول ثروت ملی است که البته طبقه ای که مرسی آن را نمایندگی می کند مطمئناً به دنبال ابزارهایی جهت شراکت و یا رقابت با فعالیتهای اقتصادی نظامیان در دستیابی به سرمایه های کلان خواهند بود. بحرانهای اقتصادی نظیر افزایش بیکاری در حدود یازده میلیون تن، جمعیت پنجاه درصدی زیر خط فقر و کاهش پانزده میلیارد دلاری درآمد سالانه توریسم و عدم چاره اندیشی عاجل نسبت به آنها می تواند به پاشنه آشیل برای دولت مرسی و اخوان المسلمین بدل شود.

رفرم از بالا، مخصوصاً جهت ایجاد تعادل قوا هرگز قادر نبوده به خواستههای بنیادین زحمتکشان جامعه عمل بپوشاند. دولتی که محمد مرسی ریاست جمهوری آن را به عهده دارد، همراه با ارتش مصر در برابر انبوه خواسته های مردمی قرار گرفته که تنها باز شدن یک روزنه به آنها جرات اعمال قدرت بیشتری خواهد داد. حل بحران فقر، بیکاری و بیشمار معضلات اجتماعی دیگر بی شک در چارچوب گردن نهادن به فرمان نظم اقتصاد نئولیبرال جهانی، امکان پذیر نیست. اما شکسته شدن ساختار تک حزبی و خودکامه رژیم حسنی مبارک، شرایط انقلابی، حضور کارگران به موازات تحولات اخیر، موقعیتی فراهم ساخته که توده ها را به مبارزه برای به گرسی نشاندن خواسته های دموکراتیک خود، بیش از پیش وادار می سازد. حرکت اخیر محمد مرسی جهت ایجاد تعادل قوای سیاسی در بستر رویارویی با ارتش نه تنها قادر نیست میدانهای کشور را از حضور مردم تهی کند، بلکه آنها را به تشدید فشار به حاکمیت ترغیب می نماید. هوشیاری انقلابی احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی، دموکرات، سکولار و چپ ایجاب می کند که با دامن زدن به تضاد در هرم حاکمیت هر چند سطحی و نازل به نفع خواسته های حیاتی مردم مصر اقدام ورزند. توده های عظیم کارگران، زنان و جوانان، در میدانها کشور مصر هنوز

حضور دارند. آنان به عنوان سلاح بُرنده هر گونه تغییر بنیادین، تاریخاً ثابت کرده اند که در صورت وجود جنبشی که در بستری مطمئن و استوار قادر باشد با جریانات وابسته، آپورتونیستی، ارتجاعی و امپریالیستی روبرو گردد، قادرند به مبارزه تا استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی، ادامه دهند.

شکست و تحقیر رژیم ولایت فقیه در اجلاس مکه

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۲۷ مرداد

انتشار بیانیه پایانی نشست سه روزه سازمان همکاری کشورهای اسلامی در مکه، شکست کامل دیپلماسی رژیم ولایت فقیه را به نمایش گذاشت. حضور احمدی نژاد، نماینده ولی فقیه خود خوانده جهان اسلام در این کنفرانس نه تنها نتوانست در روند آن تاثیری بگذارد، بلکه رای قاطع تمامی ۵۷ کشور حاضر در کنفرانس به جز ایران و الجزایر مبنی بر تعلیق عضویت سوریه در این تشکل، ته مانده اعتماد به نفس علی خامنه ای را نیز نابود کرد. به همین دلیل او با کنار گذاری موقت بحران سوریه، روانه منطقه زلزله زده آذربایجان شد تا اندکی از تحقیر و شکست خود را جبران کند.

احمدی نژاد، پادوی علی خامنه ای در مسند ریاست جمهوری، به همراه علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه و چند تن دیگر از اعضای کابینه همچون حمید بقایی، معاون اجرایی، اسفندیار رحیم مشایی، رییس دفتر و مجتبی ثمره هاشمی، مشاور ارشد خود یک روز زودتر در این نشست شرکت کرده بود. اما او بدون شرکت در جلسه پایانی این نشست، عربستان را ترک کرده و به کشور بازگشت. حضور بدون تاثیر او و تیم همراهش در این نشست و - برخلاف ادعاها و لاف و گزاف پایوران رژیم - دولا و راست شدن آنها در برابر ملک عبدالله و دیگر سران عربستان سعودی نیز نتوانست کاری به جز حقیر تر کردن آنها بنماید. دلک بازای نمایندگان ولی فقیه جهان اسلام تا بدانجا رسید که احمدی نژاد با لنگ قطیفه در دیدار دیپلماتیک شرکت کرد و صالحی با بانگ رسا فریاد بر آورد که خود را در خانه خویش احساس می کند.

اما بدون توجه به این شامورتی بازیها و دولا و راست شدن آنها، در بیانیه پایانی این نشست که صبح پنجشنبه توسط اکمل الدین احسان اوغلو، دبیر کل این تشکل منتشر شد، آمده است: "سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی برای رژیمهایی که مردم خود را می کشند، جایی ندارد."

با این حساب، سران ۵۷ کشور شرکت کننده در این اجلاس رای به تعلیق عضویت سوریه دادند و اینگونه پوزه ولی فقیه و نمایندگان آن را که ادعای رهبری جهان اسلام را دارند، به خاک مالیدند. به دلیل همین ناکامی است که احمدی نژاد بدن شرکت در نشست پایانی، مکه را ترک کرد تا بیش از این سرافکنندگی را برای خود و علی خامنه ای ببار نیاورد.

سوریه که سال گذشته از اجلاس سران عرب نیز اخراج شده بود، با تعلیق عضویت در سازمان همکاری کشورهای اسلامی بیش از گذشته منزوی شد. تلاش رژیم ولی فقیه برای حمایت از رژیم سوریه نه تنها نتوانست در این مورد کار ساز باشد، بلکه باعث انزجار بیشتر از رژیم ولایت فقیه در بین کشورهای اسلامی نیز گردید.

به این ترتیب، رژیم ولی فقیه در کنار رژیم سوریه نه تنها بازنده دیپلماتیک این نشست شدند، بلکه انزجار کشورهای دیگر از سرکوبگران مردم را نیز به نمایش گذاردند که در بیانیه پایانی نشست به خوبی به آن اشاره می شود: "جهان دیگر نمی تواند حکومتی را بپذیرد که با هواپیما، تانک و توپخانه سنگین، مردم خودش را قتل عام می کند"

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

سرکوبی از اقتدار نظام نیست

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۹ مرداد

رژیم در بحرانی ترین شرایط در داخل و در ایزوله ترین موقعیت در روابط بین المللی است. وضعیت ناپایدار حکومت بشار اسد، به عنوان حلقه ی استراتژیک برای خودنمایی جمهوری اسلامی در معادلات منطقه ای، موقعیت حکومت ولایت فقیه را بیش از هر زمان لرزان کرده است. در این موقعیت برخی از پایوران رژیم خود را در نوبت بعد از سقوط بشار اسد می بینند.

در این شرایط بحرانی اقدام به برگزاری اجلاس کشورهای غیر متعهد در تهران تلاشی برای تغییر مناسبات منطقه ای به نفع حل بحران روابط بین المللی از طرف رژیم است. اعلام تعطیل عمومی به مدت ۵ روز نشانه عمق وحشت و ترس از بروز اعتراض مردمی به وضعیت موجود است. مردم ایران مخالف سیاستهای ماجراجویانه ولی فقیه و کارگزاران حکومتی هستند. امکان حضور مردم در خیابانها در روزهای برگزاری کنفرانس مزبور برای نشان دادن مخالفت خود با حکومت، وجود دارد. سرکرده نیروی انتظامی پاسدار رادان از برقراری امنیت کامل در روزهای کنفرانس خبر داد. وی با امن شمردن ایران به عنوان «امن ترین کشور جهان» تعطیل عمومی در ۵ روز را تسهیل در ترافیک شهر اعلام کرد. حذف مردم از خیابانها دقیقا به معنای ناامنی رژیم است.

کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها در حالی میهمان رژیم می شوند که تاریخ مصرفشان گذشته است. این بلوک سیاسی بعد از پایان جنگ سرد به عنوان نهادی تاثیر گذار نقش ندارد. توسل رژیم به چنین نهادی از یک منظر نشانی از تلاش برای درآمدن از بحران کنونی در روابط بین المللی است. رژیم با باج دادن به سران برخی از کشورها و صرف هزینه های گزاف برای برقراری کنفرانس قصد دارد بدون پذیرش قطعنامه های سازمان ملل، تحریمها را به نفع خود کاهش دهد و یا از طریق کشورهای به اصطلاح غیر متعهد آنها را دور بزند.

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: «برگزاری این اجلاس در تهران سبب می شود ایران محور تمرکز و توجهات سیاسی قرار گیرد.»

سخن پراکنیهای سران رژیم به ویژه احمدی نژاد در اجلاس فوق از پیش روشن است. ادعای توانایی در مدیریت جهان با حرفهای کلی و بدون مکان و زمان با قصد صدور بحران به خارج از ایران، شیوه هایی است که در شرایط فعلی خریداری ندارد. سخن پراکنی احمدی نژاد در نمایش روز قدس از یک طرف دخالت در سرنوشت مردم فلسطین و از سوی دیگر دامن زدن به تنش در منطقه به ضرر مردم ایران است. استفاده از غیر متعهدها برای پیش بردن چنین سیاستی از پیش محکوم به شکست است.

انفجار کنترل شده کنار بوشکه باروت!

منصور امان

فراسوی خبر... ۳۱ مرداد

زیر فشار تحریمهای نفتی - بانکی بین المللی، حاکمان ایران بیش از پیش به تحریکات جنگی روی می آورند. آنها که استراتژی سیاست خارجی خود را برای مدیریت بحران هسته ای زمینگیر و بی اثر یافته اند، شتابان در حال حرکت به سوی جایگزین کردن راهکار تشدید تنش خارجی به جای استراتژی مذاکره برای مذاکره و وقت گذرانی هستند.

براین اساس، سُخنان تُند و همزمان آقای خامنه ای و گُماشته اش بر منصب ریاست جمهوری علیه موجودیت اسرائیل که پس از یک دوره پرهیز از کار بُرد چنین ادبیاتی ایراد شده، نه تصادفی است و نه می توان آن را اقدامی مُنفرد به شمار آورد. واکنش پیش بینی پذیر گُسترده و منفی بین المللی به لفاظیهای "آقا" و پادو اش، نشان داد که "نظام" در مُحاسبه بازتاب سُخن پراکنیهای مزبور و وزنی که در چارچوب بُحران موجود خواهد یافت، به خطا نرفته است.

در همین چارچوب، فعال کردن طرحهای تروریستی در کشورهایمانند هند و تایلند و افغانستان قرار می گیرد که در نگاه به آن، سُخنان تشنُج برانگیز حاکمان ایران مفهوم دیگری می باید و همچون صدایی به گوش می رسد که اُرکستر اقدامات عملی "نظام" برای بالا بُردن پیچ بُحران را همراهی می کند.

"نظام" با گذاشتن این کارتها روی میز، روی عقب نشینی طرفهای خارجی خود از تحریمها به دلیل هراس از وارد شدن به یک جنگ با پیامدهای نامعلوم یا دستکم، پروراندن فضای جنگی در افکار عمومی آمریکا، اروپا و آسیا و بدین وسیله ایجاد اهرم فشار برای "پایان مُجازاتهای اقتصادی و دادن شانس به دیپلماسی"، شرط بندی کرده است.

چنین می نماید که آقای خامنه ای و شُرکا گمان می برند آنچه در حال انجام آن هستند، یک انفجار کنترل شده و مُحاسبه شده است. یک نگاه گذرا به شرایط کُنونی خاورمیانه و موقعیت و جایگاه جمهوری اسلامی در پهنه بین المللی نشان می دهد که این ارزیابی دلبخواهی و غیر واقعی است.

شوربختانه، در بازی حاکمان جمهوری اسلامی با آتش در کنار بُشکه باروت، چیزی بیشتر از ریش آقای خامنه ای برای سوختن وجود دارد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چالشها و حرکت‌های نیروهای کار

سیاست افزایش جمعیت و برده کردن زنان

شهره صابری

"به خاطر ترس از نداشتن روزی، فرزندانمان را نکشید و ما شما و آنها را روزی می دهیم!" این آیه ی شریفه! از سوی سید مجتبی ثمره هاشمی دستیار ارشد احمدی نژاد بیان شد. او در ادامه گفت: "این که ما به بهانه ی بهداشت و آموزش از افزایش جمعیت جلوگیری کنیم، منطق دینی ندارد. بنابراین هر کس که متولد می شود می تواند منشا خدمت و برکت باشد."

در ادامه ی تصمیم ولی فقیه برای طراحی سیاست افزایش جمعیت، گفته هایی از این دست که "جمعیت قدرت می آورد" توسط محمود احمدی نژاد عنوان شد. این نظریه را می توان چکیده ی تمام عیار منافع خفته در سیاست افزایش جمعیت دانست .

گفته ی محمود احمدی نژاد و دستیار ارشدش نشان می دهد که آنها به استدلالهای مبتنی بر منطق مخالفان خود بی تفاوت بوده و نیازی به رد استدلالهای مدافعان کنترل جمعیت نمی بینند. کارگزاران حکومت نگرانیهای ناشی از پایین آمدن سطح کرامت زندگی انسانی را به هیچ گرفته و تامین معاش انسان را وابسته به قدرتی فراسوی قدرت خود می دانند! شیوه ی پیش گرفته شده برای اثبات نیاز ایران به افزایش جمعیت نشان می دهد که این افراد خود را مواجهه با مردمی می بینند که نیاز به هیچ گونه چالش با آنها برای پیشرفت سیاستهای سرشار از منفعت خود نمی یابند. در واقع

سردمداران حکومت‌هایی که خود را مقابل افرادی غیر متشکل ببینند نیازی به بیان متقاعد کننده احساس نمی کنند. خرافه قدرتهای فرادست و یا ارباب برای متقاعد کردن مردم، برای آنها کافی است.

با توجه به خفیف بودن تضاد طبقاتی در ایران به دلیل شیوه ی مالکیت ابزار تولید و وجود بازمانده های استبداد آسیایی و همچنین وجود منابعی عظیم برای شکل گیری قدرتی مجزا از حمایت‌های مردمی و دارای قدرت سرکوبگری شدید، شرایط عینی برای چیرگی تام حاکمیت را آماده کرده است. به ویژه روحیه مردم ایران که احساس مفید نبودن و زائد بودن در ذهن آنها نقش بسته، بستر مساعدی برای حاکمیت غیر پاسخگو مهیا کرده است. در واقع عدم درک تضاد طبقاتی توسط مردم و به طور کلی شرق، از متشکل شدن افراد مبتنی بر منافع مشترک به هر نحو مثلاً در اتحادیه های کارگری یا در احزاب و سازمانها و... جلوگیری می کند و افرادی را می سازد که به راحتی توسط حکومت‌های تمامیت خواه بلعیده می شوند. رژیم تمامیت خواه ایران برای پیشروی در مسیر تسلط و جنگ طلبیهای خود به دسته ی بزرگی از جمعیت اضافی نیاز دارد که بتواند در مسیر اعمال چیرگی و سلطه ی تمام عیار خود آنها را به کار گرفته و به مثابه گوشت دم توپ قربانی کند.

با توجه به استدلال‌های علمی مبتنی بر پایین آمدن سطح کرامت زندگی انسانی همراه با افزایش جمعیت، دلیل دیگری غیر از قدرتی که حاکمیت آن را با از بین بردن و کشتار دسته ی بزرگی از جمعیت بدست می آورد نمی ماند. حکومت باید تاب تلفات عظیم به منظور اعمال چیرگی تام را داشته باشد. اما در این میان یعنی در مسیر افزایش جمعیت و سلطه گری حکومت، ناجیان اصلی زنان هستند. حکومت در هماهنگی با این اقدام تلاش بسیار به منظور خارج کردن زنان از چرخه ی تولید صنعتی و تبدیل آنها به بردگان خدمتگزار خصوصی خانواده، و به بیان بهتر و دقیق تر، خدمتگزاران اصلی طبقه ی حاکم کرده است. برای همین منظور است که روز به روز تبعیض جنسیتی در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی گسترش می یابد و برای مثال امسال در ۷۷ رشته ی دانشگاهی برای زنان جایی در نظر گرفته نشده است. خارج کردن زنان از صنعت نوین و آموزش دانشگاهی در هماهنگی کامل با افزایش جمعیت است.

در سیستم اقتصادی سرمایه داری زنان بین دو مورد شرکت در تولید اجتماعی و یا خدمت در خانه به منظور به عهده گرفتن تربیت فرزندان به ابویت شوهران خود باید یکی را انتخاب کنند، چرا که جامعه مسئولیتی در قبال پرورش فرزندان آنها به عهده نمی گیرد. بعد از گذر اعصار تیره ی توحش و بربریت و رسیدن به مرحله ی بالای بربریت یعنی تمدن آنچه راه زنان را به سوی تولید اجتماعی باز کرد انقلاب صنعتی و روشها و ابزارهای نوین تولید بود. اما زنان در سیستم سرمایه داری باید یکی از آن دو موردی که در بالا به آن اشاره شد را انتخاب کنند. در نتیجه در جامعه ای با سیستم اقتصادی سرمایه داری، پرورش فرزندان زیاد با خانه نشینی و انقیاد و پسرقت زنان به سوی بردگی برابر است. به گفته ی انگلس: "نابرابری (جنسیتی) معلول سرکوب اقتصادی زنان است." "زنان به علت به عهده گرفتن کار خانگی در دوران توحش (کار خانگی در دوران توحش اجتماعاً ضروری و یک صنعت تلقی می شد) و اشتغال به امور مربوط به تربیت فرزند و کار خانگی در گذار به مرحله ی تولید کشاورزی، از تهیه ی ابزار تولیدی متناسب با توان خود بازماندند. از آن جا که انسان موجودی طبیعت ستیز است تنها با رویارویی مستقیم با معضلات مربوط به امرار معاش خود می تواند ابزار رفع آنها را بسازد. در نهایت این امر باعث بردگی زنان و سلطه ی جنس مذکر بر مونث شد. همراه با قدرت اقتصادی، مردان توانستند اسباب سلطه بر زنان را فراهم کرده و با انقیاد آنان و به بردگی کشیدن زنان، ابویت فرزندان (ترجیحاً مذکر) برای انتقال اموال خود به آنها را بدست بیاورند. در اغلب موارد تملک تعداد بیشتری از زنان توسط مردان مایه ی تفاخر و رقابت مردان با یکدیگر بود. همچنین مهمترین عامل در تداوم تضاد طبقاتی توارث فرزندان مذکر از پدر بوده است. اما در این میان با توجه به جهان شمولی نظام سرمایه داری، ورود زنان به عرصه ی تولید اجتماعی و در نهایت رهایی آنان با وقوع انقلاب سوسیالیستی به یک ضرورت تبدیل شده است. طبقات ستم دیده ی ایران که مانند طبقات مسلط دارایی چندانی برای

انتقال به فرزندان خود ندارند و با توجه به فشارهای اقتصادی ناشی از سیستم اقتصادی موجود، زنان با وجود اقداماتی که به منظور خانه نشین و خارج کردن آنها از چرخه ی تولید اجتماعی و صنعتی اعمال می شود، تمایلی به خانه نشینی نخواهند داشت. هر زن آگاه ایرانی که به سرنوشت خود بیندیشد و برای مداخله کامل در حیات اجتماعی تلاش کند، به نظریه کنترل جمعیت گرایش پیدا می کند و مردمی که حرکت در مسیر رهایی را آغاز کرده اند سیاستهای منفعت طلبانه ی حاکمیت برای چیرگی تام را به شکست خواهند کشاند.

چالشهای معلمان در مرداد ماه ۱۳۹۱

فرنگیس بایقره

احکام جابرانه اعدام

محمد علی عموری، وبلاگ نویس، هاشم شعبانی، دبیر ادبیات عرب، هادی راشدی دبیر شیمی، سید جابر آلبوشو و برادر جوانتر او سید مختار آلبوشو که همگی ساکن خلف آباد (رامشیر) هستند، حدود یک سال پیش بدون این که اتهام مشخصی به آنها تفهیم شود، دستگیر شدند و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حکم اعدام آنها را صادر کرده است.

محمد علی عموری در سال ۱۳۸۶ در عراق بازداشت شد و پس از تحمل ۴ سال حبس تحویل دستگاه امنیتی رژیم ایران شد و در هفت ماه اول تحت شکنجه شدید قرار گرفت.



هادی راشدی نیز که در بهمن ماه سال گذشته بازداشت شده بود برای مدتی در بیمارستان بستری شد. وی به دلیل بدرفتاری و شکنجه ماموران امنیتی به بیمارستان منتقل شده بود.

این پنج نفر اواخر سال قبل در خانه هایشان در خلف آباد واقع در استان خوزستان در آستانه سالگرد اعتراضهای مردم عرب اهواز در سال ۱۳۸۴؛ دستگیر و سپس در بیدادگاههایی که مدت زمان آنها از پنج دقیقه کمتر بوده، اتهام مبهم «مبارزه با خدا و فساد فی الارض»، «اقدام علیه امنیت ملی و تجمع غیر قانونی» و «تبلیغ علیه نظام» به آنها تفهیم شد و حکم اعدام آنها صادر شد.

نامه کانون صنفی معلمان ایران درباره معلم دربند؛ سید محمود باقری

به گزارش هرانا، سید محمود باقری عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران که در دو پرونده جداگانه مجموعاً به نه سال و نیم حبس تعزیری و تعلیقی محکوم شده بود، دوشنبه ۵ تیر سال جاری جهت اجرای حکم بازداشت شد. در این رابطه کانون صنفی معلمان ایران نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس قوه قضاییه رژیم نوشته است. در بخشی از این نامه آمده است:

«شما بالاترین مقام قضایی کشور هستید. بنابراین بیشترین مسئولیت هم متوجه شماست. ما، همکاران و دوستان آقای باقری، با توجه به شناختی که از ایشان داریم، باورمان این است که وی کاملاً بی گناه است و زندانی شدنش ستم بزرگی

است که بر وی و خانواده فرهنگی اش روا داشته شده است. ما از شما می خواهیم به حرمت ۲۷ سال تلاش صادقانه ی این معلم کوشا و پاک زیست، دستور فرمایید ضمن توقف فوری اجرای حکم ایشان بار دیگر پرونده اش مورد بازنگری قرار گیرد. باشد که بی گناهی اش بر شما نیز نمایان گردد».

تجمع فارغ التحصیلان تربیت معلم و آموزشیاران پیش دبستانی مقابل مجلس

تعدادی از فارغ التحصیلان تربیت معلم و آموزشیاران پیش دبستانی روز یکشنبه اول مرداد مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس یکی از تجمع کنندگان در گفت و گو با فارس گفت؛ قرار بود بعد از اتمام دوره دانشگاه ما را در آموزش و پرورش استخدام کنند ولی در حال حاضر که بیش از دو سال از فارغ التحصیلی ما می گذرد، هنوز مسئولان اقدامی در این رابطه انجام ندادند.

همچنین روز چهارشنبه ۴ مرداد مربیان پیش دبستانی برای چندمین بار پیاپی مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. یکی از تجمع کنندگان اظهار داشت، ما از سراسر کشور به این جا آمده ایم تا پیگیر مطالبات و حق و حقوقمان باشیم. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، تعدادی از مربیان پیش دبستانی آموزش و پرورش برای چندمین بار پی در پی روز سه شنبه ۱۰ مرداد، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار فارس گفت: «ما بیش از ۵ بار است که برای تحقق مطالباتمان مقابل مجلس تجمع می کنیم اما متأسفانه با وجود حمایت برخی نمایندگان هنوز اقدامی برای حل مشکلات ما انجام نشده است.» وی اضافه نمود: «درخواست ما این است که اقدامات لازم برای استخداممان هرچه سریع تر انجام گیرد و از بلا تکلیفی خارج شویم چرا که آموزش و پرورش این کار را انجام نمی دهد و وضعیت ما هنوز معلوم نیست.»

تجمع مجدد معلمان مقابل مجلس

به گزارش هرانا، جمع زیادی از معلمان آموزش و پرورش اعم از مربیان شرکتی، پیش دبستانی و حق التدریسی روز یکشنبه ۱۵ مرداد با تجمع مقابل مجلس خواستار روشن شدن وضعیت استخدامی خود شدند. این عده از معلمان در طول یک ماه گذشته چندین بار مقابل مجلس حضور یافته و تجمع کردند. این عده از معلمان که همه آنها از معلمان زن آموزش و پرورش هستند با در دست داشتن پارچه نوشته هایی خواستار رعایت قانون استخدامی دروزارت آموزش و پرورش و استخدام در این وزارتخانه هستند.

افزایش دختران فراری در تابستان

روزنامه تهران امروز از افزایش ۱۵ درصدی دختران فراری خیر داده و نوشته است: «۸۵ درصد از دختران فراری که در پایتخت زندگی می کنند، اهل شهری غیر از تهران بوده و عمدتاً از استانهای ایلام، کرمانشاه، لرستان، مازندران و گیلان به تهران آمده اند.»

سعید خراطها، آسیب شناس، نیز طی یادداشتی در روزنامه تهران امروز تأکید کرده است: «افزایش برخی مشکلات اقتصادی سبب شده که بسیاری از خانواده ها مانند گذشته توانایی مالی برای آن که فرزندان شان از امکاناتی چون کلاسهای آموزشی برخوردار شوند را نداشته باشند.»

تجمع مجدد حق التدریسان و معلمان پیش دبستانی مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، معلمان حق التدریسی سازمان فنی و حرفه ای، نیروهای شرکتی آموزش و پرورش، بهداشتیاران و معلمان پیش دبستانی روز سه شنبه ۱۷ مرداد بار دیگر در اعتراض به مشخص نبودن وضعیت بیمه و استخدام خود مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

اعتراض کانون صنفی معلمان ایران در مورد رویکرد جدید جنسیتی به آموزش

کانون صنفی معلمان ایرانی طی بیانیه ای به رویکرد جدید جنسیتی در امر آموزش اعتراض کرده است. در این بیانیه به حذف حق دختران از تحصیل در برخی رشته ها اشاره شده و نسبت به عواقب آن هشدار داده شده است. بخشهایی از این بیانیه به قرار زیر است:

«در تابستان سال گذشته و چند روز مانده به آغاز سال تحصیلی، خبرهایی شنیده شد که گویا قرار است در ایران، خردسالان در مهد کودکها، تفکیک جنسیتی گردند؛ سخنی که شگفتی بسیاری را برانگیخت و مورد اعتراض برخی کارشناسان آموزشی قرار گرفت. گرچه جداسازی جنسیتی خردسالان، لزوماً، تبعیضی را به همراه ندارد، با این حال بنا به گفته ی برخی اندیشه وران آموزشی، رشد آنها را با دشواریهای بنیادینی روبرو کرده و نوباوگان را از تعامل درست و سازنده با جنس مخالف در سالهای آینده باز می دارد. اما بازم در چند روز گذشته، فضای عمومی و آموزشی کشور را موجی از نگرانیها فراگرفت، که پیامد رویکرد ویژه ی پاره ای از کارگزاران آموزشی کشور درباره جداسازی جنسیتی است. خبرها حکایت از آن دارد که در ۳۶ دانشگاه کشور و در ۷۸ رشته ی دانشگاهی، پذیرش دانشجوی دختر انجام نخواهد گرفت. هر کس که کمترین تجربه آموزشی را داشته باشد می داند که تصمیماتی از این دست نه تنها گره ای از دشواریهای آموزشی نمی گشاید بلکه دست کم تجربه ای نه چندان کامیاب را در گستره اجتماعی پشت خود یدک می کشد که بسیاری از اندیشمندان آموزشی و جامعه شناسی با آن همدل نیستند.

کاهش و حذف تدریجی سهم دختران در برخی دانشگاهها و رشته های تحصیلی، به هر دلیل و بهانه ای که انجام پذیرد نشانی است از وجود تبعیض در جامعه، و نه تنها برخلاف قوانین رسمی کشور می باشد، زیانهای هم در پی دارد که در دراز مدت متوجه کل جامعه خواهد گردید. گویا طراحان و مجریان این برنامه، با نگاهی کاملاً سنتی و بی توجه به دگرگونیهایی که در جامعه ی ایران -ته حتی جامعه جهانی- رخ داده، تمایل چندانی به حضور اجتماعی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی ندارند و آن را بی فایده و حتی زیان آور تلقی می نمایند. در این نگاه، نقش زن بیشتر در چارچوب خانواده، بارآوری و پرورش فرزندان دیده می شود که هرچند اهمیت آن انکار ناپذیر است اما تمامی آن چیزی نیست که می توان از یک انسان با تواناییهای گوناگون انتظار داشت.

-ورود به دانشگاه اگر به عواملی به جز تواناییهای علمی و هوش و علاقه ی افراد مربوط شود موجب کاهش سطح علمی دانشگاهها و در نتیجه افت سطح علمی کشور می گردد.

-منع نمودن دختران از ورود به برخی رشته های دانشگاهی که مورد علاقه آنان است موجب هدر رفتن استعدادهای آنان و محروم نمودن آنها از کسب موقعیت اجتماعی و اقتصادی دلخواه و در نتیجه سرخوردگی بخش مهمی از جامعه می گردد.

-جداسازی جنسیتی و تک جنسی کردن دانشگاهها، مانع یادگیری برقرار نمودن ارتباط سالم میان دختران و پسران در یک محیط علمی و کنترل شده گردیده، در وهله ی نخست نگاه صرفاً جنسی را در آنان تقویت می نماید و در وهله ی دوم این روابط را از محیط کنترل شده دانشگاه به محیط ها غیر قابل کنترل خصوصی، خیابان و پارک می کشاند.

از این رو، ما به عنوان یک نهاد آموزشی، نگرانی جدی خود را از برخوردهای سلیقه ای و ناکارشناسانه ی تحمیلی، با مسأله ی مهم آموزش اعلام می کنیم و بر این باوریم که چنین تصمیماتی، نه تنها کمکی به بهبود سطح و کیفیت آموزش نخواهند کرد بلکه بر نابسامانیهای آن افزوده، همچنین با بند نهم اصل سوم قانون اساسی یعنی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی و حق برابری در آموزش» ناسازگارند.

دستور العمل عفاف و حجاب در مدارس

معاون پژوهش و فرهنگی وزیر آموزش و پرورش از تنظیم دستور العمل عفاف و حجاب در مدارس خبر داده است. حسین هرابری در گفتگو با خبرنگار اجتماعی باشگاه خبرنگاران گفت؛ در حال تنظیم دستور العمل عفاف و حجاب و نوع پوششی در مدارس هستیم.

وی با اشاره به این که این دستور العمل نوع پوششی در مدارس را از جهات مختلف تعیین می کند افزود؛ این دستور العمل به صورت تبلیغی و تشویقی است نشان دهنده ارزش لباس فرم در مدارس خواهد بود. روزنامه آرمان خبر داده که منیره آمدی، رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان، روز دوشنبه ۱۰ مرداد اعلام کرد که «آموزش و پرورش در تفهیم مسأله حجاب و عفاف ناکارآمد است» و دلیل این ناکامی را «دور شدن مردم از حجاب و فاصله گرفتن رفتار مسئولان با شعارهای دینی» توصیف کرد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۱

گردآوری و تنظیم زینت میرهاشمی

*روز دوشنبه ۲ مرداد رانندگان کارخانه سیمان خزر دست به اعتصاب زدند و در نتیجه جا به جایی سیمان تولیدی این کارخانه متوقف شد. این کارخانه که زیر نظر فرمانداری استان گیلان فعالیت می کند، از ۱۰ روز قبل تولید خود را به دلیل پاره‌ای از مسائل متوقف کرده است.

به گزارش ایسنا، دلیل اعتصاب رانندگان اعتراض به نرخ اعلام شده از سوی فرمانداری بود. علاوه بر این کارخانه برای پرداخت حقوق کارگران نیز با مشکل مواجه است.

کارخانه سیمان خزر واقع در شهر رودبار یکی از بزرگ ترین کارخانه های سیمان کشور است که بخش عمده تولیدی خود را به استانها هم‌جوار و خارج از کشور صادر می کند.

*گروهی از کارکنان و بازنشستگان شرکت برق تهران روز سه شنبه ۳ مرداد به علت دریافت نکردن زمینهای خود از سوی تعاونی این شرکت در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش سایت خانه ملت، نماینده این کارکنان با بیان این که جمعیت ثبت نام کنندگان خرید زمین تعاونی بسیار زیاد است، گفت: این مالباختگان به سه گروه کارکنان، بازنشستگان و افراد آزاد تقسیم شده‌اند.

*روز سه شنبه ۳ مرداد، کارگران شهرداری اهواز در اعتراض به عدم دریافت حقوق ۵ ماه اخیرشان در پارک علامه واقع در محل «۴۰۰ دستگاه» شهر اهواز تجمع کردند. این کارگران از سوی ماموران کانتربهای منطقه ۱۱ و ۲۴ سه راه باهنر مورد یورش قرار گرفتند و ۱۵ تن از کارگران معترض هم توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند.

*کارگران اخراجی صنایع الوند همدان در روز پنجشنبه ۵ مرداد در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا این کارگران که استخدام دایم بوده به اخراج غیر قانونی خود که در خرداد سال ۱۳۸۹ صورت گرفته اعتراض داشته و خواستار دریافت حقوق ۲۶ ماهه خود هستند.

*روز چهارشنبه ۵ مرداد، کارگران صنایع تبدیلی الوند همدان، در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و از کار بیکار شدن خود برای سومین روز تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش همدان پرس، کارگران صنایع تبدیلی الوند بعد از تجمع روز اول مقابل استانداری، روز دوم در مقابل فرمانداری شهرستان بهار و روز سوم در مقابل استانداری همدان تجمع کردند. به گفته نماینده کارگران، مسئولان استانداری اعلام کردند که موضوع و شکایت آنها را بررسی و پیگیری خواهند کرد و در جلسه ای با نماینده کارگران نتیجه را اعلام خواهند کرد.

لازم به ذکر است که کارخانه صنایع تبدیلی الوند همدان از جمله ۳۱ پروژه مهر ماندگار در استان است.

*روز شنبه ۷ مرداد، کارگران نساجی مازندران در اعتراض به پرداخت نشدن حق و حقوق و مطالبات معوقه از سوی کارفرما، در مقابل ساختمان فرمانداری قائمشهر اجتماع کردند.

به گزارش کیهان، کارگران خواستار پیگیری و رسیدگی مشکلاتشان از سوی مسئولان و کارگزاران دولتی شدند. کارگران نساجی مازندران ۲۴ تا ۲۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

*روز یکشنبه ۸ مرداد، گروهی از کارگزاران مراکز مخابرات روستایی آذربایجان غربی با تجمع مقابل مجلس خواستار اجرای کامل طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی بر اساس مصوبه قوه مقننه شدند.

به گزارش ایلنا، کارگزاران مخابرات روستایی، ارائه دهندگان خدمات مخابراتی در روستاها هستند که شرکت مخابرات آنها را پیمانکار دانسته و در نتیجه از ارائه خدمات بیمه ای به آنان خودداری می کند

*روز دوشنبه ۹ مرداد، جمعی از رانندگان و کارگران کارخانه آب معدنی کریستال ولی آباد چالوس مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

به گزارش فارس، این کارگران از تعطیلی ۱۰ روزه این کارخانه خبر دادند و گفتند: مدیران کارخانه دست از تولید برداشته اند. این کارخانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ تن کارگر و راننده و توان تولید ۱۵ هزار بسته آب معدنی در روز را دارد.

*کارگران اداره راه و شهرسازی دشتستان روز سه شنبه ۱۰ مرداد در دفتر موسوی نژاد، نماینده مجلس تجمع کردند. به گزارش بوشهر نیوز به دنبال این تجمع اعتراضی شمسی، رییس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی دشتستان و همچنین دهقایدی، معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری این شهرستان با حضور در دفتر موسوی نژاد و شنیدن مشکلات این کارگران به آنان قول پیگیری و رفع مشکلات دادند.

*کارگران و کارگزاران شرکت مخابرات شهرستان لارستان در اعتراض به تبدیل قرارداد کاری خود روز دو شنبه ۱۶ مرداد، در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران مخابرات شهرستان لارستان با سوابق پنج تا ۲۶ سال در اعتراض به اقدام کارفرمای خود نسبت به تغییر قرارداد خود به ۱۵ روز ابراز نارضایتی کرده و از تغییر شرایط کار و تهدید امنیت شغلی خود ابراز ناامیدی کردند.

*کارگران کارخانه بانی پلاست غرب، سازنده کانالهای کولر، در اعتراض به سه ماه حقوق معوقه شان روز چهارشنبه ۱۸ مرداد مقابل اداره کار سندج تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران این کارخانه علاوه بر سه ماه حقوق معوقه، بیش از ده ماه است که حق بیمه آنها به تامین اجتماعی پرداخت نشده است.

* روز شنبه ۲۱ مرداد، کارگران نساجی مازندران پس از تجمع مقابل فرمانداری قائمشهر، وقتی با عدم پاسخگویی شفاف فرماندار مواجه شدند با نشستن مقابل فرمانداری خیابان اصلی شهر را بستند. به گزارش ایلنا، نساجی مازندران پس از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و جریان خصوصی سازی به دلیل سوء مدیریت و عدم نظارت دولت و همچنین واردات بی‌رویه کالاهای مشابه تولیدات این کارخانه دچار بحران مالی شده است. نساجی مازندران در دو دهه گذشته بیش از ۷۰۰۰ کارگر داشته که این تعداد طی چند سال اخیر به ۷۶۵ نفر کاهش یافته است. نساجی مازندران متشکل از نساجی تلار، نساجی طبرستان، گونی بافی و فاین نایس و نساجی تجن است که کارگرانشان با عدم دریافت بیش از ۲۶ ماه حقوق در شرایط سختی به سر می‌برند.

*از صبح روز دوشنبه ۲۳ مرداد صدها تن از کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود و خلف وعده های کارفرما و سازمان حمایت از صنایع، از مقابل این کارخانه ها در خیابان صنایع فلزی



دست به راهپیمایی به سمت جاده قدیم کرج (بزرگراه فتح) زدند و به مدت دو ساعت باند اصلی این بزرگراه به سمت تهران را بستند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران صنایع فلزی، نیروهای انتظامی و امنیتی و لباس شخصی در محل حاضر شدند و تلاش کردند با تهدید و همچنین وعده رسیدگی به مشکلات کارگران، آنان را از ادامه اعتراض و بستن جاده باز دارند اما کارگران با اصرار بر تحقق خواستههای خود همچنان به اعتراض خود ادامه دادند.

*روز سه شنبه ۲۴ مرداد، کارگران کارخانه های صنایع فلزی تحت تدابیر شدید امنیتی در مقابل ساختمان اصلی وزارت صنایع در تقاطع خیابان نجات الهی و سمیه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، نیروهای انتظامی و امنیتی و گارد ویژه به طور گسترده ای تا شعاع چند کیلومتری ساختمان وزارت صنایع و معادن مستقر شدند و کارگران معترض عملاً در محاصره شدید این نیروها قرار گرفتند.

در پی تجمع صدها تن از کارگران صنایع فلزی ایران در روزهای دوشنبه ۲۳ مرداد و سه شنبه ۲۴ مرداد، مدیریت دولتی صنایع فلزی ایران با حضور در جمع معترضان با دریافت چک از صاحب اصلی کارخانه وعده پرداخت حقوق معوقه بهمین، اسفند و عیدی سال گذشته را داد. به گزارش ایلنا پرداخت دستمزد و حقوق کارگران صنایع فلزی ایران حدود هشت ماه به تعویق افتاده است.

*روز سه شنبه ۲۴ مرداد، بلوار کاشانی شهر همدان خواستگاه زنان و مردان معترضی بود که خواهان عدل و داد و باز ستانی حق و حقوق خود بودند. به گزارش همدان پرس، اجتماع کنندگان که جمعیت آنان حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر متغیر بود از کارکنان علوم پزشکی همدان بوده که به نشان اعتراض نسبت به کسورات فیش حقوقی تا سقف حدود ۳۰۰ هزار تومان مقابل ساختمان اداری دانشگاه علوم پزشکی شهر همدان واقع در چهار راه خواجه رشید تجمع کرده و بیش از هر چیز دیگری بی حرمتهایی که به آنها روا شده و از ورود آنها به اداره مخاطب پرداخت حقوق خود ممنوع شده بودند اعتراض داشتند.

*کارگران کارخانه صنایع تندر در اعتراض به عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده، روز چهارشنبه ۲۵ مرداد در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش فارس، نماینده کارگران معترض با بیان این که مدت سه سال است دفترچه های بیمه کارگران تمدید نشده است، گفت؛ کارفرمای شرکت صنایع تندر با دریافت تسهیلات، آن را در جای دیگر هزینه کرده و حقوق و حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است.

این کارخانه از سال ۱۳۵۲ تاسیس شد و در ابتدا دولتی بود که در سال ۱۳۷۰ خصوصی شد. تولیدات این کارخانه دینام و استارت خودرو است.

*به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران شرک کیسون در پالایشگاه گاز فاز ۱۲ واقع در کنگان در اعتراض به نپرداختن سه ماه حقوقشان بعد از ظهر روز پنج شنبه ۲۶ مرداد دست از کار کشیدند. در پایان همین روز کارفرما به میان کارگران آمده و وعده پرداخت حقوقها را به زودی داد. روز جمعه کارگران با وعده کارفرما به سر کارشان رفتند.

*روز سه شنبه ۳۱ مرداد، تعداد کثیری از کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست مقابل دفتر مرکزی این سازمان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش عصرخبر، کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست پس از مراجعه به محل کار خود با فیشهای حقوقی مواجه شدند که در آن رقم درج شده مقابل اضافه کار و حق ماموریت صفر بود. تجمع کنندگان اظهار کردند که این کاهش و حذف اضافه کار در سایر زیر مجموعه های دولت صورت نگرفته و فقط در این سازمان اجرایی شده است.

*کارکنان فروشگاه زندان اوین روز سه شنبه ۳۱ مرداد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دو ماهه خویش دست از کار کشیدند.

به گزارش سایت کلمه، این کارکنان که تعدادشان ۲۵ نفر است و کنترل فروشگاههای اوین را بر عهده دارند، ماهیانه مبلغ چهارصد هزار تومان به عنوان حقوق دریافت می‌کردند که از زمان واگذاری این فروشگاه‌ها به بخش خصوصی، پیمانکار آن از پرداخت منظم حقوق خودداری کرده و اضافه کاری آنان را نیز قطع کرده است. این افراد اعلام کرده‌اند در صورت محقق نشدن وعده پیمانکار طی روزهای آینده دست از کار می‌کشند.

زنان در مسیر رهائی

آناهیتا اردوان

زنان مداخله‌گر: هایدی تامارا بانکی بیدر، چریک هم رزم ارنستو چه گوارا

هایدی تامارا بانکی بیدر، معروف به تانیای چریک، انقلابی کمونیستی بود که نقش بسیار مهمی در جنبشهای انقلابی کشورهای آمریکای لاتین داشت. او تنها زنی بود که در گروه چریکی به رهبری چه گوارا تا آخرین نفس رزمید. امروزه، تصویر تانیا در همه فدراسیونهای زنان کوبا دیده می‌شود. تانیا در بوینس آیرس (آرژانتین) از اریک بانکی و نادیا بیدر که هر دو کمونیستهای آلمانی بودند به دنیا آمد. مادرش یهودی بود. والدین وی در سال ۱۹۰۳ از دست نازی‌ها گریخته و به آرژانتین پناه بردند. تانیا همراه با خانواده اش در سال ۱۹۵۲ به آلمان شرقی رفتند. تانیا در سن هیجده سالگی، زمانی که در دانشگاه هامبولت آلمان در رشته علوم سیاسی به تحصیل مشغول بود به عضویت حزب اتحاد سوسیالیستهای آلمان درآمد. در سال ۱۹۶۰، زمانی که چه گوارا همراه با رفیق کوبائی خود از آلمان شرقی دیدن می‌کرد با تانیا که در آن زمان مترجم فستیوال جوانان بود، آشنا شد. تانیا که به جنبش چریکی آمریکای لاتین علاقه زیادی داشت و رهبر این جنبشها را ملاقات کرده بود در سال ۱۹۶۱ به کوبا سفر کرد. تانیا در آنجا تعلیمات لازم رزمی را دیده و بزودی یکی از نزدیکترین رفقای چه گوارا شد. او تنها زنی بود که تا آخرین نفس در کنار چه گوارا جنگید. تانیا فقط شش هفته قبل از کشته شدن چه گوارا به دست مزدوران سیای آمریکا، در سال ۱۹۶۷، در یک حمله نابرابر، بیرحمانه کشته شد. تیم چریکی تانیا از تیم اصلی به فرماندهی چه گوارا بطور اتفاقی جدا شده بود. تانیا اولین کسی بود که در گردان خود مورد شلیک مزدوران قرار گرفت. گفته می‌شود که تیرها به دو دست وی اصابت کرده و او را به دریاچه ریو گرانند پرتاب می‌کند. تانیا که دو دستش مجروح شده و تا کمر در آب فرو رفته بود هنوز تفنگ خود را بالای سرش نگاه می‌دارد. چه گوارا که تانیا را بسیار دوست داشت، زمانی که خبر کشته شدن تانیا را شنید، خبر را باور نکرده و گمان می‌برد که این خبر توسط مخالفان برای نا امید کردن انقلابیون گزارش شده است. البته، چه گوارا نیز با گذشت تقریباً شش هفته در تاریخ هشتم اکتبر همان سال توسط مزدوران سرمایه به قتل رسید. بخشی از استخوانهای بدن تانیا در سال ۱۹۹۸ پیدا شد و نزدیک آرامگاه چه گوارا در کوبا، سانتا کلارا، به خاک سپرده شد. در دفتر خاطرات تانیا که بعدها پیدا شد نوشته شده است: زندگی مهمترین چیزی است که یک انسان بدست می‌آورد. زندگی فقط یکبار به انسان داده می‌شود بنابراین انسان باید به گونه ای از آن بهره ببرد که در سالهایی که زندگی می‌کند بجز اندوختن تجربه و تدبیر، از اشتباهات و خطاهائی که در گذشته انجام داده خجالت زده نباشد. بدین ترتیب، هنگام مرگ می‌تواند بگوید که من همه ی قدرت و زندگی را برای مبارزه جهت رهائی انسان که زیباترین کار و اقدام است، صرف کردم.

زنان بیشترین قربانی زلزله در آذربایجان شرقی

به گزارش خبرگزاری مهر مورخ ۲۲ مرداد ماه سال جاری، هفتاد درصد از قربانیان زلزله چهار شهرستان و روستاهای آذربایجان شرقی، زنان و کودکان هستند. علیرغم آمارهای ضد و نقیض در خصوص کشته شدگان و مجروحان زلزله، رسانه های رژیم میزان تلفات انسانی را ۳۰۰ کشته و ۵ هزار زخمی اعلام کرده اند. این در حالیست که نماینده اهر در مجلس در گفت و گو با خبرگزاریهای دولتی اعلام کرد که آمار کشته ها بسیار بیشتر از آمار اعلام شده است. پایورزان رژیم، با این

که زلزله بارها زندگی بخشی از مردم ایران را به تباهی کشانده و متخصصان ایران را به عنوان یکی از مناطق زلزله خیز جهان شناسایی کرده اند، هیچگونه حرکتی جدی و کارا در راستای تهیه امکانات لازم در صورت وقوع زلزله، انجام نداده اند. هنگامی که بیشترین بخش بودجه کشور جهت صدور بحران، سرکوب در داخل و حمایت مالی از نیروهای ارتجاعی و حکومت‌های خودکامه رو به فروپاشی خرج می شود، جای شکی باقی نمی ماند که دفاع از جان مردم محروم روستاها و شهرها در برابر فجایع طبیعی در چارچوب ساختار نظام ارتجاعی حاکم نمی گنجد. پروسه انحصاری کردن تمام فعل و انفعالات اقتصادی از جمله مسکن و ساختمان سازی و سپردن آن به بنیادهای ارتجاعی وابسته به دولت و عدم نظارت بر چگونگی مسکن و شهر سازی جهت تمرکز هر چه بیشتر سرمایه در دست بخش انگلی جامعه، سبب شده که تلفات جانی در زمان زلزله و پس لرزه های آن در میهنمان بسیار بالا باشد. مجروح و کشته شدن ساکنان مناطق اهر و ورزقان، بی خانمانی و عواقب بعد از آن ریشه در سیاستهای اقتصادی- سیاسی ساختار سیاسی حاکم دارد که بیش از آن که به فکر چاره اندیشی جهت مقابله با فجایع طبیعی باشد، بر سرمایه گذاری های کلان جهت ساختن سلاح اتمی جهت تثبیت و ادامه حیات ننگین خود است. علاوه بر اینها، در حالی که بسیاری از مردم به آب، مواد غذایی و دارو احتیاج دارند، ارتجاع حاکم از ورود تیم های امدادگر خارجی ممانعت ورزیده و رسماً اعلان کرده است که نیازی به کمکهای بین المللی ندارد. در این میان، بیشترین آسیب متوجه زنان است زیرا، معمولاً مسوولیت محافظت از افراد بیمار، کهنسال و کودکان را بر عهده آنان است و بنابراین، خیلی دیرتر از دیگر افراد خانواده، به مناطق امن می گریزند.

فیلیپین معاهده بین المللی حقوق کارگران خانگی را تصویب می کند

رویترا، ۲ آگوست ۲۰۱۲

بر اساس گزارش دیده بان حقوق بشر با تصویب معاهده حقوق کارگران خانگی توسط دولت فیلیپین، اصول پیمان جهانی پیرامون حقوق نیروی کار که بر شرایط بهتر کار و حمایت از میلیونها کارگر خانگی، نظارت دارد را قابل اجرا می سازد. این معاهده یک سال بعد از دو بار تصویب شدن معاهده مزبور اجرائی خواهد شد. تصویب معاهده کارگران خانگی در فیلیپین به معنای واقعیت یافتن دستیابی حقوق کارگران خانگی است. با اجرائی شدن این معاهده، میلیونها زن و دختر جوان شانس شرایط کار و زندگی بهتر را به دست خواهند آورد. این معاهده جهانی، بر اساس احتیاجات تقریباً پنجاه تا صد میلیون کارگر خانگی در جهان است که اکثریت آن را زنان تشکیل می دهند. این زنان که با آزار و اذیت فیزیکی، جنسی و روحی شدید روبرو بوده و از طریق کار طاقت فرسا بدون زمانی برای استراحت، عدم دریافت دستمزد کافی، زندانی شدن در خانه، قاچاق و انجام کار اجباری استثمار می شوند. به موجب مفاد معاهده یادشده، کارگران خانگی مستحق حمایت‌هایی شامل زمان مشخص و محدود کار، حداقل دستمزد و حق بازنشستگی هستند که دیگر کارگران از آنها برخوردارند. این معاهده دولت‌ها را موظف می سازد که از کارگران خانگی در برابر آزار و اذیت‌های جنسی، فیزیکی و خشونت، حمایت کنند. علاوه بر اینها، دولت‌ها می بایست از کار کودکان در حوزه کار خانگی ممانعت ورزند. دو میلیون کارگر خانگی در فیلیپین در داخل کشور و یک میلیون آن در خارج از فیلیپین که اکثریت آن را زنان تشکیل می دهند، مشغول به کار هستند. زنان کارگر خانگی یکی از مهمترین منبع انتقال ارز خارجی به فیلیپین هستند. کارگران خانگی فیلیپینی خارج از کشور سالانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار ارز به داخل فیلیپین می فرستند. کارگران خانگی مهاجر با خطر استثمار شدید بابت مخارج جذب اشتغال، فقدان آشنائی به زبان و مقررات بین المللی که رابطه کارگران خانگی را با کارفرمایان تنظیم می کنند، روبرو هستند. سازمان دیده بان حقوق بشر، گزارشات مفصلی پیرامون آزار و اذیت کارگران خانگی فیلیپینی در اردن، لبنان، کویت، عربستان سعودی و سنگاپور تهیه کرده است. این گزارشات نشان می دهد که کارگران خانگی فیلیپینی مهاجر توسط کارفرمایان خود مورد ضرب کتک قرار می گیرند، پاسپورت آنها مصادره شده، در خانه زندانی می شوند، ساعاتی طولانی بدون زمانی برای استراحت و تعطیلی به انجام کار مجبور می گردند و در بسیاری موارد ماهها و سالها دستمزدی دریافت نمی کنند. معاهده کارگران خانگی بخش عمده ای را به دفاع از حقوق کارگران خانگی مهاجر

اختصاص داده است. بدین ترتیب، از کارفرمایان می‌خواهد که شرح حال مفصلی از کارگران خانگی خود به نهادهای قانونی ارائه دهند و حق کسر از دستمزد کارگران به بهانهٔ هزینهٔ جذب اشتغال، سلب می‌شود. سازمان دیده بان حقوق بشر پیرامون وضعیت کارگران خانگی در بیست کشور جهان به کنکاش پرداخته و محرومیت روزمره، استثمار شدید و مورد آزار و اذیت جنسی و فیزیکی قرار گرفتن آنان را به ثبت رسانده است. بر همین اساس، کودکان بیش از سی درصد از کارگران خانگی جهان را تشکیل می‌دهند و کارگران خانگی مهاجر نیز، از آسیب پذیرترین قشرها نسبت به اعمال آزار و اذیت و استثمار هستند.

انگلیس و خشونت خانگی

بی بی سی، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲

گزارش کردن خشونت خانگی از سوی قربانیان و پیگرد قانونی آن در کشور انگلیس نسبت به چهار سال گذشته ۱۵۰۰۰ مورد، افزایش یافته است. علت این سیر صعودی از سوی مدیر نهاد پیگرد قانونی، آموزش و بالا رفتن آگاهی عنوان شده است. اما، علی‌رغم توفیقه‌ها، هنوز فقط اندکی از این معضل حل شده است. بسیاری از قربانیان خشونت خانگی در کشور انگلیس هنوز در سکوت مطلق به سر می‌برند. یک زن به طور متوسط می‌بایست سی بار مورد آزار و اذیت قرار گیرد تا این که طلب حمایت و کمک کند. بسیاری از زنان قربانی ازدواج اجباری، تجاوز جنسی و ختنه زنان به اندازه کافی از اعتماد به نفس برخوردار نیستند تا جرایم وارده را گزارش دهند. برآوردهای جنائی کشور انگلیس نشان می‌دهد که سالانه تقریباً ۱.۲ میلیون زن، نوعی از خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند.

پایان یافتن فقر از مسیر رسیدگی به وضعیت زنان در جهان ممکن است

شبکه خبری زنان، نهم مارچ ۲۰۱۲

دو سوم از زمان کار در جهان را زنان انجام می‌دهند و نیمی از تولید مواد غذایی در جهان نیز حاصل کار آنهاست. اما، تنها ده درصد از درآمد و کمتر از یک درصد از دارائی جهان به آنان تعلق دارد. زنان آمریکائی ۷۷ سنت در برابر هر دلاری که مردان دریافت می‌کنند، درآمد دارند و به کار مشقت بار جهت از بین بردن شکاف جنسیتی در پرداخت دستمزد، ادامه می‌دهند. این درحالیست که دستمزد زنان در کشورهای دیگر جهان نیز کمتر از ۳۰ تا ۴۰ درصد دستمزد مردان است. قدرت یابی زنان و مشارکت سودمند آنان در پیشرفت و پایداری اقتصاد کشورشان، به حذف تبعیض جنسیتی می‌پردازد و اجازه می‌دهد تا مردان و زنان به طور برابر به امکانات لازم و حیاتی جهت موفقیت شان، دست یابند. دستیابی زنان به آب، زمین، دارائی، اعتبارات بانکی و تسهیلات اعتباری مناسب، آموزش، مواد غذایی کافی، بهداشت و تکنیک سبب سودمندی اقتصاد کشورشان می‌شود. موسسه‌ها و تشکلهای می‌بایست به صورت قانونی از دستیابی زنان به امکانات مذکور اطمینان حاصل کرده و حمایت کنند.

زنان مراکش جنبش نوینی جهت تثبیت حق مالکیت و ارث بردن از زمین را بنیان گذاشته‌اند

شبکهٔ خبری زنان، اول آگوست ۲۰۱۲

بیش از ۳۷ میلیون هکتار از زمینهای کشور مراکش توسط قوانین قبیله ای کنترل می‌شود که به زنان مجرد و بیوه حق داشتن زمین نمی‌دهد. بالوت یکی از زنانی است که هنگام فروش زمین توسط خانواده اش هیچ سرمایه عایدش نشد. این در حالی بود که هشت برادر بالوت از فروش زمین سرمایه ای نصیبشان شد. بالوت که خواستار یک زندگی بهتر بود با حمایت و کمک تشکلهای غیر دولتی به برگزاری کمپین علیه این نابرابری پرداخت. حرکت بالوت مشوق بسیاری از زنان دیگر شد تا علیه قانون قضائی مرد سالارانه کشو مراکش و آداب و رسوم دیرینه قبیله ای به مبارزه برخیزند. مراکش در موقعیت بسیار متناقضی قرار دارد. از یکسو، دولت تمام پیمان نامه‌های بین المللی مبنی بر برابری جنسیتی را پذیرفته

است و از دیگر سو، زنان با مواردی چون عدم حق مالکیت زمین و سهم بردن از فروش آن، روبرو هستند. جنبش نوین حق زمین در مراکش توسط زنانی همچون بالوت و عزیزا اینوچ، که علیرغم سالها زحمت و کار جهت تأمین امرار معاش خانواده شان هنگام فروش زمین تنها به دلیل جنسیتشان از برخورداری از سهم شان بی بهره می مانند، بنیان نهاده شده است. بنیانگذاران، طرفداران و حمایت کنندگان جنبش حق زمین برای زنان عقیده دارند که بدون حمایت ساختار سیاسی، موفق نخواهند شد. بنابراین، زنان فعال در این جنبش عنوان کرده اند که تا زمانی که دولت طرح ملی مبنی بر حق ارث بردن زنان از زمین را به تصویب نرساند از مبارزه دست نخواهند کشید.

برنامه و سیاست حمایتی - خارجی ضد بیماری ایدز آمریکا، زنان تن فروش را نادیده می گیرد

اسوشیتد پرس، ۲ آگوست ۲۰۱۲

سیستم راهبردی و سرمایه گذاری سیاست ضد بیماری ایدز و سرایت ویروس اچ آی وی، آنچنان مبهم است که در بسیاری موارد زنان تن فروش که قادرند بهترین سود را از سیاست حمایتی ضد ایدز آمریکا ببرند و خود یکی از مهمترین عاملان شیوع آن هستند، را نادیده می گیرد. کنفرانس اخیر جهانی ایدز در واشنگتن دی سی بیش از سی هزار نفر از گوشه و کنار جهان را گردهم آورد تا پیرامون بحران ایدز و چگونگی برخورد با آن گفتگو کنند. شرکت کنندگان از برنامه ضروری ریاست جمهوری برای ممانعت از گسترش بیماری ایدز که از سال ۲۰۰۴ آغاز شد ابراز شادمانی کردند و از نتایج مفید آن سخن به میان آوردند. سالانه میلیونها دلار برای پیشبرد اهداف این برنامه سرمایه گذاری می شود. موضوعی که در این برنامه می بایست مورد توجه قرار گیرد سیاست آمریکا در رابطه با موقعیت بفرنج تن فروشان و ارتباط با شیوع بیماری ایدز در جهان است. علیرغم این که تن فروشان خود به طور جدی در معرض خطر ابتلاء به بیماری ایدز هستند، اما سرمایه داری آمریکا در سیاست خارجی و برنامه علیه بیماری ایدز عملاً علیه آنان عمل می کند. برنامه حمایتی - خارجی مبارزه با بیماری ایدز آمریکا محدودیتهای بیشماری علیه پروژه هائی که تن فروشی را قانونی اعلام می کند و یا علیه قاچاق انسان فعالیت می کند، قائل است. این محدودیتهای باعث شده که بسیاری سازمانهای درمانی از ارائه خدمات رایگان به تن فروشان بیمار که بیماری شان عارضه ای از تن فروشی به مثابه اشتغال غیرقانونی است، خودداری ورزند. نهادهای اجرائی این برنامه حمایتی به شرطی حاضر به ارائه حمایت و کمک مالی شده اند که سازمانها و تشکلهای چنین سیاستهای محرومیتی و ممانعتی را بپذیرند. به عنوان مثال، برزیل کمک مالی چهل میلیون دلاری آمریکا را در همین راستا به دلیل بندهای محرومیتی، جذب نکرد. اگرچه برنامه حمایتی دولت آمریکا برای مبارزه با بیماری ایدز در جهان قابل توجه است اما از آن رو که تن فروشان به عنوان فقیرترین افرادی که می توانند به بیماری ایدز دچار شده و مسبب شیوع آن شوند را نادیده می گیرد، مورد انتقاد است.

لابی زنان اروپا خواستار رعایت برابری جنسیتی در بازیهای المپیک سال ۲۰۱۲ شدند

شبکه خبری زنان، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۲

شصت زن از اروپا، خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی جهت برجسته کردن اعمال تبعیض جنسیتی علیه ورزشکاران زن با برگزاری تحصنی در لندن خواستار اجرای عدالت و پایان دادن به نابرابری جنسیتی در المپیک شدند. این تحصن توسط لابی زنان اروپا وابسته به شبکه ای متشکل از بیش از ۱۵۰۰ تشکل مدافع حقوق زنان در سراسر قاره اروپا، رهبری شد. این شبکه اعلان کرده که کمیته جهانی المپیک می باید التزام خود مبنی بر رعایت برابری جنسیتی و نقش بیطرف خود در منشور المپیک را عملی سازد. مطالبات اعتراض کنندگان از این قرار است:

اجرای برابری جنسیتی در بازیهای المپیک مردان و زنان، حداقل ۲۰٪ از نمایندگان و داوران جهت حفظ تعادل می بایست به زنان تخصیص یابد.

رئیس کمیته جهانی المپیک می باید در اعطای مدال طلا به ورزشکاران زن برنده نیز مانند برندگان ورزشکاران مرد، رفتار کند.

کمیته می باید سریعاً حق شرکت ورزشکاران زن که با پوشش مذهبی و سیاسی در بازیهای المپیک شرکت می کنند را لغو کند و بدین ترتیب علیه اعمال تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در کشورهایمانند ایران و عربستان سعودی موضعی جدی و مشخص بگیرد.

رئیس کمیته جهانی المپیک جایزه طلا را به برنده مرد ورزش دوی مارتون اعطاء می کند اما نه برنده زن که بدین ترتیب هدفی ناعادلانه ای مبنی بر قهرمان بودن تنها ورزشکار مرد را به افکار عمومی جهان حقه کنند.

ورزشهای دوگانه و دو میدانی پنجاه کیلومتر فقط برای ورزشکاران مرد انجام می پذیرد. بسیاری ورزشکاران همجنس گرا، دو جنسی و آنانی که تغییر جنسیت داده اند به دلیل مورد تحقیر قرار گرفتن و تأثیر این موضوع بر جایزه گیریشان مجبور به پنهان کردن جنسیت خود هستند. اینها نشاندهنده ایجاد شکاف جنسیتی بین مردان و زنان ورزشکار است که سریعاً می باید مورد بررسی قرار گرفته و برطرف گردند.

نتیجه اعمال تبعیض جنسیتی خشن از سوی ارتجاع: میزان بیکاری زنان در ایران دو برابر مردان است

بی بی سی، ۱۲ اوت ۲۰۱۲

به گزارش مرکز آمار رژیم نرخ بیکاری در بهار امسال به ۱۲.۹ درصد رسیده است که نسبت به بهار گذشته، افزایش یافته است. میزان بیکاری زنان حدود دو برابر مردان است. از مجموع ۲۴ میلیون و ۴۳۰ هزار نفری که از نظر اقتصادی آماده به کار هستند نزدیک به بیست میلیون نفر مرد و حدود چهار میلیون و پانصد هزار نفر زن هستند. در حال حاضر سهم زنان در فعالیتهای اقتصادی در ایران حدود چهار و نیم میلیون نفر است در حالی که سهم مردان نزدیک به بیست میلیون نفر است.

رویدادهای هنری مرداد ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- اگر می خواهید خوشبخت باشید، زندگی را به یک هدف گره بزنید، نه به آدمها و اشیاء
آلبرت اینشتین (۱۴ مارس ۱۸۷۹ - ۱۸ آوریل ۱۹۵۵) فیزیکدان آلمانی

- انسانها نه نادان به دنیا می آیند نه احمق، از آموزش و پرورش نا درست احمق می شوند.
- برتراند راسل ، (۱۸ مه ۱۸۷۲ - ۲ فوریه ۱۹۷۰)، فیلسوف، منطقدان، ریاضیدان، مورخ، جامعه شناس و فعال صلح طلب بریتانیایی

شعر

بیاد شاملو

کانون نویسندگان ایران در تبعید طی بیانیه ای از "جشنواره باران گل" که از سوی کانون نویسندگان ایران در روز دوم مرداد به مناسبت دوازدهمین سالگرد چشم فروبستن احمد شاملو و به نشانه سپاس از زندگی پرشور و شعر او، بر

آرامگاهش برگزار می شود، خبر داد. در این بیانیه آمده است: "شاملو نشان تاریخ نوین انسان را بر سینه داشت و در اندیشه اش چیزی نبود مگر سخن گفتن به زبان مردم اعماق. تلاش او برای گردآوری فرهنگ مردم، کنکاش در هزرتوی زنده زبان بود و انسان را در قامت پیشرونده اش به نمایش می گذاشت."

سینما

تاثیر اختلافات حوزه هنری و شورای صنفی نمایش بر سینما

هنوز چندی از دعوای و اختلافات پیرامون انحلال خانه سینما نگذشته، سینمای ایران گرفتار اختلاف حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با شورای صنفی نمایش بر سر اکران فیلمهایی شده که به "ارزشی" و "غیر ارزشی" تقسیم بندی شده است. اصطلاح "ارزشی" معمولاً از سوی طرفداران رژیم به محصولات فرهنگی اطلاق می شود که با الگوهای عقیدتی آنها همخوانی دارند. حوزه هنری اعلام کرده که فیلمهایی را که "ارزشی" تشخیص ندهد در سینماهای زیر مجموعه اش نمایش نمی دهد.

کلاه قرمزی و بچه ننه که در چهارمین روز نمایش به فروش ۲۶۱ میلیون تومانی دست پیدا کرد یکی از همین فیلمها است که در سینما آزادی، یکی از مهم ترین سینماهای پایتخت ایران اجازه نمایش پیدا نکرد. اخبار و گزارشهایی که از درون و برون سینمای ایران منتشر می شود، فیلمهایی که این روزها ساخته می شود، دیده می شود یا نمی شود، دعوای و شاخ شانه کشیدن، بگیر و ببندها، برخوردهای گاه افراطی و گاه تفریطی و رسانه هایی که تریبون شان را در اختیار تسویه حسابهای شخصی یا جمعی افراد ذی نفع یا بی نفع می گذارند، همگی نشان از این دارند که ایام به کام سینمای ایران نیست.

کلینت ایستوود 'علیه' باراک اوباما

کلینت ایستوود هنرپیشه و کارگردان سرشناس هالیوود رسماً از میت رامنی، نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا حمایت کرد. این خبر سریع به رسانه های آمریکا راه یافت. ایستوود، برنده جایزه اسکار در مراسمی اقدام به جمع کردن پول برای کارزار انتخاباتی آقای رامنی کرد. در این مراسم بیش از دو میلیون دلار پول به ستاد انتخاباتی رامنی اهدا شد. آقای ایستوود گفته است، از میت رامنی به این دلیل حمایت می کند که کشورش احتیاج به جهش و تقویت دارد.

تحریم جشنواره های سینمایی به تلافی تحریمها

علیرضا سجادیپور، مدیر کل "ارزشیابی و نظارت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی"، می گوید؛ با توجه به این که اتحادیه اروپا ایران ما را در معرض شدیدترین تحریمها قرار داده، ما نیز در این فکر هستیم که حضور فیلمهای ایرانی که گرما بخش جشنواره های آنهاست را در ونیز تحریم کنیم. این در حالیست که فیلم سینمایی "خانه پدری" ساخته کیانوش عیاری، تنها فیلم ایرانی است که در شصت و نهمین دوره جشنواره فیلم ونیز در بخش جنبی "افقها" پذیرفته شده است. بخشی که امیر نادری، سینماگر ایرانی در آن به عنوان داور حضور دارد.

فیلم "قلاده طلا"، تحریف واقعیت با هزینه دولت

جواد شمقدری، معاون سابق سینمایی وزارت ارشاد و رئیس سازمان سینمایی گفته است که نزدیک به یک میلیارد تومان از هزینه ساخت فیلم "قلاده های طلا" از سوی دولت تامین شده است. فیلم "قلاده های طلا" اوایل امسال در سینماهای



ایران به نمایش در آمد. این فیلم به علت این ادعا که حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ از سوی آمریکا و بریتانیا هدایت می شده، جنجال زیادی برانگیخت. بسیاری آن را تحریف واقعیت می دانستند ولی کارگردانش می گفت که هدفش "جلوگیری از تحریف تاریخ" بوده است. ششمقدری گفت: "ابوالقاسم طالبی روزی به من گفت: "می خواهم فیلمی در خصوص فتنه ۸۸ و ابعاد گسترده آن بسازم. آیا شما حمایت خواهید کرد؟"، گفتم، قطعاً! این یکی از سیاستهای ماست. آقای ششمقدری می گوید: "باز هم اعلام می کنم از هر پروژه سینمایی که فتنه های در مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی را افشا می کند، حمایت خواهیم کرد."

موسیقی

صدور حکم زندان برای اعضای گروه "پوسی رایوت" در روسیه



سه زن عضو گروه "پوسی رایوت" که در ماه فوریه با نقاب به چهره وارد به کلیسای جامع مسکو شده و ترانه ای انتقادی اجرا کردند محکوم به زندان شدند.

صدور این حکم زندان انتقاد گروههای فعال در زمینه حقوق بشر و مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا را به دنبال داشت. سازمان عفو بین الملل نیز خواهان لغو این حکم شده است. مقامات کلیسای ارتدوکس روسیه گفته اند که اقدام این سه زن "توهین به مقدسات" بوده است، با این حال خواهان عفو آنها شده اند.

قاضی دادگاهی که محاکمه این سه زن در آن جریان داشت، گفت که آنها با انگیزه های مرتبط با "نفرت مذهبی" دست به این اقدام زده اند و "نظم عمومی را به شیوه ای گستاخانه زیر پا گذاشته اند". اما اعضا این گروه گفته اند که اقدامشان نوعی اعتراض به حمایت رهبران کلیسای ارتدوکس روسیه از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور کنونی این کشور بوده است.



لغو کنسرت شفیق مرید در افغانستان در پی اعتراض یک آخوند

با اعتراض یک روحانی در هرات، غرب افغانستان، کنسرت شفیق مرید آوازخوان جوان و پرآوازه افغانستان که قرار بود روز سوم عید فطر در شهر هرات برگزار شود، لغو شد. لغو این کنسرت اعتراض گسترده هواداران او را در فضای مجازی به دنبال داشت.

آخوند مجیب الرحمن، برگزار کننده این کنسرت را ترویج فحشا خواند و از مردم خواست به این کنسرت نروند و جلو برگزاری آن را بگیرند. مقامهای محلی در هرات نیز این کنسرت را لغو کردند.

آقای مرید در این باره گفت، برای خود، مردم و به ویژه مردم هرات متأسف است. او گفت مساله تنها خود او نیست بلکه جان هزاران نفر در صورت اجرای کنسرت به خطر می افتد. وی همچنین گفته است که نام کنسرت او "یک تبسم" بود و می خواست لبخندی را به مردم هرات هدیه دهد، می خواست آهنگ الله و اکبر را بخواند، آهنگهای میهنی اش را بخواند و برای کودکان و زنان بخواند.

یک ابتکار هنری برای اعتراض

جاستین مانتیسلو و رایان نیوبرو هم دو شهروند آمریکایی هستند که یأس خود از "تغییر" که اوباما قول آن را داده بود با ترانه ای در ویدیو کلیپ منتشر کردند. این ترانه بر وزن ترانه استرالیایی بسیار معروف گوتیه، خوانندهی استرالیایی، با نام "کسی که روزی او را می شناختم" (Somebody That I use to know) ساخته شده که اشعار آن اعتراض به اوباما و ابراز ناامیدی از اوست. نام ترانه "اوبامایی که روزی می شناختم" است. در این ترانه آمده است: "من آن قدر خوشبخت بودم که می خواستم با این خوشبختی بمیرم" اما "دیگر این حرفها و وعده و وعیدها ارزش مردن را ندارند."

آرورا، ترانه ای برای جانباختگان کشتار در سینمای کلرادو



پس از آن که دوازده نفر در حمله مسلحانه به تماشاگران فیلم "شوالیه سیاه برمی خیزد" در ایالت کلرادو کشته شدند. هانس زیمر، آهنگساز فیلم "شوالیه تاریکی برمی خیزد" آهنگ جدیدی به نام آرورا ساخته است که ادای احترامی است به قربانیانی که در سینمایی در کلرادو هدف شلیک گلوله قرار گرفتند. آقای زیمر در صفحه فیس بوک خود نوشته است: "آهنگ جدیدم با نام آرورا، به کسانی تعلق دارد که زندگی شان را در این

شهر از دست دادند یا در این حادثه صدمه دیدند." شلیک به تماشاگران فیلم بتمن در ایالت کلرادوی آمریکا که توسط فردی به نام جیمز هولمز انجام گرفت، بزرگترین واقعه از نوع خود در تاریخ این کشور اعلام شد. عرضه این آهنگ هشت و نیم دقیقه ای آغاز شده و از ۱۰ سنت تا دو هزار و پانصد دلار (معادل یک هزار و ۵۹۳ پوند) به فروش می رسد. کریس لین، نیز درباره این اقدام آهنگساز فیلم بتمن نوشته است: "هانس زیمر با این اقدام نشان داد همان گونه که آهنگساز بزرگی است، انسان بزرگی نیز است."

نقاشی

بهبان چینی برای دستگیری آی وی وی، هنرمند چینی

دادگاهی در چین تقاضای آی وی وی، هنرمند معترض چینی برای تجدید نظر در محکومیت به پرداخت بیش از دو میلیون دلار جریمه به دلیل تخلف مالیاتی را رد کرده است. جلسه رسیدگی به درخواست تجدید نظر تحت مراقبت شدید امنیتی در دادگاهی در پکن تشکیل شد و آقای آی اجازه شرکت در این جلسه را نداشت.



مسئولان امور مالیاتی او را به اتهام تخلف مالیاتی به پرداخت ۱۵ میلیون یوان (معادل دو میلیون و چهارصد هزار دلار) جریمه کرده اند اما آقای وی و حامیانش می گویند که این جریمه انگیزه سیاسی دارد.

این هنرمند چینی که به دلیل انتقادهایش از سیاستهای حکومت چین طی سالهای اخیر بسیار خبرساز بوده، از منتقدان دولت در حوزه حقوق بشر محسوب می شود. او از اوایل ماه آوریل سال گذشته و همزمان با بازداشت تعدادی از فعالان سیاسی و منتقدان حزب حاکم کمونیست چین بازداشت شده بود.

تاتر

پنجمین دهه نمایش رایگان در سنترال پارک نیویورک

تأثر دلاکورتیه که در سنترال پارک نیویورک در فضای باز اجرا می شود، این تابستان پنجاه سالگی فعالیت خود را جشن می گیرد.

جوزف پاپ، تهیه کننده فقید تاتر، در بروکلین نیویورک بزرگ شد و هرگز تماشای کنسرت‌های رایگان را طی دوران کودکی اش در پارک سنترال نیویورک فراموش نکرد. در اوان جوانی، مصمم شد آثار شکسپیر را به رایگان برای علاقمندان نیویورکی به ارمغان آورد. اوسکار یوستیس، مدیر هنری تأثر عمومی نیویورک، می گوید: "ایده جوزف پاپ آن بود که در یک نظام دموکراتیک فرهنگ باید در مالکیت همگان باشد؛ صرفنظر از میزان تحصیلات، وضع مالی، یا طبقه اقتصادی شان و هر کسی حق دسترسی به بهترینهای فرهنگ آمریکایی را داشته باشد."

دو بازیگر حرفه ای و سرشناس، مریل استریپ و کوین کلاین، کار دورخوانی تأثر رومئو و ژولیت را با گروه بازیگران در این تابستان اجرا می کنند.

کلاین تابستانهای بسیاری را در سنترال پارک نیویورک به نقش آفرینی در آثار شکسپیر، برشت و چخوف پرداخته است. کوین کلاین این اجراها را سحرآمیز و فضای پارک را به هنگام اجرای چنین



کارهایی عالی قلمداد می کند و می گوید یکی از مهمترین ویژگیهای مثبت این اجراها، رایگان بودن آن برای مخاطبان است. مریل استریپ که در کنار بازیگرانی چون آل پاچینو، مورگان فریمن، استیو مارتین و دنزل واشینگتن طی این سالها

در برخی از این نمایشها ایفای نقش کرده، می گوید این، تجربه ای متفاوت است. طی سالهای اخیر، شماری از نمایشها، از جمله یکی از آثار برتولت برشت، زیر باران اجرا شده و مردم هم از آن استقبال کرده اند.

کلاه شرعی دولت بر سر دیوان عدالت اداری

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۱۸ مرداد

در تقابل با رای دیوان عدالت اداری مبنی بر برکناری سعید مرتضوی از ریاست صندوق تامین اجتماعی، هیات وزیران اساسنامه صندوق را تغییر داد تا مرتضوی همچنان رییس باقی بماند.

دو روز پس از انتشار رای دیوان عدالت اداری در روزنامه رسمی، محمد رضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد اصلاحیه هیات وزیران بر اساسنامه صندوق تامین اجتماعی را ابلاغ کرد که به پیشنهاد وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی اعمال شده بود. بر اساس این اصلاحیه صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی تغییر نام داد. به همین دلیل محمد اصلانی وکیل سعید مرتضوی، در پاسخ به آخوند محمد جعفر منتظری، رییس دیوان عدالت اداری که هشدار داده بود با رای دیوان تقابل نکنند زیرا "قطعی و لازم الاجرا" است، گفت: "حکم دیوان عدالت اداری باید درباره مدیرعامل صندوقی اجرا شود که وجود خارجی ندارد."

و اینگونه مجموعه دولت به ریش دستگاه قضایی رژیم پوزخند می زند که همه تلاش خود را بکار گرفت تا رای دیوان عدالت اداری را با تهدید به برکناری وزیر لازم الاجرا نماید.

از سوی دیگر هیات دولت در پاسخ به این بخش از رای دیوان عدالت که بنا بر اساسنامه صندوق تامین اجتماعی شرایط لازم برای ریاست آن "مدرک کارشناسی ارشد با پنج سال سابقه فعالیت تخصصی در رشته های مدیریت، حسابداری، بیمه، مالی، اقتصاد، انفورماتیک و گروه پزشکی" است، را منطبق با شرایط مرتضوی تغییر داد، تا ابقای او در این پست را بلامانع گرداند.

هرچند علی اکبر بختیاری، رییس حوزه ریاست دیوان عدالت اداری می گوید: "رای دیوان عدالت اداری درباره برکناری سعید مرتضوی قطعی و لازم الاجرا است و تغییر اساسنامه صندوق تامین اجتماعی ربطی به این رای ندارد."

اما واقعیت این است که دولت احمدی نژاد با تغییر نام صندوق تامین اجتماعی و شرایط لازم برای مدیریت آن، عملن دیوان عدالت را در مقابل یک کلاه شرعی آخوندی قرار داده است. هرچند در روزهای گذشته هشدارهایی از داخل رژیم مبنی بر عزل مرتضوی به گوش رسید؛ از جمله احمد بخشایش، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس آخوندها گفت: "برخورد با مرتضوی مدافعان آینده نظام را در مقابله با فتنه گران دچار تردید می کند. اگر مرتضوی به دلیل حمایتی که از نظام داشته مورد مواخذه قرار گیرد، نباید در آینده انتظار دفاع از نظام را از دیگران داشته باشیم."

اما فعلن کشاکش باندهای قدرت در رژیم جمهوری اسلامی بالا گرفته و آنها گوششان به این حرفها بدهکار نیست. اینکه کشاکش دستگاه قضایی و مجلس با دولت احمدی نژاد به کجا ختم می شود را باید در تقابل باندهای قدرت و تقسیم منافع آن جستجو کرد.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

گسترش تبعیض جنسیتی در رشته های آموزشی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۲ مرداد

در حالی که رژیم در سال ۹۱ بحرانی ترین دوره حکومتداری خود را می گذراند، دست به بزرگترین تبعیض جنسیتی در مورد زنان زد. حذف زنان در ۷۷ رشته دانشگاهی یادآور حذف زنان از شغل قضاوت با هدف خانه نشین کردن زنان در سال ۵۷ است.

زنان طی بیش از سه دهه علیرغم وجود شدیدترین شیوه های سرکوبی، تحقیر و تبعیض، با مقاومت خود رژیم را به چالش گرفتند. زنان بیش از ۶۵ درصد قبولیهای کنکور دانشگاهها را به خود اختصاص دادند. این پدیده بی نظیر در فرهنگ مردسالارانه و ارتجاعی حکومت، جنبش زنان برای برابری جنستی و آزادی را وارد مرحله نوینی ساخت. اگر چه زنان تحصیل کرده بعد از پایان تحصیل امکان برابر با مردان برای ورود به بازار کار را ندارند و مجبور به خانه نشینی هستند، اما جمعیت آگاه زنان در جامعه همواره خطری برای بینادگرایی اسلامی هست تا جمعیت ناآگاه. حضور دختران در اعتراضهای دانشجویی و وجود فعال زنان در قیامهای خیابانی سال ۸۸، رهیافت گسترش جمعیت زنان آگاه در جامعه است. وجود تعداد بسیار زنان در سیاهچالهای رژیم هم بر این امر گواهی می دهد.

سهمیه بندی دانشگاهها به نفع پسران، جدا کردن خوابگاههای دانشجویان، جدا کردن کلاسهای دانشگاه، اجباری کردن زنان به ادامه تحصیل در محل اقامت زندگی والدین و ... چند سالی است که اجرا می شود. پایوران

رژیم تاکنون جرات پیاده کردن کامل طرحهای طالبانی خود را پیدا نکرده بودند. اکنون هیچ فرقی بین رژیم ولایت فقیه با طالبان که مدرسه دخترانه را آتش می زنند نیست. اگر جمهوری اسلامی همه عمل طالبان را آنگونه انجام نمی دهد به دلیل ترس از اعتراض عمومی است. بر همین منظر در پیاده کردن طرحهای خود و نیز طرح جدید منتظر واکنشهای مردمی است.

در حالی که وزارت خانه علوم مسئولیت تفکیک جنسیتی را نمی پذیرد، کامران دانشجو از حمایت ۱۴ مرجع تقلید از زنانه مردانه کردن رشته های آموزشی خبر می دهد.

زنانه و مردانه کردن رشته های آموزشی، تاسیس دانشگاه برای زنان برای رشته های زنانه، به معنای تبعیض جنسیتی و حذف زن از آموزش است. این عملی غیر انسانی و ضد بشر است. آموزش و تحصیل یک حق برای انسان است. زنان به طور تاریخی از امکانات آموزشی برابر با مردان محرومند. زنان ایران با ورود گسترده خود به آموزش عالی در جهت این رفع تبعیض تاریخی گام برداشتند. رژیم در قرن بیست و یکم و بعد از سه دهه استبداد بار دیگر نابرابری دستیابی به آموزش را در جهت تبعیض جنسیتی قانونی و نهادینه می کند. این راهکار رژیم که همزمان خانه نشین کردن زنان و افزایش جمعیت را هم در نظر دارد با مقاومت زنان روبرو خواهد شد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

تحولات سیاسی

جنگ نقد و واقعی، هیاهوی جنگ نسیه

مهدی سامع

زمین هنوز می لرزد و مردم محروم شهرستانهای اهر و ورزقان و روستاهای اطراف آن همچنان در تب و تاب بی خانمانی و فقدان اولیه ترین امکانات می سوزند. حکومت که مسئول اول رسیدگی سریع به زلزله زدگان است، ابتدا این رویداد تاسفبار را نادیده گرفت و ولی فقیه نظام با تاخیر و با ترکیبی از بلاهت و ریا به مردم آسیب دیده تسلیت گفت و پس از پنج روز به منطقه زلزله زده رفت. خامنه ای همچون همیشه ترکیبی از دروغ و جعل را به کار گرفت تا از بار مسئولیت شانه خالی کند. گفتار و رفتار آمرانه ولی فقیه و ابتدالی که در کُنه سخنان وی نهفته است بهترین مدرک برای اثبات جنگی است که نظام ولایت فقیه علیه مردم ایران انجام می دهد. مقام مُعَظَّم با تکبر خیثانه، چشم در چشم آسیب دیدگان، توپ را به زمین آنها پرتاب می کند و می گوید: «اگر ساکنان این مناطق با یکدیگر همکاری و همدلی داشته باشند این حادثه می تواند به سکوی پرش و دگرگونی چهره این منطقه تبدیل شود». این «اگر» را می توان به شکل دیگری هم مطرح کرد.

اگر حکومت مثل گذشته به جای «همکاری و همدلی» با مردم به خیال بلندپروازیهایی احمقانه باشد و همچنان سوار بر مرکب جهل و جنون برای بمب اتمی و توسعه بنیادگرایی اسلامی منابع مردم ایران را هزینه کند، این حادثه ناگوار به تکرار در گوشه و کنار کشور ما اتفاق خواهد افتاد. امروز در آذربایجان زمین هنوز می لرزد و قُشون آقای خامنه ای به جای رسیدگی سریع به مردمی که به اولیه ترین رسیدگیها نیاز دارند، مشغول سرکوبی «همکاری و همدلی» مردمی هستند که با بی اعتمادی مطلق به تمامی ارکان حکومت به یاری زلزله زدگان شتافته اند. زلزله روز شنبه ۲۱ مرداد و رویدادهای پس از آن به خوبی سیمای سلطنت مطلقه خامنه ای را به تصویر کشید و در مقابل نشان داد که مردم ایران و فعالان سیاسی-اجتماعی با وجود بگیر و ببندهای رژیم به وظیفه انسانی و اخلاقی خود پایبند هستند. آن چه مردم با وجود همه موانع در ساعات اولیه انجام دادند در نقطه مقابل رفتار ضد انسانی و جابرانه رژیم بود. کُنشی انسانی و اخلاقی در ضدیت با رفتار ضد انسانی حکومت بود و همین رفتار زنان و مردان کشورماست که بی تردید سکوی پرش به سوی دگرگونی خواهد شد. مساله اصلی برای خامنه ای نه مردم ایران است و نه نجات قدس. خامنه ای به تکرار این دروغ را تبلیغ می کند که گویی مساله او نجات فلسطین است. او روز یکشنبه ۲۹ خرداد، در دیدار با ایادی خود و سفرای بعضی از کشورها گفت: «مساله اصلی دنیای اسلام قدس شریف و موضوع فلسطین مظلوم است که به برکت بیداری اسلامی برجسته شده است... این موضوع اصلی نباید به فراموشی سپرده و به حاشیه رانده شود زیرا بسیاری از مشکلات دنیای اسلام به واسطه وجود رژیم جعلی صهیونیستی است.» او هرگز به مردم ستمدیده فلسطین کمکی نکرده و هر اقدام او علیه این مردم بوده است.

خامنه ای به جای هزینه برای مقاوم سازی خانه های مردم در فکر محکم سازی سلطنت مطلقه اش می باشد. او به خوبی می داند که اکثریت قاطع مردم ایران او و لایتش را مسئول ویرانیها و نابسامانیها می دانند. او قیام مردم در سال ۱۳۸۸ و در بهمن و اسفند سال ۱۳۸۹ را فراموش نکرده و برای همین است که به جای هزینه کردن منابع کشور در جهت بهبود زندگی مردم، در اندیشه ساختن بمب اتمی و توسعه بنیادگرایی اسلامی است. برای همین است که زخمهای زلزله همچنان پابرجا می مانند و در مقابل منابع کشور صرف بهینه کردن سلاحها، توسعه تروریسم و بنیادگرایی، تهیه ابزارهای

سرکوبی و چپاول و غارت می شود. این سیاست چیزی جز جنگ علیه مردم ایران نیست و هزینه این جنگ برای مردم بسیار کلان است. روز چهارشنبه ۱۸ مرداد امسال خبرگزاری حکومتی مهر اعلام کرد که: «آمار مربوط به مرگهای غیرطبیعی در ایران در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ نشان می دهد که ۴۳۸ هزار و ۷۲۹ نفر جان خود را به صورتی غیرعادی از دست داده اند». این مرگهای غیر طبیعی در اثر مسمومیت دارویی، برق گرفتگی، مسمومیت با گاز، سوختگی یا غرق شدگی و سوانح بوده است. حاکمیت برای پیشگیری از این فجایع هیچ برنامه جدی ندارد.

ولی فقیه و گماشته کوتوله اش این هزینه سرسام آور را به مردم ایران تحمیل می کنند تا امنیت ولایت ننگین خود در مقابل خشم مردم را تامین کنند. برای همین است که سخنگوی وزارت خارجه رژیم به صراحت و بدون هرگونه شکاف رژیم بشار اسد را «عمق استراتژیک» ولایت خامنه ای اعلام می کند و برای همین منظور است که خامنه ای و احمدی نژاد در یک گر همآهنگ با نتان یاهو و اهود باراک بر طبل جنگ می کوبند. این چهار تن هر یک به نوعی به این رَجَز خوانیها نیاز جدی دارند. از نگاه خامنه ای و گماشته اش هیاهوی جنگ خارجی برای پیروزی در جنگ داخلی مفید است. بزرگ کردن خطر جنگ خارجی از جانب انبوهی از مفسران و نظریه پردازان حکومتی و غیر حکومتی هیچ نتیجه عملی جز پنهان کردن جنگ داخلی و خُسرانهای کلان آن ندارد. حتی اگر یک جنگ خارجی در چشم انداز باشد، که به گمان من در چشم انداز قابل ارزیابی چنین امری بعید است، باید جلوگیری از بروز آن و یا کاهش لطمات آن، واقعیت جنگ داخلی موجود را به رسمیت شناخت و برای شکست حکومتی که این جنگ را به ما تحمیل کرده مبارزه کرد. جنگ احتمالی خارجی فاجعه بار و محکوم است و البته برای مهار رژیم ولایت فقیه بی نتیجه. این را واقع بینان درون حاکمیت اسرائیل به خوبی گوشزد کرده و می کنند. اما فاجعه بار ترین خطر، موجودیت نظام ولایت فقیه است. تضاد عمده مردم ایران با رژیم حاکم بر ایران است. این رژیم، به هر شکلی که آن را ارزیابی و تحلیل کنیم و برای ماهیت سیاسی و اقتصادی آن هر تحلیلی داشته باشیم، اولین و مهمترین مانع در مقابل منافع مردم ایران است. منافع مردم ایران و رژیم حاکم در دو قطب مقابل قرار دارد و هر تلاشی برای کمرنگ کردن این قطب بندی و یا مخدوش کردن تضاد عمده به ناچار در خدمت رژیم حاکم است. همه تلاشهای نهادهای گفتمانسازی ولایت خامنه ای و تحلیلگران خارجی که مامور به وظیفه حفظ رژیم ایران هستند، کُند کردن لَبه تیز حمله به رژیم حاکم است. این که این تحلیلگران و مفسران خود «چپ» یا «دمکرات» و یا «راست» یا «محافظه کار» تعریف می کنند در این واقعیت هیچ تغییری نمی دهد که نتیجه عملی کار آنان خدمت به استبداد مذهبی حاکم بر ایران و بنابراین تداوم فقر، بی خانمانی، بی عدالتی و بی حقوقی برای مردم ایران است. زلزله اخیر به خوبی نشان داد که برای ولایت خامنه ای سرنوشت مردم ایران هیچ اهمیتی ندارد. این را یک بار دیگر همگان به خوبی مشاهده کردند. اگر مردم ایران و فعالان سیاسی-اجتماعی برای تعیین سرنوشت خود قیام نکنند و نظام جهل و جنایت حاکم را سرنگون نکنند، آینده بسی تیره و تار خواهد بود. با تسلیت به بازماندگان زلزله اخیر و با مشارکت در غم و اندوه خانواده های قربانیان این فاجعه و با اتکا به همبستگی ستایش انگیز مردم، همه توان و نیروی خود را برای برانداختن رژیم حاکم به کار خواهیم گرفت.

علیه اعدام مبارزان گرد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۵ مرداد

دیکتاتوری ولایت فقیه تجربه سقوط دیکتاتورهای پیش از خود را آویزه گوش نکرده و همچنان ماشین کشتار را گرم نگاه می دارد. اعدام به عنوان مجازاتی شنیع و غیر انسانی نه تنها جرم و جنایت را کاهش نمی دهد، بلکه باعث بروز آسیبهای

اجتماعی و خشونت بیشتر در جامعه می شود. اعدام زندانیان سیاسی اگرچه بخشی از مبارزان را از صحنه خارج می کند، اما پدیده اصلی یعنی مخالفت علیه نظم موجود و اراده برای تغییر را از بین نمی برد. بر اساس گزارش روز چهارشنبه ۴ مرداد، کمپین بین المللی حقوق بشر «حداقل ۲۸ تن زندانی گرد» در انتظار اجرای حکم اعدام هستند. آنها در بیدادگاههای رژیم در زندانهای سنندج، ارومیه، سمنان، رجایی شهر، سقز به سر می برند. جرم این مبارزان مخالفت علیه نظام و فعالیت در گروههای سیاسی گرد اعلام شده است.

انتقال زندانیان سیاسی زن به زندان قرچک ورامین و زندانیان سیاسی مرد زندان رجایی شهر به بندی فاقد امکانات زندگی و عدم درمان زندانیان بیمار اضافه بر خبرهای شکنجه و سرکوب در زندانها، نشان دهنده وضعیت بحرانی رژیم است که تلاش می کند با ابزار سرکوب عمر امنیت نظام را تامین کند. اگر همه آزادیخواهان به جرم محارب و مرتد بودن به زیر تیغ سرکوب رژیم بروند، مشعل آزادیخواهی نه خاموش می شود و نه می توان آن را اعدام کرد. پرچم آزادیخواهی از دستی به دست دیگر و از نسلی به نسل دیگر تا کسب آزادی و رسیدن به قله پیروزی برافراشته خواهد بود. این رمز ماندگاری سه دهه از مقاومت علیه رژیم است.

تصفیه حساب ناطق نوری با خامنه ای

منصور امان

فراسوی خبر...شنبه ۲۱ مرداد

حُجّت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، یکی از قربانیان پروژه شکست خورده یکدست سازی قُدرت، پس از مُدتها سکوت و گوشه نشینی، به گونه غیر مُنتظره ای دست به تصفیه حساب با آیت الله خامنه ای زده است.

رییس دفتر بازرسی آیت الله خامنه ای در سُخنانی که به طور گسترده ای بازتاب یافت، اتهامات مالی که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه در سال ۸۸ به وی و اعضای خانواده اش وارد آورد را به گونه ضمنی دسیسه توصیف کرد و از ولینعمت او بازخواست کرد: "اگر نسبتی داده شد، چرا تحقیق نشد، بررسی نشد که این درست است یا درست نیست؟ واقعا برای من سوال است و اصلا این برای من مساله است، برای جامعه هم مساله است."

آقای ناطق نوری همچنین به خیمه شب بازی نزدیکان و حُقوق بگیران آیت الله خامنه ای با هدف تراشیدن جایگاه آسمانی برای وی حمله کرد و آن را "مُزخرف گویی" نامید. او به این وسیله بر بی ثمری یکی از راهکارهای پایه ای دستگاه قُدرت برای ترمیم اقتدار درهم شکسته شده "رهبر" در جریان خیزشهای ۸۸ و ۸۹ در "بالا و" پایین"، تاکید کرد.

انتقادهای بی پرده حُجّت الاسلام ناطق نوری از آیت الله خامنه ای، همزمان با موضع گیری چالشی آقای رفسنجانی در برابر راه حل آقای خامنه ای برای فرار از بُحران اقتصادی و تحریمها زیر عنوان "اقتصاد مُقاومتی" صورت می گیرد. او ضمن یادآوری اینکه "ما نباید با درآمد سرشار نفتی سالیان گذشته به اینجا می رسیدیم"، بر مسوولیت ولی فقیه و گماشتگان در شکل گیری شرایط فعلی اینگونه انگشت گذاشته بود: "مجموعه ای از عملکردها و سیاستها، امروز ما را به اقتصاد مُقاومتی رسانده."

آقای رفسنجانی همچنین به صراحت نسبت به کارایی راه حل آیت الله خامنه ای ابراز تردید کرده بود. او کنایه زنان گفت، "لازم است این راهکار جدید ابتدا به دُرستی تعریف شود" تا سپس بیافزاید: "اجرای اقتصاد مُقاومتی، مُجربانی کاردان، صالح و لایق می خواهد."

به مُوازات تشدید بُحران معیشتی در داخل و انزوای اقتصادی و سیاسی روزافزون جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، چنین می نماید که آقای خامنه ای با فشار بیشتری از جانب رُقبای خود روبرو شده باشد. ارزیابیهای "رهبر" از شرایط و حتی زیر دستان خود نادرست از آب درآمد و نزدیک به هیچیک از وعده ها و پیش بینیهای خوش بینانه او نیز به واقعیت

نپیوسته است. این می تواند زمین مناسبی برای سر باز کردن دوباره یک بحران سیاسی تعیین تکلیف نشده باشد که پس از خیز آقای خامنه ای و همدستانش برای یکدست سازی شکل گرفت.

پاره شدن عنان حزب الله در برابر ناطق نوری

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر چهارشنبه ۲۵ مرداد

انتقادهای حساب شده ناطق نوری به خامنه ای و باند احمدی نژاد، جدال باندهای حکومتی را به دور تازه ای کشاند. ذوب شدگان در ولایت با شعارهای «مرگ بر ضد ولایت فقیه» و «مرگ بر خواص بی بصیرت» سخنرانی ناطق نوری در مشهد را بر هم زدند. خواص بی بصیرت نامی است که ولی فقیه بر دوستان و یاران منتقد خود گذاشته است.

ناطق نوری کسانی را که در جبهه های جنگ مدعی رابطه با امام زمان شدند را عده ای بیمار روانی و افسرده در شرایط جنگی دانست. پخش کلید بهشت و امکان دیدار با امام زمان در جبهه جنگ از طرف سرکردگان نظامی رژیم امری رایج بود که اکنون با گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ، ناطق نوری در تصفیه حساب با خامنه ای به گوشه بسیار کوتاهی از آن اشاره می کند. مردود دانستن رابطه با امام زمان در شرایط فعلی، نشان دهنده بحران حکومتی و ناتوانی خامنه ای در مدیریت کشتی سوراخ سوراخ شده حکومتی است. وجود چاه جمکران، نامه نگاری و مشورت‌های احمدی نژاد با امام زمان پیرامون طرح حذف یارانه ها، ارتباط ولی فقیه با امام زمان و استفاده از ابزار دین برای سرکوب و چاپیدن مردم، سلسله راهکارهای رژیم برای حفظ قدرت است.

یکی از سرکردگان سابق سپاه پاسداران به نام سعید قاسمی روز سه شنبه ۲۴ مرداد، ناطق نوری را از خواص بی بصیرت خواند و وی را تهدید نمود. این سرکرده اعلام کرد که اگر ناطق نوری ادامه دهد «حزب الله رسماً عنان پاره می کند و به سراغشان می رود؛ همچنان که در مشهد هم دیدم».

در رویدادی دیگر وزارت کشور تکلیف دو جریان حذف شده از قدرت را مشخص کرد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی از شرکت در بازی انتخاباتی منع شدند. از هم اکنون تعیین گماشته ولی فقیه که باید جایگزین احمدی نژاد شود، جدال باندهای مختلف در قدرت و وابسته به قدرت را دامن زده است. ولی فقیه بیش از هر زمان دیگر در هدایت این جدال به سمت مورد نظرش ناتوان است.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

شهدای فدایی شهرپور ماه

شهدای فدایی شهرپور ماه

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعلی - اعظم السادات
 روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار و احسن ناهید - محمد
 مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده
 کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی -
 حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ
 احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری -
 عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا
 یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن -
 جمشید میرحیدری - یونس رضائی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسنونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰
 تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در گُلن - آلمان،
- ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

مجموعه این دو DVD ۹ ساعت است

بها: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار به اضافه ۲ یورو یا ۳ دلار برای هزینه پست

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

NABARD - E - KHALGH

No : 326 22 agust. 2012 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
 Executive Editor: Zinat Mirhashemi

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION